

کتاب کار گرامر

مؤلفین:

وحید رضوان پور، محدثہ محمدی، رعنا ایمان نژاد

Grammar

بیش از ۱۱۰ تمرین گرامر
به همراه پاسخ

- این کتاب، مکمل کتاب گرامر صفر تا صد می باشد که از طریق کانال تلگرام یا وبسایت زیر قابل دسترسی است.

@RMS_English

- برای اطلاع از کامل ترین کلاس های آنلاین گرامر و واژگان مخصوص ارشد، دکتری، msrt، mhle، ept، tolimo و... به وبسایت زیر رجوع کنید:

rmsenglish.com

به نام خدا

کتاب کار گرامر

(ویرایش اول)

مناسب تمام کسانی که می‌خواهند پایه گرامری خود را تقویت کنند

- وحید رضوان پور
- محدثه محمدی
- رعنا ایمان نژاد



سرشناسه	: رضوان پور، وحید، ۱۳۷۳-
عنوان و نام پدیدآور	: کتاب کار گرامر / وحید رضوان پور، محدثه محمدی، رعنا ایمان نژاد.
مشخصات نشر	: مهولات: انتشارات جالیز، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۷ص: ۲۲×۲۹ سم.
شابک	: ۳۸۸۰۰۰۰ ریال: 978-622-321-760-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
شناسه افزوده	: محمدی، محدثه، ۱۳۷۵-
شناسه افزوده	: ایمان نژاد، رعنا، ۱۳۶۸-
شماره پروانه نشر	: ۱۳۳۸۴
رده بندی کنگره	: PE۱۱۳۰
رده بندی دیویی	: ۴۲۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۶۳۰۴۵۳



کتاب کار گرامر

وحید رضوان پور، محدثه محمدی، رعنا ایمان نژاد

انتشارات جالیز، تابستان ۱۴۰۵

تعداد صفحات: ۱۱۷

قطع: رحلی

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹ - ۷۶۰ - ۳۲۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸

حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است

آدرس: مشهد بلوار شهید رضوی روبروی درب دانشکده روانشناسی دانشگاه فردوسی

تلفن تماس: ۰۹۱۵۹۳۰۹۹۶۳ - ۰۹۱۵۸۳۱۹۵۳۵ - ۰۵۱۳۸۷۹۵۲۸۸



مقدمه مؤلفین

بسیار تلاش شده است تا این کتاب، عاری از هر گونه اشتباه باشد؛ اما به هر حال ممکن است اشتباهاتی از نظر ما پنهان مانده باشد. از خوانندگان و اساتید محترم خواهشمند است که در صورت مشاهده کوچک‌ترین اشتباه در این کتاب، با راهنمایی خود از طریق آدرس الکترونیکی زیر، نسبت به اصلاح و بی‌نقص شدن کتاب، ما را یاری رسانند. سپاس فراوان.

vahidrezvanpoor@gmail.com

بخش‌های کتاب:

کتاب کار گرامر، دارای ۴۰ بخش تمرین گرامر به همراه پاسخ می‌باشد. این کتاب مناسب تمامی زبان آموزان می‌باشد. هدف از گردآوری این کتاب، فراهم کردن منبعی برای تمرین بیشتر و تسلط بهتر بر روی مطالب گرامر می‌باشد.

بهتر است قبل از اینکه به تمرین‌های این کتاب پاسخ دهید، مطمئن شوید که مطالب کتاب گرامر صفر تا صد، نوشته وحید رضوان پور، را یاد گرفته‌اید.

۱.	بخش ۱ (اسم خاص).....	۶
۲.	بخش ۲ (اسامی مفرد و جمع).....	۷
۳.	بخش ۳ (حروف تعریف معین و نامعین).....	۱۲
۴.	بخش ۴ (حروف تعریف معین و نامعین).....	۱۳
۵.	بخش ۵ (ضمیرها).....	۱۶
۶.	بخش ۶ (صفت).....	۲۱
۷.	بخش ۷ (زمان حال ساده).....	۲۴
۸.	بخش ۸ (زمان حال ساده، زمان حال استمراری، زمان گذشته ساده).....	۲۵
۹.	بخش ۹ (زمان حال ساده، زمان حال استمراری، زمان گذشته ساده، زمان گذشته استمراری).....	۲۸
۱۰.	بخش ۱۰ (صفت، ضمیر، فعل مفرد و جمع، اسم مفرد و جمع).....	۳۰
۱۱.	بخش ۱۱ (صفت، ضمیر، فعل مفرد و جمع، اسم مفرد و جمع).....	۳۴
۱۲.	بخش ۱۲ (صفت، قید ضمیر، حروف تعریف معین و نامعین، زمان گذشته ساده).....	۴۰
۱۳.	بخش ۱۳ (صفت، قید).....	۴۷
۱۴.	بخش ۱۴ (زمان گذشته ساده، زمان حال کامل).....	۵۱
۱۵.	بخش ۱۵ (زمان حال کامل).....	۵۳
۱۶.	بخش ۱۶ (افعال مُدال).....	۵۷
۱۷.	بخش ۱۷ (زمان گذشته ساده، زمان گذشته کامل، زمان آینده).....	۵۹
۱۸.	بخش ۱۸ (افعال مُدال).....	۶۲
۱۹.	بخش ۱۹ (حروف اضافه مرتبط با زمان).....	۶۶
۲۰.	بخش ۲۰ (جملات معلوم و مجهول).....	۶۸
۲۱.	بخش ۲۱ (حروف اضافه مرتبط با مکان).....	۷۰
۲۲.	بخش ۲۲ (جملات شرطی).....	۷۱
۲۳.	بخش ۲۳ (حروف اضافه).....	۷۴
۲۴.	بخش ۲۴ (کلمات و جملات پرسشی، صفت، افعال مُدال).....	۷۶
۲۵.	بخش ۲۵ (جملات پرسشی).....	۷۹
۲۶.	بخش ۲۶ (حروف اضافه).....	۸۱
۲۷.	بخش ۲۷ (حروف اضافه).....	۸۳
۲۸.	بخش ۲۸ (نقل قول).....	۸۵
۲۹.	بخش ۲۹ (جملات امری).....	۹۰
۳۰.	بخش ۳۰ (حروف اضافه).....	۹۲
۳۱.	بخش ۳۱ (نقل قول).....	۹۶
۳۲.	بخش ۳۲ (حروف ربط هم‌پایه، حروف ربط جفتی).....	۹۸
۳۳.	بخش ۳۳ (حروف ربط وابسته).....	۱۰۰
۳۴.	بخش ۳۴ (حروف ربط وابسته، حروف اضافه).....	۱۰۲
۳۵.	بخش ۳۵ (مصدر، اسم مصدر).....	۱۰۴
۳۶.	بخش ۳۶ (مصدر، اسم مصدر).....	۱۰۶
۳۷.	بخش ۳۷ (آزمون تستی).....	۱۰۸

۱۱۱	 بخش ۳۸ (جملات و ضمائر موصولی)
۱۱۲	 بخش ۳۹ (جملات و ضمائر موصولی)
۱۱۴	 بخش ۴۰ (جملات و ضمائر موصولی)

کتاب کار گرامر

پرسش و پاسخ

شامل:

۴۰ بخش تمرین گرامر با پاسخ

تمرین شماره ۱: در جملات داده شده، زیر اسم های خاص، خط بکشید:

همچنین زمان جمله های زیر را مشخص کنید. (زمان جمله های زیر، حال ساده، یا گذشته ساده است)

1. I met James at the post office. جیمز را در اداره پست ملاقات کردم.
2. Peter is my classmate. پیتر همکلاسی من است.
3. Millions of people speak English as a second language. میلیون ها نفر انگلیسی را به عنوان زبان دوم صحبت می کنند.
4. The Amazon is the largest river in the world. آمازون بزرگترین رودخانه جهان است.
5. Jupiter is the largest planet in our solar system. مشتری بزرگترین سیاره منظومه شمسی است.
6. Which is the capital city of Australia? پایتخت استرالیا کدام است؟
7. Greenland is the largest island in the world. گرینلند بزرگترین جزیره جهان است.
8. Agatha Christie wrote many books. آگاتا کریستی کتاب های زیادی نوشت.
9. Let's go to San Francisco. بیا بریم سانفرانسیسکو.
10. He never goes anywhere without Sarah. او هرگز بدون سارا جایی نمی رود.
11. There are many important documents at The Library of Congress. بسیاری از اسناد مهم در کتابخانه کنگره وجود دارد.
12. I'd like you to meet my friend Mahdi. دوست دارم شما با دوستم مهدی ملاقات کنید.
13. Do you think the Dolphins will win the game? آیا فکر می کنید دلفین ها برنده بازی خواهند بود؟
14. Thomas Jefferson was a president and philosopher. توماس جفرسون رئیس جمهور و فیلسوف بود.
15. Lisa works as a programmer at Microsoft. لیزا به عنوان برنامه نویس در مایکروسافت کار می کند.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1: James گذشته ساده	2: Peter حال ساده	3: English حال ساده	4: The Amazon حال ساده	5: Jupiter حال ساده
6: Australia حال ساده	7: Greenland حال ساده	8: Agatha Christie گذشته ساده	9: San Francisco حال ساده	10: Sarah حال ساده
11: The Library of Congress حال ساده	12: Mahdi حال ساده	13: Dolphins حال ساده	14: Thomas Jefferson گذشته ساده	15: Microsoft Lisa حال ساده

تمرین شماره ۱: جمع کلمات زیر را بنویسید.

A.

1. name: _____	نام	9. sister: _____	خواهر
2. school: _____	مدرسه	10. ball: _____	توپ
3. number: _____	شماره	11. bed: _____	تخت
4. rubber: _____	پاک کن	12. brother: _____	برادر
5. poster: _____	پوستر	13. door: _____	در
6. teacher: _____	معلم	14. home: _____	خانه
7. girl: _____	دختر	15. house: _____	خانه
8. classroom _____	کلاس درس	16. tree: _____	درخت

تمرین شماره ۲: جمع کلمات زیر را بنویسید:

B.

1. child: _____	بچه	6. sheep: _____	گوسفند
2. man: _____	مرد	7. woman: _____	زن
3. tooth: _____	دندان	8. foot: _____	پا
4. person: _____	فرد	9. postman: _____	پستچی مرد
5. goose: _____	غاز	10. mouse: _____	موش

تمرین شماره ۳: جاهای خالی را با "a" یا "some" پر کنید.

1. There is _____ sand in my shoe. کمی شن در کفش من وجود دارد.
2. There is _____ five pound note in my wallet. در کیف پول من یک اسکناس پنج پوندی وجود دارد.
3. There is _____ wine in the cupboard. مقداری شراب در کمد وجود دارد.
4. There is _____ butter in the fridge. مقداری کره در یخچال وجود دارد.
5. There is _____ peanut butter on the worktop. مقداری کره بادام زمینی روی میز کار وجود دارد.
6. There is _____ radio in the kitchen. در آشپزخانه یک رادیو وجود دارد.
7. There is _____ toothbrush in the bathroom. در حمام یک مسواک وجود دارد.
8. There is _____ jam in the cupboard. مقداری مربا در کابینت وجود دارد.
9. There is _____ magazine in the living room. یک مجله در اتاق نشیمن وجود دارد.
10. There is _____ queue at the post office. صف در پست وجود دارد.
11. There is _____ luggage in the car. تعدادی بار و بندیل داخل ماشین است.
12. There is _____ suitcase in the bedroom. در اتاق خواب یک چمدان وجود دارد.
13. There is _____ flour in the cupboard. در کمد مقداری آرد وجود دارد.
14. There is _____ sugar in your tea. مقداری شکر در چایی شما وجود دارد.
15. There is _____ bicycle outside. یک دوچرخه بیرون است.
16. There is _____ rice in the cupboard. مقداری برنج در کمد وجود دارد.
17. There is _____ dog in the garden. یک سگ در باغ وجود دارد.
18. There is _____ postman coming to the door. یک مامور پست به در می‌آید.
19. There is _____ alcohol in the fridge. مقداری الکل در یخچال وجود دارد.
20. There is _____ bathroom upstairs. یک حمام در طبقه بالا وجود دارد.
21. There is _____ computer in the office. یک کامپیوتر در دفتر وجود دارد.
22. There is _____ oil on the floor. مقداری روغن روی زمین است.
23. There is _____ ice on the windscreen. مقداری یخ روی شیشه جلو است.
24. There is _____ shirt in the tumble dryer. یک پیراهن در خشک کن قرار دارد.
25. There is _____ homework to do later on. تعدادی تکلیف برای بعدا انجام دادن است.
26. There is _____ food on the table. مقداری غذا روی میز است.
27. There is _____ cheese in the fridge. مقداری پنیر در یخچال وجود دارد.
28. There is _____ light switch on the wall. یک کلید روشنایی روی دیوار وجود دارد.
29. There is _____ vinegar on your chips. مقداری سرکه روی چیپس شما وجود دارد.
30. There is _____ pen in my pocket. یک قلم در جیب من است.

تمرین شماره ۴: با کلمات زیر، هشت جمله بنویسید. (از هر ستون باید یک کلمه انتخاب شود)

There is	a	people	in the	hall
		cupboards		bathroom
There are		magazines		dining room
		plant		office
		bed		spare room
	an	knives and forks		garden
		armchair		loft
		umbrella		cupboard
		dining table		kitchen
	some			bedroom

1.

2.

3.

4.

5.

6.

7.

8.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1.	names	نام‌ها	9.	sisters	خواهران
2.	schools	مدرسه‌ها	10.	balls	توپ‌ها
3.	numbers	شماره‌ها	11.	beds	تخت‌ها
4.	rubbers	پاک‌کن‌ها	12.	brothers	برادران
5.	posters	پوسترها	13.	doors	درها
6.	teachers	معلمان	14.	homes	خانه‌ها
7.	girls	دختران	15.	houses	خانه‌ها
8.	classrooms	کلاس‌های درس	16.	trees	درختان

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. child:	children	بچه‌ها	6. sheep:	sheep	گوسفندان
2. man:	men	مرد‌ها	7. woman:	women	زنان
3. tooth:	teeth	دندان‌ها	8. foot:	feet	پاها
4. person:	people	افراد	9. postman:	postmen	پستچی‌ان
5. goose:	geese	غازها	10. mouse:	mice	موش‌ها

پاسخ تمرین شماره ۳:

1. some	2. a	3. some	4. some	5. some	6. a	7. a	8. some	9. a	10. a
11. some	12. a	13. some	14. some	15. a	16. some	17. a	18. a	19. some	20. a
21. a	22. some	23. some	24. a	25. some	26. some	27. some	28. a	29. some	30. a

پاسخ تمرین شماره ۴: (ممکن است جملات متفاوتی نوشته باشید)

- | | |
|---|---------------------------------------|
| 1. There are some people in the hall. | چند نفر در سالن هستند. |
| 2. There are some cupboards in the office. | در دفتر چند کمد وجود دارد. |
| 3. There is a bed in the bedroom. | یک تخت‌خواب در اتاق خواب است. |
| 4. There is a dining table in the dining room. | یک میز ناهارخوری در اتاق غذاخوری است. |
| 5. There are some knives and forks in the cupboard. | چند چاقو و چنگال در کمد وجود دارد. |
| 6. There is an armchair in the bedroom. | یک صندلی راحتی در اتاق خواب هست. |
| 7. There is a plant in the garden. | یک گیاه در باغ وجود دارد. |
| 8. There is an umbrella in the spare room. | در اتاق اضافی، یک چتر وجود دارد. |

لغات غیرقابل شمارش رایج:

1. advice	نصیحت	31. hope	امید	61. power	قدرت
2. air	هوا	32. ice	یخ	62. pressure	فشار
3. alcohol	الکل	33. information	اطلاعات	63. rain	باران
4. art	هنر	34. jam	مربا	64. rice	برنج
5. beef	گوشت گاو	35. juice	آب میوه	65. sadness	غمگینی
6. blood	خون	36. knowledge	دانش	66. salt	نمک
7. butter	کره	37. lamb	گوشت بره	67. sand	شن
8. cheese	پنیر	38. lightning	رعد و برق	68. shopping	خرید کردن
9. chewing gum	آدامس	39. literature	ادبیات	69. silver	نقره ای
10. chocolate	شکلات	40. love	عشق	70. snow	برف
11. coffee	قهوه	41. luck	شانس	71. space	فضا
12. confusion	گیجی	42. luggage	بار مسافر	72. speed	سرعت
13. cotton	پنبه	43. meat	گوشت	73. steam	بخار
14. education	تحصیلات	44. milk	شیر	74. sugar	قند
15. electricity	برق	45. mist	غبار	75. sunshine	آفتاب
16. entertainment	سرگرمی	46. money	پول	76. tea	چای
17. experience	تجربه	47. music	موسیقی	77. tennis	تنیس
18. fiction	داستان	48. news	اخبار	78. time	زمان
19. flour	ارد	49. noise	سر و صدا	79. toothpaste	خمیر دندان
20. food	غذا	50. oil	روغن	80. traffic	ترافیک
21. forgiveness	بخشش	51. oxygen	اکسیژن	81. trousers	شلوار
22. fresh air	هوای تازه	52. paper	کاغذ	82. work	کار
23. furniture	مبلمان	53. patience	صبر	83. washing up	شستن
24. gold	طلا	54. pay	پرداخت	84. honey	عسل
25. grass	چمن	55. peace	صلح	85. water	آب
26. ground	زمین	56. pork	گوشت خوک	86. weather	آب و هوا
27. happiness	شادی	57. pepper	فلفل	87. wine	شراب
28. history	تاریخ	58. petrol	بنزین	88. wood	چوب
29. homework	مشق شب	59. plastic	پلاستیکی	89. wool	پشم

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با "a" یا "an" پر کنید.

1. _____	chair	صندلی	16. _____	orange	پرتقال
2. _____	girl	دختر	17. _____	ice cream	بستنی
3. _____	school	مدرسه	18. _____	pencil	مداد
4. _____	egg	تخم مرغ	19. _____	umbrella	چتر
5. _____	hour	ساعت	20. _____	notebook	دفترچه یادداشت
6. _____	apple	سیب	21. _____	number	عدد
7. _____	exam	امتحان	22. _____	heater	بخاری
8. _____	hospital	بیمارستان	23. _____	interview	مصاحبه
9. _____	year	سال	24. _____	application form	فرم درخواست
10. _____	university	دانشگاه	25. _____	heir	وارث
11. _____	address	نشانی	26. _____	computer	کامپیوتر
12. _____	ear	گوش	27. _____	bag	کیف
13. _____	sheep	گوسفند	28. _____	octopus	اختاپوس، هشت پا
14. _____	tie	کراوات	29. _____	desk	میز کار
15. _____	union	اتحادیه	30. _____	fridge	یخچال

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. a	2. a	3. a	4. an	5. an	6. an	7. an	8. a	9. a	10. a
11. an	12. an	13. a	14. a	15. a	16. an	17. an	18. a	19. an	20. a
21. a	22. a	23. an	24. an	25. an	26. a	27. a	28. an	29. a	30. a

تمرین شماره ۱: در جاهای خالی هر جا که لازم است، "the" قرار دهید.

1. I'm tired. I'm going to _____ bed. خسته‌ام. من میرم بخوابم.
2. I forgot to go to _____ bank. من فراموش کردم به بانک بروم.
3. I'm nervous because I've got to go to _____ dentist. من استرس دارم زیرا باید به دندانپزشک بروم.
4. I loved being at _____ university. من عاشق بودن در دانشگاه بودم.
5. We need to be at _____ airport in an hour. ما باید یک ساعت دیگر در فرودگاه باشیم.
6. We need to be at _____ Heathrow airport in an hour. ما باید یک ساعت دیگر در فرودگاه هیترو باشیم.
7. I normally watch _____ TV after dinner. من معمولاً بعد از شام تلویزیون تماشا می‌کنم.
8. I listen to _____ radio in the morning. من صبح به رادیو گوش می‌دهم.
9. Her husband got home early from _____ work. شوهرش زود از سر کار به خانه رسید.
10. I love _____ cheese. من عاشق پنیر هستم.
11. Why didn't someone tell me he was in _____ hospital? چرا کسی به من نگفت که او در بیمارستان است؟
12. I love _____ Chinese food. من عاشق غذاهای چینی هستم.
13. HMV is in _____ Oxford Street. HMV در خیابان آکسفورد است.

تمرین شماره ۲: جاهای خالی را با "a"، "an"، "the" یا "-" کامل کنید.

1. Paris is capital of France. I'd like to visit it one day. پاریس پایتخت فرانسه است. دوست دارم روزی آن را ببینم.
2. Bruce is the only boy at school who can speak Chinese. بروس تنها پسری است که می‌تواند به زبان چینی صحبت کند.
3. My grandmother has been playing tennis since she was 12. مادر بزرگ من از ۱۲ سالگی تنیس بازی می‌کرد.
4. Alice loves walking in rain. She likes rainy days rather than sunny ones. آلیس عاشق پیاده روی در زیر باران است. او روزهای بارانی را بیشتر از روزهای آفتابی دوست دارد.
5. Ted is listening to news on radio. He looks worried. تد در حال شنیدن اخبار در رادیو است. نگاهی نگران است.

6. Peter is blind and has got guide dog that goes with him everywhere. dog is a collie.
He couldn't live without it.
پیتر نابینا ست و یک سگ راهنما دارد که همه جا با او همراه است. سگ یک کولی است. او نمی‌تواند بدون آن زندگی کند.
7. When we were in Madrid we stayed at Ritz, which is very expensive hotel.
نگاهی که در مادرید بودیم در Ritz اقامت کردیم، که هتلی بسیار گران قیمت است.
8. Stella drove children to town centre last Monday.
استلا دوشنبه گذشته بچه‌ها را به مرکز شهر برد.
9. It's very hot today and Ben has turned on fan to get some fresh air.
امروز هوا خیلی گرم است و بن فن را روشن کرده تا هوای تازه بگیرد.
10. Granny always makes dinner on Thanksgiving Day. She is excellent cook.
مادر بزرگ همیشه در روز شکرگزاری شام درست می‌کند. او یک آشپز عالی است.
11. Anna's cat is sitting on window ledge looking at moon.
گربه آنا روی طاقچه پنجره نشسته و به ماه نگاه می‌کند.
12. Yesterday John and Larry went to zoo.
دیروز جان و لری به باغ وحش رفتند.
13. Kent goes to bed late when he has exam.
کنت وقتی امتحان دارد دیر به رختخواب می‌رود.
14. David always has breakfast in kitchen.
دیوید همیشه در آشپزخانه صبحانه می‌خورد.
15. little boy fell off bicycle.
[اون] پسر بچه از دوچرخه افتاد.
16. children like..... sweets.
بچه‌ها شیرینی دوست دارند.
17. I have lost..... book I took out of..... library.
من کتابی را که از کتابخانه بیرون آوردم گم کرده‌ام.
18. cats love..... fish.
گربه‌ها عاشق ماهی هستند.
19. Smoking..... cigarettes is unhealthy.
سیگار کشیدن ناسالم است.
20. Mr. and Mrs. Jones go to..... church on..... Sunday.
آقا و خانم جونز روز یکشنبه به کلیسا می‌روند.
21. They go to..... church round.....corner.
آنها به آن کلیسایی که در آن نیش است، می‌روند.
22. students read..... books.
دانش آموزان کتاب می‌خوانند.
23. student was reading.....book you gave him.
دانش آموز در حال خواندن کتابی بود که به او داده بودید.
24. world is coming to an end on.....Friday.
در روز جمعه دنیا به پایان میرسد.
25. He goes to..... work while Mrs. Jones stays at..... home.
او سر کار می‌رود در حالی که خانم جونز در خانه می‌ماند.
26. children go to..... school.
کودکان به مدرسه می‌روند.

27. Mr. Jones goes to..... office while Mrs. Jones stays at..... home.
آقای جونز به دفتر می‌رود در حالی که خانم جونز در خانه می‌ماند.
28. They live in..... house on.....corner of..... street.
آن‌ها در خانه‌ای در نبش یک خیابان زندگی می‌کنند.
29. children go to..... school over there.
بچه‌ها آنجا به مدرسه می‌روند.
30. dogs are not allowed in..... park.
ورود سگ به پارک ممنوع است.
31. Amazon flows from.....Andes to Atlantic.
آمازون از آند به آتلانتیک سرازیر می‌شود.
32. Queen will speak on.....Christmas Day.
ملکه در روز کریسمس صحبت خواهد کرد.
33. Mary wants to learn..... French before she goes to..... continent.
مری می‌خواهد قبل از رفتن به [آن] قاره، زبان فرانسه را یاد بگیرد.
34. In Paris, we stayed at..... George hotel, ate at..... Maxim's, and
visited.....Louvre.
در پاریس، ما در هتل George ماندیم، در Maxim's غذا خوردیم و از موزه لوور دیدن کردیم.
35. Smiths were supposed to come to..... lunch we gave at..... Ritz, but
..... Mrs. Smith phoned to say they had to take..... young one
to.....hospital.
اسمیت‌ها قرار بود برای ناهار ما در ریتز بیایند، اما خانم اسمیت با تلفن تماس گرفت و گفت که باید یک جوان را به بیمارستان برسانند.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | | | | | |
|--------|--------|--------|---------|--------|-------|------|
| 1. - | 2. the | 3. the | 4. - | 5. the | 6. - | 7. - |
| 8. the | 9. - | 10. - | 11. the | 12. - | 13. - | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | | | |
|-------------------|--------------|---------------|-----------------|----------------------------|
| 1. the | 2. - | 3. - | 4. the | 5. the, the |
| 6. a, the | 7. the, a | 8. the, the | 9. the | 10. -, an |
| 11. the, the | 12. the | 13. -, an | 14. -, the | 15. The, the |
| 16. -, - | 17. the, the | 18. -, - | 19. - | 20. -, - |
| 21. the, the | 22. -, - | 23. The, the | 24. The, - | 25. -, - |
| 26. -, - | 27. the, - | 28. a, the, a | 29. The, the | 30. -, the |
| 31. The, the, the | 32. The, - | 33. -, the | 34. The, -, the | 35. the, -, the, -, a, the |

تمرین شماره ۱:

Fill in the gaps using either 'I' or 'me':

1. Give that book to _____. آن کتاب را به من بدهید.
2. _____ don't like working in shops. من کار در مغازه‌ها را دوست ندارم.
3. Does your friend know _____? آیا دوست شما من را می‌شناسد؟
4. Ted and _____ are going out for lunch. من و تد برای ناهار بیرون می‌رویم.
5. _____ need to ask you something. من باید از شما چیزی بخواهم.
6. _____ 'm a vegetarian. من گیاهخوار هستم.
7. _____ was the first one to finish my exam. اولین کسی بودم که امتحانم را تمام کردم.
8. This is a picture of mum and _____ on holiday. این تصویری از من و مادر در تعطیلات است.
9. This is the house they showed _____. این خانه‌ای است که به من نشان دادند.
10. Did you know that _____ live in Manchester? آیا می‌دانستید که من در منچستر زندگی می‌کنم؟
11. Jenny told _____ that you went to London last week. جنی به من گفت که شما هفته گذشته به لندن رفته‌اید.
12. _____ will see you soon. من به زودی شما را می‌بینم.
13. Deepak is older than _____. دیپاک بزرگتر از من است.
14. Call _____ when you get there. وقتی به آنجا رسیدید با من تماس بگیرید.
15. This is the house where _____ was born. این خانه‌ای است که من در آن متولد شدم.

تمرین شماره ۲:

Fill in the gaps using either 'he' or 'him':

1. _____ always goes home early on Tuesdays. همیشه سه‌شنبه‌ها زود به خانه می‌رود.
2. I asked _____ for some help. من از او کمک خواستم.
3. _____ asked. "What's her problem?" او پرسید مشکلتش چیه؟
4. _____ was always a bit quiet. او همیشه کمی ساکت بود.
5. That's easy for _____ to say. گفتن برای او آسان است.
6. Do you want to see _____ now. آیا می‌خواهید او را هم‌اکنون ببینید؟
7. _____ needs a new pair of shoes. او به یک جفت کفش جدید نیاز دارد.
8. I think that _____ is really selfish. من فکر می‌کنم که او واقعاً خودخواه است.
9. Can you ask _____? آیا می‌توانید از او بپرسید؟
10. _____ wasn't very well last week. او هفته گذشته خیلی خوب نبود.
11. _____ put on his coat and went out. او کتش را پوشید و بیرون رفت.
12. Gillian gave the largest piece of cake to _____. گیلیان بزرگترین تکه کیک را به او داد.
13. I love spending time with _____. من عاشق گذراندن وقت با او هستم.
14. Everyone told _____ to be quiet. همه به او گفتند ساکت باشد.
15. There's something strange about _____. چیز عجیبی در مورد او وجود دارد.

تمرین شماره ۳:

Fill in the gaps using either 'she' or 'her':

- _____ thought he was joking. او فکر کرد که او شوخی میکند.
- _____ has got long hair. او موهای بلندی دارد.
- I see _____ on the bus every day. من هر روز او را در اتوبوس می بینم.
- John called _____ at half past nine. جان ساعت نه و نیم به او زنگ زد.
- Sally's sister gave _____ a new jacket. خواهر سالی یک ژاکت جدید به او داد.
- I know that _____ studies English. من می دانم که او انگلیسی می خواند.
- _____ 's quite serious, isn't she? او کاملاً جدی است، اینطور نیست؟
- _____ 's not interested in geography. او به جغرافیا علاقه ندارد.
- That guitar belongs to _____. آن گیتار متعلق به اوست.
- Is _____ going on holiday with you? آیا او با شما به تعطیلات می رود؟
- _____ waited in the rain for half an hour. او نیم ساعت زیر باران منتظر ماند.
- I told _____ that you can't meet _____. به او گفتم که نمی توانی او را ملاقات کنی.
- _____ picked up the bag. او کیف را برداشت.
- My neighbor said that _____ wasn't coming. همسایه من گفت که او نمی آید.

تمرین شماره ۴:

Fill in the gaps using either 'we' or 'us':

- _____ aren't interested. ما علاقه ای نداریم.
- Nobody told _____. هیچ کس به ما نگفت.
- They don't believe _____. آن ها ما را باور نمی کنند.
- Will _____ be able to meet up? آیا قادر به ملاقات خواهیم بود.
- This is what _____ wanted. این همان چیزی است که ما می خواستیم.
- They saw _____ walking down the road. آن ها ما را در حال قدم زدن در جاده دیدند.
- _____ agree with you. ما با شما موافقیم.
- Tell _____ what you mean. منظورتان را به ما بگویید.
- _____ hope that you enjoy yourselves. امیدواریم که از خود لذت ببرید.
- Can _____ tell you tomorrow? آیا می توانیم فردا به شما بگوییم؟
- _____ don't want to go out. ما نمی خواهیم بیرون برویم.
- This puts _____ in a difficult position. این ما را در موقعیت دشواری قرار می دهد.
- That's impossible for _____. این برای ما غیرممکن است.
- _____ 'll do what _____ can. ما آنچه را که می توانیم انجام می دهیم.
- Thank you for inviting _____. ممنون از دعوت ما.

تمرین شماره ۵:

Fill in the gaps using either 'they' or 'them':

1. I don't know _____ at all. من آن‌ها را اصلاً نمی‌شناسم.
2. _____ can't hear you. آن‌ها نمی‌توانند شما را بشنوند.
3. Ask _____ yourself. خودتان از آن‌ها بپرسید.
4. Who is that man with _____? آن مرد با آن‌ها کیست؟
5. _____ went to the cinema with Linda and Rachael last night. آن‌ها دیشب با لیندا و راشل به سینما رفتند.
6. Please tell _____ that _____ are early. لطفاً به آن‌ها بگویید که در اوایل هستند.
7. Somebody wants to see _____. کسی می‌خواهد آن‌ها را ببیند.
8. I will put _____ on the waiting list. آن‌ها را در لیست انتظار قرار می‌دهم.
9. _____ are at the football match. آن‌ها در مسابقه فوتبال هستند.
10. Did _____ see you there? آیا آن‌ها شما را آنجا دیدند؟
11. I've never heard of _____. من هرگز درباره آن‌ها نشنیده‌ام.
12. I want to invite _____, but I think _____ are busy. من می‌خواهم آن‌ها را دعوت کنم، اما فکر می‌کنم آن‌ها سرشان شلوغ است.
13. _____ cut the grass, just like I asked _____ to. آن‌ها چمن را هرس کردند، درست مانند آنچه من از آن‌ها خواسته بودم.

تمرین شماره ۶:

Subject pronouns	I	you	he	she	it	we	they
Object pronouns	me	you	him	her	it	us	them

Fill in each gap with either a subject pronoun or object pronoun:

1. Have you seen my dad? _____'s wearing a red shirt. آیا پدرم را دیده‌اید؟ او پیراهن قرمز بر تن دارد.
2. Are _____ going to finish your dinner? آیا قصد دارید شام خود را تمام کنید؟
3. I don't like Christopher. _____ really annoys _____. من کریستوفر را دوست ندارم. او واقعاً مرا اذیت می‌کند.
4. Your bag is over there. Take _____ with _____ when you go. کیف شما آنجاست. وقتی رفتی آن را با خود ببر.
5. We always go to bed early. Ten o'clock is late for _____. ما همیشه زود می‌خوابیم. ساعت ده برای ما دیر است.
6. Her shoes were dirty, so _____ cleaned _____. کفش‌هایش کثیف بود، بنابراین آن‌ها را تمیز کرد.
7. I'm going to the cinema. Do _____ want to come with _____? من به سینما می‌روم. آیا می‌خواهید با من بیایید؟
8. My brother rang last night. _____ was great to talk to _____. برادرم دیشب زنگ زد. صحبت با او بسیار عالی بود.

9. Emily saw _____ at the restaurant. They were having lunch.
امیلی آن‌ها را در رستوران دید. آن‌ها مشغول صرف ناهار بودند.
10. The boy came up to _____ and took my hand.
پسر نزد من آمد و دست مرا گرفت.
11. I don't think the shop is open. _____ usually closes at five thirty.
فکر نمی‌کنم مغازه باز باشد. معمولاً ساعت پنج و نیم بسته می‌شود.
12. I showed _____ my photos. He thought _____ were boring.
عکس‌هایم را به او نشان دادم. او فکر می‌کرد آنها خسته‌کننده هستند.
13. "How much is that CD?" "_____ think _____'s £11.99."
"آن سی دی چقدر است؟" "من فکر می‌کنم ۱۱,۹۹ پوند است."
14. Ali isn't coming to see the film. _____'s seen _____ already.
علی برای دیدن فیلم نمی‌آید. او قبلاً آن را دیده است.
15. It's sunny today, isn't _____?
امروز هوا آفتابی است، اینطور نیست؟
16. I went to see my aunt. _____ was pleased to see _____.
به دیدن عمه‌ام رفتم. از دیدن من خوشحال شد.
17. It's good to see _____ all. Thanks for coming.
دیدن همه شما خوب است. ممنون که آمدید.
18. Lara's boyfriend has broken up with _____. _____ told _____ that _____ doesn't love her any more.
دوست پسر لارا از او جدا شده است. او به او گفت که دیگر او را دوست ندارد.
19. _____ were annoyed when their meal was late.
وقتی غذایشان دیر می‌شد، اذیت می‌شدند.
20. Adele said goodbye to her brother. She was sad to watch _____ go.
ادل با برادرش خداحافظی کرد. او از دیدن رفتنش ناراحت بود.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | | | | | | |
|-------|-------|--------|-------|--------|--------|-------|-------|
| 1: me | 2: I | 3: me | 4: I | 5: I | 6: I | 7: I | 8: me |
| 9: me | 10: I | 11: me | 12: I | 13: me | 14: me | 15: I | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | | | | | | |
|--------|--------|--------|---------|---------|---------|---------|-------|
| 1: He | 2: him | 3: He | 4: He | 5: him | 6: him | 7: He | 8: he |
| 9: him | 10: He | 11: He | 12: him | 13: him | 14: him | 15: him | |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | | | | | | |
|--------|--------|---------|---------|---------------|---------|---------|
| 1: She | 2: She | 3: her | 4: her | 5: her | 6: she | 7: She |
| 8: She | 9: her | 10: She | 11: She | 12: her - her | 13: She | 14: she |

پاسخ تمرین شماره ۴:

- 1: We 2: us 3: us 4: we 5: we 6: us 7: We 8: us
 9: We 10: we 11: We 12: us 13: us 14: We - we 15: us

پاسخ تمرین شماره ۵:

- 1: them 2: They 3: them 4: them 5: They 6: them - they 7: them
 8: them 9: they 10: they 11: them 12: them - they 13: They - them

پاسخ تمرین شماره ۶:

- 1: He 2: you 3: he - me 4: it - you
 5: us 6: she - them 7: you - me 8: It - him
 9: them 10: me 11: It 12: him - they
 13: I - it 14: He - it 15: it 16: She - me
 17: you 18: her - he - her - he 19: They 20: him

تمرین شماره ۱: صفات سمت چپ را با مخالف آن در سمت راست تطبیق دهید.

1.	clever	_____	a.	high
2.	poor	_____	b.	soft
3.	sunny	_____	c.	stupid
4.	wet	_____	d.	rich
5.	long	_____	e.	rainy
6.	fat	_____	f.	dry
7.	big	_____	g.	short
8.	good	_____	h.	small
9.	hard	_____	i.	thin
10.	low	_____	j.	bad
11.	light	_____	k.	narrow
12.	warm	_____	l.	short
13.	old	_____	m.	cold
14.	odd	_____	n.	young
15.	fast	_____	o.	flat
16.	expensive	_____	p.	normal
17.	hungry	_____	q.	cheap
18.	uneven	_____	r.	full
19.	wide	_____	s.	slow
20.	tall	_____	t.	dark

تمرین شماره ۲: برای صفات زیر، فرم تفضیلی و عالی مناسب بنویسید.

	adjective	comparative	superlative
example:	big	bigger	biggest
1.	light	_____	_____
2.	clever	_____	_____
3.	sunny	_____	_____
4.	hard	_____	_____
5.	thin	_____	_____
6.	good	_____	_____
7.	poor	_____	_____
8.	short	_____	_____
9.	late	_____	_____
10.	happy	_____	_____
11.	shady	_____	_____
12.	stupid	_____	_____
13.	rainy	_____	_____
14.	soft	_____	_____
15.	fat	_____	_____
16.	bad	_____	_____
17.	rich	_____	_____
18.	long	_____	_____
19.	early	_____	_____
20.	sad	_____	_____
21.	nice	_____	_____
22.	cold	_____	_____
23.	clean	_____	_____
24.	young	_____	_____
25.	fast	_____	_____

26.	large	_____	_____
27.	hungry	_____	_____
28.	narrow	_____	_____
29.	red	_____	_____
30.	near	_____	_____
31.	nasty	_____	_____
32.	hot	_____	_____
33.	dirty	_____	_____
34.	old	_____	_____
35.	slow	_____	_____
36.	small	_____	_____
37.	full	_____	_____
38.	wide	_____	_____
39.	green	_____	_____
40.	far	_____	_____

پاسخ تمرین شماره ۱:

1.	clever	c	باهوش	a.	high	بالا
2.	poor	d	فقیر	b.	soft	نرم
3.	sunny	e	آفتابی	c.	stupid	احمق
4.	wet	f	مرطوب	d.	rich	ثروتمند
5.	long	g	بلند	e.	rainy	بارانی
6.	fat	i	چاق	f.	dry	خشک
7.	big	h	بزرگ	g.	short	کوتاه
8.	good	j	خوب	h.	small	کوچک
9.	hard	b	سخت، سفت	i.	thin	لاغر
10.	low	a	کم، پایین	j.	bad	بد
11.	light	t.	روشن	k.	narrow	تنگ
12.	warm	m.	گرم	l.	short	کوتاه
13.	old	n.	پیر	m.	cold	سرد
14.	odd	p.	عجیب غریب	n.	young	جوان
15.	fast	s.	سریع	o.	flat	تخت
16.	expensive	q.	گران	p.	normal	طبیعی
17.	hungry	r.	گرسنه	q.	cheap	ارزان
18.	uneven	o.	ناهموار	r.	full	پر، سیر
19.	wide	k.	وسیع	s.	slow	آهسته
20.	tall	l.	بلند قد	t.	dark	تاریک

پاسخ تمرین شماره ۲:

	adjective	comparative	superlative
example:	big	bigger	biggest
1.	light	lighter	lightest
2.	clever	cleverer	cleverest

3.	sunny	آفتابی	sunnier	sunniest
4.	hard	سخت	harder	hardest
5.	thin	لاغر	thinner	thinnest
6.	good	خوب	better	best
7.	poor	فقیر	poorer	poorest
8.	short	کوتاه	shorter	shortest
9.	late	دیر	later	latest
10.	happy	خوشحال	happier	happiest
11.	shady	سایه دار	shadier	shadiest
12.	stupid	احمق	stupider	stupidest
13.	rainy	بارانی	rainier	rainiest
14.	soft	نرم	softer	softest
15.	fat	چاقی	fatter	fattest
16.	bad	بد	worse	worst
17.	rich	ثروتمند	richer	richest
18.	long	طولانی	longer	longest
19.	early	زود	earlier	earliest
20.	sad	غمگین	sadder	saddest
21.	nice	خوب	nicer	nicest
22.	cold	سرد	colder	coldest
23.	clean	تمیز	cleaner	cleanest
24.	young	جوان	younger	youngest
25.	fast	سریع	faster	fastest
26.	large	بزرگ	largest	largest
27.	hungry	گرسنه	hungrier	hungriest
28.	narrow	باریک، تنگ	narrower	narrowest
29.	red	قرمز	redder	reddest
30.	near	نزدیک	nearer	nearest
31.	nasty	تند و زنده	nastier	nastiest
32.	hot	داغ	hotter	hottest
33.	dirty	کثیف	dirtier	dirtiest
34.	old	قدیمی	older	oldest
35.	slow	آهسته. تدریجی	slower	slowest
36.	small	کم اهمیت	smaller	smallest
37.	full	پر شده	fuller	fullest
38.	wide	وسیع	wider	widest
39.	green	سبز	greener	greenest
40.	far	دور	farther/further	farthest/farthest

تمرین شماره ۱:

Complete the verb tables using present simple tense:

to go:

- | | | | |
|----|------|--------|-------------------|
| 1. | I | _____. | من می‌روم. |
| 2. | You | _____. | تو می‌روی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) می‌رود. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) می‌رود. |
| 5. | It | _____. | این می‌رود. |
| 6. | We | _____. | ما می‌رویم. |
| 7. | They | _____. | آنها می‌روند. |

تمرین شماره ۲:

to do:

- | | | | |
|----|------|--------|-------------------------|
| 1. | I | _____. | من انجام می‌دهم. |
| 2. | You | _____. | تو انجام می‌دهی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) انجام می‌دهد. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) انجام می‌دهد. |
| 5. | It | _____. | این انجام می‌دهد. |
| 6. | We | _____. | ما انجام می‌دهیم. |
| 7. | They | _____. | آنها انجام می‌دهند. |

تمرین شماره ۳:

to have:

- | | | | |
|----|------|--------|-----------------|
| 1. | I | _____. | من دارم. |
| 2. | You | _____. | تو داری. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) دارد. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) دارد. |
| 5. | It | _____. | این دارد. |
| 6. | We | _____. | ما داریم. |
| 7. | They | _____. | آنها دارند. |

پاسخ تمرین شماره ۱:

1: go	2: go	3: goes	4: goes	5: goes	6: go	7: go
-------	-------	---------	---------	---------	-------	-------

پاسخ تمرین شماره ۲:

1: do	2: do	3: does	4: does	5: does	6: do	7: do
-------	-------	---------	---------	---------	-------	-------

پاسخ تمرین شماره ۳:

1: have	2: have	3: has	4: has	5: has	6: have	7: have
---------	---------	--------	--------	--------	---------	---------

تمرین شماره ۱:

Complete the verb tables using present simple tense:

to be:

- | | | | |
|----|------|--------|----------------|
| 1. | I | _____. | من هستم. |
| 2. | You | _____. | تو هستی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) هست. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) هست. |
| 5. | It | _____. | این هست. |
| 6. | We | _____. | ما هستیم. |
| 7. | They | _____. | آنها هستند. |

تمرین شماره ۲:

Complete the verb tables using present continuous tense:

to go:

- | | | | |
|----|------|--------|------------------------|
| 1. | I | _____. | من دارم می‌روم. |
| 2. | You | _____. | تو داری می‌روی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) دارد می‌رود. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) دارد می‌رود. |
| 5. | It | _____. | این دارد می‌رود. |
| 6. | We | _____. | ما داریم می‌رویم. |
| 7. | They | _____. | آنها دارند می‌روند. |

تمرین شماره ۳:

to do:

- | | | | |
|----|------|--------|------------------------------|
| 1. | I | _____. | من دارم انجام می‌دهم. |
| 2. | You | _____. | تو داری انجام می‌دهی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) دارد انجام می‌دهد. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) دارد انجام می‌دهد. |
| 5. | It | _____. | این دارد انجام می‌دهد. |
| 6. | We | _____. | ما داریم انجام می‌دهیم. |
| 7. | They | _____. | آنها دارند انجام می‌دهند. |

تمرین شماره ۴:

to have:

1. I _____.
2. You _____.
3. She _____.
4. He _____.
5. It _____.
6. We _____.
7. They _____.

تمرین شماره ۵:

Complete the verb tables using past simple tense:

to go:

1. I _____.
2. You _____.
3. She _____.
4. He _____.
5. It _____.
6. We _____.
7. They _____.

من رفتم.
 تو رفتی. (شما رفتید)
 او (مؤنث) رفت.
 او (مذکر) رفت.
 این رفت.
 ما رفتیم.
 آن‌ها رفتند.

تمرین شماره ۶:

to do:

1. I _____.
2. You _____.
3. She _____.
4. He _____.
5. It _____.
6. We _____.
7. They _____.

من انجام دادم.
 تو انجام دادی.
 او (مؤنث) انجام داد.
 او (مذکر) انجام داد.
 [آن] انجام داد.
 ما انجام دادیم.
 آن‌ها انجام دادند.

تمرین شماره ۷:

to have:

- | | | | |
|----|------|--------|-----------------|
| 1. | I | _____. | من داشتم. |
| 2. | You | _____. | تو داشتی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) داشت. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) داشت. |
| 5. | It | _____. | این داشت. |
| 6. | We | _____. | ما داشتیم. |
| 7. | They | _____. | آن‌ها داشتند. |

پاسخ تمرین شماره ۱:

1: am 2: are 3: is 4: is 5: is 6: are 7: are

پاسخ تمرین شماره ۲:

1: am going 2: are going 3: is going 4: is going
5: is going 6: are going 7: are going

پاسخ تمرین شماره ۳:

1: am doing 2: are doing 3: is doing 4: is doing
5: is doing 6: are doing 7: are doing

پاسخ تمرین شماره ۴:

1: am having 2: are having 3: is having 4: is having
5: is having 6: are having 7: are having

پاسخ تمرین شماره ۵:

1: went 2: went 3: went 4: went 5: went 6: went 7: went

پاسخ تمرین شماره ۶:

1: did 2: did 3: did 4: did 5: did 6: did 7: did

پاسخ تمرین شماره ۷:

1: had 2: had 3: had 4: had 5: had 6: had 7: had

تمرین شماره ۱:

Complete the verb tables using past simple tense:

to be:

- | | | | |
|----|------|--------|----------------|
| 1. | I | _____. | من بودم. |
| 2. | You | _____. | تو بودی. |
| 3. | She | _____. | او (مونث) بود. |
| 4. | He | _____. | او (مذکر) بود. |
| 5. | It | _____. | این بود. |
| 6. | We | _____. | ما بودیم. |
| 7. | They | _____. | آن‌ها بودند. |

تمرین شماره ۲:

Complete the sentences below using one of these verbs:

went	ate	watched	was	came
did	had	drank	heard	walked

- | | |
|--|--|
| 1. I missed the bus so I _____ home. | من اتوبوس را از دست دادم، بنابراین پیاده به خانه رفتم. |
| 2. I _____ some cereal and toast for my breakfast. | من مقداری غلات و نان تست برای صبحانه خوردم. |
| 3. Last week I _____ to London for the weekend. | هفته گذشته برای تعطیلات آخر هفته به لندن رفتم. |
| 4. I _____ you talking about my friend yesterday. | دیروز شنیدم که درباره دوست من صحبت می‌کنید. |
| 5. Last night I _____ a film about space travel. | دیشب فیلمی در مورد سفرهای فضایی تماشا کردم. |
| 6. I didn't go alone. My friend _____ with me. | من تنها نرفتم. دوستم با من آمد. |
| 7. _____ you enjoy the concert? | آیا از کنسرت لذت بردید؟ |
| 8. It _____ raining this morning so I didn't go out. | صبح امروز باران می‌بارید، بنابراین من بیرون نرفتم. |
| 9. I _____ two glasses of water before going to bed. | من قبل از خواب دو لیوان آب نوشیدم. |
| 10. I went to the shop to see if they _____ any postcards. | به مغازه رفتم تا ببینم آیا کارت پستال دارند. |

تمرین شماره ۳:

Complete the sentences below using one of these verbs:

went	laughed	made	was	left
did	had	tried	wanted	cooked

- | | |
|---|--|
| 1. I _____ a really nice meal for my mum's birthday. | من برای تولد مادرم یک غذای واقعاً خوب پختم. |
| 2. My brother _____ to come too, but he wasn't allowed. | برادرم هم می‌خواست بیاید، اما او اجازه نداد. |
| 3. We all _____ when Tina fell off her chair! | وقتی تینا از صندلی روی زمین افتاد همه خندیدیم! |

4. I think that we were _____ for each other. من فکر می‌کنم ما برای یکدیگر ساخته شده‌ایم.
5. Kim and Charlotte _____ the party at 1.40am. کیم و شارلوت در ساعت ۱,۴۰ بامداد مهمانی راترک کردند.
6. He _____ to call you but couldn't get through. او سعی کرد شما را صدا کند، اما نتوانست از آن عبور کند.
7. I _____ thinking of going to the coast next weekend. من فکر می‌کردم آخر هفته آینده به ساحل بروم.
8. _____ you know that Tessa is getting married? آیا شما می‌دانستید تسا دارد ازدواج می‌کند؟
9. I went home after the concert _____ finished. بعد از اتمام کنسرت به خانه رفتم.
10. My friends all _____ to see the new exhibition in town. دوستان من همه به دیدن نمایشگاه جدید در شهر رفتند.

تمرین شماره ۴: عبارت های زیر را به انگلیسی بنویسید:

1.	۱. من دارم میروم
2.	۲. علی دارد می‌رود
3.	۳. من رفتم
4.	۴. سحر داشت می‌رفت
5.	۵. من محسن را دوست دارم
6.	۶. کامران دارد می‌آید
7.	۷. آنها آمدند
8.	۸. مینا مرا دید

پاسخ تمرین شماره ۱:

1: was 2: were 3: was 4: was 5: was 6: were 7: were

پاسخ تمرین شماره ۲:

1: walked 2: ate 3: went 4: heard 5: watched
6: came 7: did 8: was 9: drank 10: had

پاسخ تمرین شماره ۳:

1: cooked 2: wanted 3: laughed 4: made 5: left
6: tried 7: was 8: Did 9: had 10: went

پاسخ تمرین شماره ۴:

1. I'm going	2. Ali is going
3. I went	4. Sahar was going
5. I love Mohsen	6. Kamran is coming
7. They came	8. Mina saw me

تمرین شماره ۱: جمله‌های زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.

1. We wanted _____ (grey / a / metal) table. ما یک میز فلزی خاکستری می‌خواستیم.
2. They bought _____ (red / a / new) car. آن‌ها یک ماشین قرمز جدید خریدند.
3. She went home and sat on her _____ (comfortable / wooden / old) bed. او به خانه رفت و روی تخت چوبی راحت قدیمی‌اش نشست.
4. He bought _____ (woolen / a / British / fabulous) suit. او یک کت و شلوار پشمی انگلیسی عالی خرید.
5. They have _____ (Dutch / black) bicycles. آن‌ها دوچرخه‌های مشکی هلندی دارند.
6. He wants _____ (some / French / delicious / really) cheese. او مقداری پنیر فرانسوی واقعا خوشمزه می‌خواهد.
7. _____ (young / a / pretty) girl walked into the room. دختری بسیار جوان وارد اتاق شد.
8. He has _____ (a lot of / old / interesting) books. او تعداد زیادی کتاب قدیمی جالب دارد.
9. She bought _____ (plastic / red / a / new) lunchbox. او یک جعبه ناهارخوری پلاستیکی قرمز جدید خرید.
10. He is looking for _____ (leather / stylish / a / black) bag. او به دنبال یک کیف چرمی مشکی شیک است.
11. She dropped _____ (old / beautiful / the) plate and it smashed. او بشقاب قدیمی زیبا را انداخت و [آن بشقاب] شکست.
12. I want _____ (silk / green / a / amazing) dress. من یک لباس ابریشمی سبز شگفت‌انگیز می‌خواهم.
13. She drank _____ (Italian / black / hot) coffee. او قهوه سیاه داغ ایتالیایی نوشید.
14. He saw _____ (French / old / a) writing desk. او یک میز تحریر قدیمی فرانسوی دید.
15. They stayed in _____ (little / a / cute) cottage. آن‌ها در یک کلبه کوچک زیبا ماندند.
16. I visited _____ (ancient / a / spooky / German) castle. من از یک قلعه وحشتناک آلمانی باستانی دیدن کردم.
17. He has _____ (silver / old / beautiful / a) ring. او یک انگشتر نقره‌ای قدیمی زیبا دارد.
18. We ate _____ (green / English / round / some) apples. ما چند عدد سیب سبز گرد انگلیسی خوردیم.
19. I need _____ (computer / comfortable / a) desk. من به یک میز کامپیوتر راحت نیاز دارم.
20. They went on holiday to _____ (small / wooden / a / beautiful) cabin. آن‌ها برای تعطیلات به یک کابین کوچک چوبی زیبا رفتند.

تمرین شماره ۲: جاهای خالی را با صفات مقایسه‌ای کامل کنید.

1. Snakes are _____ (fast) snails. مارها سریعتر از حلزون‌ها هستند.
2. London is _____ (big) Madrid. لندن بزرگتر از مادرید است.
3. Snails are _____ (slow) snakes. حلزون‌ها کندتر از مارها هستند.
4. My literature book is _____ (difficult) my English book. کتاب ادبیات من سخت‌تر از کتاب انگلیسی من است.
5. Lord of the Rings is _____ (interesting) Mission Impossible. [فیلم] ارباب حلقه‌ها جالب‌تر از [فیلم] ماموریت غیرممکن است.

تمرین شماره ۳: برای صفات زیر فرم مقایسه‌ای بنویسید.

- | | | | |
|-----------------------|------------|-----------------------|------|
| 1. big: _____ | بزرگ | 6. good: _____ | خوب |
| 2. happy: _____ | شاد | 7. easy: _____ | آسان |
| 3. expensive: _____ | گران | 8. great: _____ | عالی |
| 4. intelligent: _____ | باهوش | 9. interesting: _____ | جذاب |
| 5. boring: _____ | خسته کننده | 10. bad: _____ | بد |

تمرین شماره ۴: جملات را با فرم مقایسه‌ای صفات زیر کامل کنید.

far, cold, hot, modern

1. Summer is _____ than spring. تابستان گرم‌تر از بهار است.
2. Winter is _____ than summer. زمستان سردتر از تابستان است.
3. The Eiffel Tower is _____ than the Coliseum. برج ایفل مدرن‌تر از کولوسئوم است.
4. China is _____ than Italy. چین دورتر از ایتالیا است.

تمرین شماره ۵: جملات را با استفاده از صفات فاعلی (منتهی به ing) یا صفات مفعولی (منتهی به ed) کامل کنید.

1. The girl seemed _____ in my thoughts and opinions. (interest)
به نظر می‌رسید که دختر به افکار و نظرات من علاقه مند است.
2. The children looked _____ by the old toys. (fascinate)
بچه‌ها شیفته [آن] اسباب بازی‌های قدیمی بودند.
3. I felt _____ after just a short time in the forest. (invigorate)
بعد از مدت کوتاهی در جنگل احساس سرزندگی کردم.
4. The recent downward trend in poverty seems _____. (encourage)
روند نزولی اخیر فقر، دلگرم کننده به نظر می‌رسد.
5. _____ at the thought of moving away, Jonathon began to cry. (Terrify)
جاناتان در حالی که از فکر نقل مکان کردن ترسیده بود، شروع به گریه کرد.

6. When you're not in good spirits, it is _____ to stay in bed all day. (tempt)
وقتی روحیه خوبی ندارید، وسوسه‌انگیز است که تمام روز را در رختخواب بمانید.
7. One finding that appeared _____ was that birth rates were declining. (trouble)
یکی از یافته‌هایی که مشکل ساز به نظر می‌رسید این بود که میزان زاد و ولد در حال کاهش است.
8. Never had Ann felt so _____ by the landscape she traveled through. (charm)
"آنا" هرگز [در عمر خود] آنقدر از آن منظره‌ای که به آن سفر کرده بود، احساس جادویی نداشت.
9. As _____ as it is to be with others, it's crucial to spend some time alone. (comfort)
به همان اندازه که بودن با دیگران آرامش‌بخش است، گذراندن مدتی در تنهایی بسیار مهم است.
10. The working mother was _____ at the thought of being labeled a "homemaker." (amuse)
مادر شاغل با تصور اینکه برچسب "خانه‌دار" به او زده شود، خوشحال شد.

تمرین شماره ۶: جملات زیر را کامل کنید.

1. I (tall) _____ person in my family.
من بلندقدترین فرد خانواده‌ام هستم.
2. Jupiter (big) _____ planet in our solar system.
مشتری بزرگترین سیاره منظومه شمسی است.
3. Elephants (large) _____ land animals on earth.
فیل‌ها بزرگترین حیوانات خشکی روی زمین هستند.
4. We bought (expensive) _____ TV in the store.
ما گرانترین تلویزیون فروشگاه را خریدیم.
5. Which sports do you think (dangerous) _____?
به نظر شما کدام ورزش‌ها خطرناک‌ترین هستند؟
6. My cat (lazy) _____ animal I know.
گره من تنبل‌ترین حیوانی است که می‌شناسم.
7. This restaurant serves (good) _____ food in town.
این رستوران بهترین غذاهای شهر را سرو می‌کند.
8. I think math (difficult) _____ subject.
به نظر من ریاضی سخت‌ترین درس است.
9. What (long) _____ word in English that you know?
طولانی‌ترین کلمه انگلیسی که می‌شناسید چیست؟
10. He (strange) _____ man in the story.
او عجیب‌ترین مرد [آن] داستان بود.
11. Last week, I had (bad) _____ time of my life!
هفته گذشته، من بدترین زمان زندگی‌ام را تجربه کردم!
12. Which place (hot) _____ place on earth?
کدام مکان گرم‌ترین نقطه روی زمین است؟
13. I think it (funny) _____ show on television.
من فکر می‌کنم خنده‌دارترین برنامه تلویزیونی است.
14. My friend (interesting) _____ person I know.
دوست من جالب‌ترین فردی است که می‌شناسم.
15. Who (famous) _____ person in your country?
مشهورترین فرد کشور شما کیست؟

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | |
|---------------------------------|-----------------------------|------------------------------|
| 1. a grey metal | 8. a lot of interesting old | 15. a cute little |
| 2. a new red | 9. a new red plastic | 16. a spooky ancient German |
| 3. comfortable old wooden | 10. a stylish black leather | 17. a beautiful old silver |
| 4. a fabulous British woolen | 11. the beautiful old | 18. some round green English |
| 5. black Dutch | 12. an amazing green silk | 19. a comfortable computer |
| 6. some really delicious French | 13. hot black Italian | 20. a beautiful small wooden |
| 7. A pretty young | 14. an old French | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | |
|------------------------|--------------------------|----------------|
| 1: faster than | 2: bigger than | 3: slower than |
| 4: more difficult than | 5: more interesting than | |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | | | |
|----------------------------------|---------------|----------------------------------|---------|
| 1. big: bigger | بزرگ‌تر | 6. good: better | بهتر |
| 2. happy: happier | شادتر | 7. easy: easier | آسان‌تر |
| 3. expensive: more expensive | گران‌تر | 8. great: greater | عالی‌تر |
| 4. intelligent: more intelligent | باهوش‌تر | 9. interesting: more interesting | جذاب‌تر |
| 5. boring: more boring | خسته کننده‌تر | 10. bad: worse | بدتر |

پاسخ تمرین شماره ۴:

- | | | | |
|-----------|-----------|----------------|--------------------|
| 1. hotter | 2. colder | 3. more modern | 4. further/farther |
|-----------|-----------|----------------|--------------------|

کولوسئوم: تماشاخانه باستانی در شهر روم

پاسخ تمرین شماره ۵:

- | | | | | |
|---------------|---------------|----------------|----------------|--------------|
| 1. interested | 2. fascinated | 3. invigorated | 4. encouraging | 5. Terrified |
| 6. tempting | 7. troubling | 8. charmed | 9. comforting | 10. amused |

پاسخ تمرین شماره ۶:

- | | | |
|---------------------------|--------------------------|-----------------------------|
| 1. am the tallest | 6. is the laziest | 11. the worst |
| 2. is the biggest | 7. the best | 12. is the hottest |
| 3. are the largest | 8. is the most difficult | 13. is the funniest |
| 4. the most expensive | 9. is the longest | 14. is the most interesting |
| 5. are the most dangerous | 10. was the strangest | 15. is the most famous |

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با کلمات زیر پر کنید.

my	your	his	her	its	our	their
----	------	-----	-----	-----	-----	-------

- Mr. Brown has got a new car. _____ color is red.
آقای براون ماشین جدیدی گرفته است. رنگ آن قرمز است.
- "Where is Sue?" "She's washing _____ hands."
"سو کجاست؟" "او دستان خود را می‌شوید."
- Peter is doing _____ homework.
پیتر در حال انجام تکالیف خود است.
- My brother and I are tidying _____ things.
من و برادرم وسایلمان را مرتب می‌کنیم.
- They are going to the cinema tonight. They have already got _____ tickets.
آنها امشب به سینما می‌روند. آنها از قبل بلیطشان را گرفته‌اند.
- "What are you doing?" "I'm helping _____ friends."
"چه کار می‌کنی؟" "به دوستانم کمک می‌کنم."
- Don't forget to take _____ raincoat. It's raining.
یادت نره که بارانی خود را برداری. دارد باران می‌بارد.

تمرین شماره ۲: در جاهای خالی، ضمیر ملکی مناسب قرار دهید.

- Mahdi has got a lot of books. They are _____.
مهدی کتاب‌های زیادی دارد. آنها مال او هستند.
- Jane, is this money _____?
جین، این پول مال توست؟
- Whose hat is this? It's my sister's hat. It's _____.
این کلاه کیست؟ این کلاه خواهرم است. این مال اوست.
- This is my book, where is _____?
این کتاب من است، کتاب شما کجاست؟
- These are the pupils' bikes. They're _____.
این دوچرخه‌های دانش آموزان هستند. آنها مال آنها هستند.

تمرین شماره ۳: اشتباهات را تصحیح کنید.

- Those car is beautiful. _____.
- That bags are expensive. _____.
- Take this keys. _____.
- Go to that shelf and bring these books. _____.
- Give me those shirt _____.
- Drive me to this bus stop there. _____.

تمرین شماره ۴: جملات زیر را از مفرد به جمع تغییر دهید.

- | | | |
|------------------------------------|--------|--------------------------|
| 1. This book is good. | _____. | این کتاب خوب است. |
| 2. That girl has dolls. | _____. | آن دختر عروسک دارد. |
| 3. This office is near the bank. | _____. | این دفتر نزدیک بانک است. |
| 4. That is my notebook. | _____. | آن دفترچه من است. |
| 5. This boy is fourteen years old. | _____. | این پسر چهارده ساله است. |
| 6. That dog is black. | _____. | آن سگ سیاه است. |

تمرین شماره ۵: با استفاده از فرم‌های مالکیت، جملات زیر را به هم ربط دهید. سوال اول برای نمونه حل شده است.

- | | |
|--|---|
| The student has a pen. The pen is on the table. | دانش آموز یک خودکار دارد. خودکار روی میز است. |
| 1. The student's pen is on the table. | |
| The man has a car. The car is in the garage. | مرد ماشین دارد. ماشین در گاراژ است. |
| 2. _____. | |
| My friends had a party. The party was fun. | دوستان من مهمانی داشتند. مهمانی مفرح بود. |
| 3. _____. | |
| The women have kids. The kids are playing. | آن [زن‌ها] بچه دارند. بچه‌ها در حال بازی کردن هستند. |
| 4. _____. | |
| India has a population. The population is very large. | هند دارای جمعیت است. جمعیت بسیار زیاد است. |
| 5. _____. | |
| The children have a mother. The mother is over there. | آن [بچه‌ها] مادر دارند. مادر آنجاست. |
| 6. _____. | |
| My sisters have friends. The friends are interesting. | خواهرانم دوستانی دارند. [آن] دوستان، آدمای جالبی هستند. |
| 7. _____. | |
| The teachers had a meeting. The meeting was last week. | معلمان جلسه داشتند. جلسه هفته گذشته بود. |
| 8. _____. | |

تمرین شماره ۶: با استفاده از ضمایر ملکی مناسب، جملات را کامل کنید.

- | | |
|---|---|
| 1. The pencil belongs to the girl. It is _____. | [آن] مداد متعلق به [آن] دختر است. مال اوست. |
|---|---|

2. I ride a bike to school. The bike is _____.
با یک دوچرخه به مدرسه میروم. [آن] دوچرخه مال من است
3. The lady wore a beautiful dress. The beautiful dress was _____.
[آن] خانم لباس زیبایی پوشید. لباس زیبا مال او بود.
4. The children played with the computer. It was _____.
بچه ها با کامپیوتر بازی کردند. مال آنها بود.
5. You can choose any food to eat. The choice is _____.
شما می توانید هر غذایی را برای خوردن انتخاب کنید. انتخاب باشماست.
6. My friends love reading. It is a favorite pastime of _____.
دوستان من عاشق مطالعه هستند. این سرگرمی مورد علاقه آنها است.
7. My sister and I walk the dog because it is _____.
من و خواهرم با سگ راه می‌رویم، چون سگ ماست.
8. Her coat is prettier than mine. Her coat is blue; _____ is brown.
کتش از کت من، زیباتر است. کت او آبی است؛ مال من قهوه‌ای است.
9. Be more careful with John's toys, because _____ are breakable.
بیشتر مراقب اسباب بازی‌های جان باشید، زیرا [اسباب بازی‌های] او شکستنی هستند.

تمرین شماره ۷: جملات را با صفات ملکی بازنویسی کنید.

1. The baby's toy fell on the floor.
اسباب بازی بچه روی زمین افتاد.
2. Suzy's doll had red hair.
عروسک سوزی موهای قرمز داشت.
3. Those boys' shoes are in the locker.
کفش آن پسرها در کمد است.
4. The women's computer was broken.
رایانه [آن] خانم‌ها خراب شد.
5. The dog's ball went into the street.
توپ [آن] سگ به خیابان رفت.
6. Behnam's mom brought his snack to school.
مادر بهنام، میان وعده او را به مدرسه آورد.
7. The children's toys were left out in the rain.
اسباب بازی‌های کودکان در زیر باران رها شد.
8. The girl's milk spilled on the floor.
شیر [آن] دختر روی زمین ریخت.
9. Nima's sister fell off the swing.
خواهر نیما از تاب افتاد.
10. The pan's handle was very hot.
دسته تابه بسیار داغ بود.

تمرین شماره ۸: جاهای خالی را با ضمیر انعکاسی مناسب، پر کنید.

1. He built a boat all by _____.
او یک قایق را به تنهایی ساخت.
2. I hurt _____ quite badly falling down the stairs. _____
از پله‌ها افتادم و خودم رو به شدت زخمی کردم.
3. The children did everything _____ without any help.
بچه‌ها همه کارها را خودشان بدون هیچ کمکی انجام دادند.
4. "Maria and Alison, you really should look after _____ better."
ماریا و آلیسون، شما واقعاً باید مراقب خودتان باشید.
5. "Forget it! I'll do it _____."
فراموشش کن! خودم انجامش میدم.
6. I burnt _____ on the oven yesterday.
دیروز خودم را با اجاق سوزاندم.
7. She blames _____ for what happened. _____
او خودش را برای اتفاقی که افتاد سرزنش می‌کند.
8. Hamed taught _____ to type last summer. _____
حامد تابستان سال گذشته خودش تایپ را آموخت.
9. I talk to _____ all the time. It doesn't mean I'm crazy.
من همیشه با خودم صحبت می‌کنم. این بدان معنا نیست که من دیوانه هستم.
10. We all enjoyed _____ very much on the picnic. _____
همه ما در پیک نیک بسیار لذت بردیم.
11. The protesters locked _____ into the church and refused to come out.
معترضان خود را به کلیسا بستند و از بیرون آمدن خودداری کردند.

تمرین شماره ۹: کلمه مناسب را انتخاب کنید.

1. Is this cup (your / yours)?
آیا این فنجان مال شماست؟
2. The coffee is (my / mine).
قهوه مال من است.
3. That coat is (my / mine).
آن کت مال من است.
4. Ali lives in (her / hers) house.
علی در خانه او زندگی می‌کند.
5. You might want (your / yours) phone.
ممکن است تلفن خود را بخواهید.
6. The new car is (their / theirs).
ماشین جدید متعلق به آن‌هاست.
7. She cooked (our / ours) food.
او غذای ما را پخت.
8. Don't stand on (my / mine) foot!
روی پای من نایست!
9. She gave Reza (her / hers) suitcase.
چمدانش را به رضا داد.
10. I met (their / theirs) mother.
مادرشان را ملاقات کردم.
11. Is this (their / theirs) coffee?
آیا این قهوه آن‌هاست؟
12. Is the flat (her / hers)?
آیا تخت مال اوست؟
13. The grey scarf is (my / mine).
روسری خاکستری مال من است.
14. That red bike is (our / ours).
آن دوچرخه قرمز مال ماست.
15. We should take (our / ours) coats.
ما باید کت‌هایمان را برداریم.
16. That is (my / mine) car.
آن ماشین من است.
17. He dropped (my / mine) bag.
او کیفم را انداخت.
18. Are these phones (their / theirs)?
آیا این گوشی‌ها متعلق به آن‌هاست؟
19. These cakes are (our / ours)!
این کیک‌ها مال ماست!
20. Are those children (your / yours)?
آیا آن‌ها کودکان شما هستند؟

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | | |
|----------|--------|---------|--------|
| 1. its | 2. her | 3. his | 4. our |
| 5. their | 6. my | 7. your | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | | | |
|--------|----------|---------|----------|-----------|
| 1. his | 2. yours | 3. hers | 4. yours | 5. theirs |
|--------|----------|---------|----------|-----------|

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | |
|--|---|
| 1. That car is beautiful. | آن ماشین قشنگ است. |
| 2. Those bags are expensive. | آن کیف‌ها گران هستند. |
| 3. Take these keys. | این کلیدها را بگیر. |
| 4. Go to that shelf and bring those books. | برو به آن قفسه و آن کتاب‌ها را بیاور. |
| 5. Give me that shirt. | آن پیراهن را به من بده. |
| 6. Drive me to that bus stop there. | من را به آن ایستگاه اتوبوس در آنجا ببرید. |

پاسخ تمرین شماره ۴:

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------|
| 1. These books are good. | این کتاب‌ها خوب هستند. |
| 2. Those girls have dolls. | آن دخترها عروسک دارند. |
| 3. These offices are near the bank. | این دفاتر نزدیک بانک هستند. |
| 4. Those are my notebooks. | این دفترچه‌ها مال من هستند. |
| 5. These boys are fourteen years old. | این پسرها چهارده سال دارند. |
| 6. Those dogs are black. | آن سگ‌ها سیاه هستند. |

پاسخ تمرین شماره ۵:

- | | |
|---|--|
| 1. The student's pen is on the table. | خودکار دانش‌آموز روی میز است. |
| 2. The man's car is in the garage. | ماشین [آن] مرد در گاراژ است. |
| 3. My friends' party was fun. | جشن دوستانم مفرح بود. |
| 4. The women's kids are playing. | بچه‌های [آن] زن‌ها، در حال بازی هستند. |
| 5. India's population is very large. | جمعیت هند بسیار زیاد است. |
| 6. The children's mother is over there. | مادر بچه‌ها آنجاست. |
| 7. My sisters' friends are interesting. | دوستان خواهرانم جالب هستند. |
| 8. The teachers' meeting was last week. | جلسه معلمان هفته گذشته بود. |

پاسخ تمرین شماره ۶:

- | | | |
|---------|-----------|---------|
| 1. hers | 4. theirs | 7. ours |
| 2. mine | 5. yours | 8. mine |
| 3. hers | 6. theirs | 9. his |

پاسخ تمرین شماره ۷:

- | | |
|--|---|
| 1. His/her toy fell on the floor. | اسباب بازی او روی زمین افتاد. |
| 2. Her doll had red hair. | موهای عروسکش قرمز بود. |
| 3. Their shoes are in the locker. | کفش آن‌ها در کمد است. |
| 4. Their computer was broken. | کامپیوترشان خراب بود. |
| 5. Its ball went into the street. | توپش، به خیابان رفت. |
| 6. His mom brought his snack to school. | مادرش میان وعده‌اش را به مدرسه آورد. |
| 7. Their toys were left out in the rain. | اسباب بازی‌های آن‌ها زیر باران رها شده بود. |
| 8. Her milk spilled on the floor. | شیرش روی زمین ریخت. |
| 9. His sister fell off the swing. | خواهرش از تاب افتاد. |
| 10. Its handle was very hot. | دسته‌اش خیلی داغ بود. |

پاسخ تمرین شماره ۸:

- | | | | | | |
|------------|------------|---------------|---------------|----------------|-----------|
| 1. himself | 2. myself | 3. themselves | 4. yourselves | 5. myself | 6. myself |
| 7. herself | 8. himself | 9. myself | 10. ourselves | 11. themselves | |

پاسخ تمرین شماره ۹:

- | | | | |
|----------|-----------|-----------|------------|
| 1. yours | 6. theirs | 11. their | 16. my |
| 2. mine | 7. our | 12. hers | 17. my |
| 3. mine | 8. my | 13. mine | 18. theirs |
| 4. her | 9. her | 14. ours | 19. ours |
| 5. your | 10. their | 15. our | 20. yours |

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با **too** یا **enough** پر کنید.

1. I can't carry this suitcase. It's _____ heavy.
2. This bag isn't big _____. I can't put all my possessions in it.
3. Is your meal warm _____? If not, I'll put it in the microwave.
4. Mom was _____ worried to go to sleep, so she stayed up all night.
5. I don't like this fizzy drink. It's much _____ sweet.
6. I'll ring you up later. I haven't got _____ time at the moment.
7. She's _____ young to drink alcohol. She's not even 15 yet.
8. We weren't able to buy tickets for both games because we didn't have _____ money.
9. I couldn't see her anywhere because it was getting _____ foggy.
10. You can't play in our first team. You're not good _____.
11. You still make _____ many mistakes. You have to practice harder.
12. If you don't get _____ sleep your overall health will suffer.
13. I can't tell you what the situation is at the moment because I haven't got _____ information.
14. He can't be a good basketball player. He isn't tall _____.
15. This is _____ good to be true!
16. I haven't got _____ clothes for such a long trip. I'll have to get some more.
17. I couldn't finish the test because there were _____ many questions and not _____ time left.
18. My sister couldn't concentrate because the workers were making _____ much noise.
19. I didn't have _____ time to visit the museums and it was _____ crowded as well.
20. The sea isn't warm _____ to go swimming. The water is much _____ cold.

تمرین شماره ۲: صفت یا قیدی که جمله را کامل می‌کند، مشخص کنید.

1. My classmate is a _____ person. [nice / nicely] همکلاسی من شخص خوبی است.

2. I can speak Spanish very _____. [good / well] من می‌توانم اسپانیایی را خیلی خوب صحبت کنم.
3. Katrina took a painting class, so she can paint _____ pictures. [beautiful / beautifully] کاترینا در کلاس نقاشی شرکت کرد تا بتواند تصاویر زیبایی را بکشد.
4. Mr. Smith looked _____ at me when I arrived late. [angry / angrily] وقتی دیر رسیدم آقای اسمیت با عصبانیت به من نگاه کرد. (دقت کنید که اینجا look معنی نگاه کردن می‌دهد.)
5. Of course, I was _____ when I got an A⁺ on the exam. [happy / happily] البته که وقتی در آزمون نمره A⁺ گرفتم خوشحال بودم.
6. The music is too _____. Please turn it down! [loud / loudly] صدای آهنگ خیلی بالا است. لطفاً آن را کم کنید!
7. My friends all tell me that I sing _____. [bad / badly] دوستانم همه به من می‌گویند که من بد می‌خوانم.
8. The thief _____ took the money and walked out the door. [quiet / quietly] سارق بی سر و صدا پول را گرفت و از در بیرون رفت.
9. The cat waited _____ for the mouse to come out of the hole. [silent / silently] گربه بی صدا منتظر موش بود تا از سوراخ بیرون بیاید.
10. My cousin always walks very _____. [quick / quickly] پسر عمویم همیشه خیلی سریع راه می‌رود.
11. The work that my boss gave me was _____. [easy / easily] کاری که رئیسم به من داد آسان بود.
12. Thomas is very _____. He always helps me. [kind / kindly] توماس بسیار مهربان است. او همیشه به من کمک می‌کند.
13. The little boy _____ kept the cookie for himself. [selfish / selfishly] [آن] پسر کوچک، خودخواهانه کلوچه را برای خودش نگه داشت.
14. The man _____ opened the door and looked inside. [nervous / nervously] [آن] مرد با اضطراب و نگرانی، در را باز کرد و به داخل نگاه کرد.
15. The fireman _____ rescued the people from the burning house. [brave / bravely] آتش نشان با شجاعت مردم را از خانه‌ای که در حال سوختن بود، نجات داد.
16. I _____ offered to help my friend study for his exam. [happy / happily] من با خوشحالی پیشنهاد دادم که به دوستم در مطالعه امتحانش کمک کنم.
17. She is the most _____ person I know. [polite / politely] او مودب‌ترین فردی است که می‌شناسم.
18. It was midnight, and I heard a _____ noise outside. [strange / strangely] نیمه شب بود و من از بیرون صدای عجیبی شنیدم.

تمرین شماره ۳: دور قیدی که فعل مشخص شده را توصیف می‌کند، خط بکشید.

1. My grandpa snores loudly. پدر بزرگم بلند خروپف می‌کرد.
2. Chloe played on the beach yesterday. کلویی دیروز در ساحل بازی کرد.
3. I will visit my friend tomorrow. فردا به دیدار دوستم خواهم رفت.
4. George, will you come here? جورج، می‌آیی اینجا؟
5. My sheepdog sat lazily in the pool. سگ گله من، با تنبلی در استخر نشست.
6. Neil slowly placed a card on the table. نیل به آرامی یک کارت روی میز قرار داد.

7. Neil stopped suddenly and listened. نیل ناگهان ایستاد و گوش داد.
8. Nathan stamped his feet angrily. ناتان با عصبانیت به پاهایش ضربه زد.
9. I carefully glued the last piece onto the model. آخرین قطعه را با دقت روی نمونه چسباندم.
10. Sam accidentally slipped on the ice. سام به طور تصادفی روی یخ لیز خورد.
11. Yesterday, they played a game. دیروز، آنها یک بازی انجام دادند.
12. The truck grumbled loudly. کامیون با صدای بلند غرید.
13. We will go to the concert soon. به زودی به کنسرت می رویم.
14. Jen waited patiently for the computer to load. جن صبورانه منتظر ماند تا کامپیوتر بالا بیاید.
15. Kayla finally arrived, at the park. کایلا بالاخره به پارک رسید.

تمرین شماره ۴: جاهای خالی را با "a"، "an"، "the" یا "-" کامل کنید.

1. Denver is located at the foot of ----- Rocky Mountains.
دنور در دامنه کوه‌های راکی واقع شده است.
2. Toronto is located on ----- Lake Ontario.
تورنتو در دریاچه انتاریو واقع شده است.
3. San Diego is located near ----- Mexican border.
سن دیه گو در نزدیکی مرز مکزیک واقع شده است.
4. Let's go to ----- Mexico.
بیایید به مکزیک برویم.
5. ----- Nile is the longest river in the world.
نیل، طولانی ترین رودخانه جهان است.
6. ----- Sahara is the world's biggest desert.
ساحارا، بزرگترین بیابان جهان است.
7. I spoke with ----- Chinese film director that I told you about.
من با کارگردان فیلم چینی که در مورد آن بهت گفته بودم، صحبت کردم.
8. Do you speak ----- Chinese?
آیا شما چینی صحبت می کنید؟
9. I need ----- bottle of water.
من به یک بطری آب نیاز دارم.
10. Spain is one of ----- largest European countries.
اسپانیا یکی از بزرگترین کشورهای اروپایی است.
11. I moved to ----- USA when I was 15 years old.
در ۱۵ سالگی به ایالات متحده نقل مکان کردم.
12. I can spell as well as ----- most students.
من می توانم مانند بیشتر دانش آموزان، املاي کلمات را بگویم.
13. He is ----- most famous actor I know.
او مشهورترین بازیگری است که می شناسم.
14. Hurry up. We don't have ----- lot of time.
عجله کنید. زمان زیادی نداریم.
15. I live around here = I live in ----- neighbourhood.
من در این اطراف زندگی می کنم = من در همسایگی زندگی می کنم.
16. I don't know at all = I don't have ----- clue.
من اصلا نمی دانم = سرنخی ندارم.
17. I have ----- idea!
من یک ایده دارم!
18. ----- tea in my cup is too hot to drink.
چای فنجان من، برای نوشیدن خیلی گرم است.
19. The US President lives in ----- White House.
رئیس جمهور آمریکا در کاخ سفید زندگی می کند.
20. My parents live in ----- white house.
پدر و مادرم در یک خانه سفیدرنگ زندگی می کنند.

تمرین شماره ۵: جملات را با کلمات زیر کامل کنید.

this	that	these	those
------	------	-------	-------

1. Can I introduce you? Sandra, _____ is John. John, _____ is Sandra.
آیا می‌توانم شما را معرفی کنم؟ ساندرا، این جان است. جان، این ساندرا است.

2. Is _____ Peter over there? "No, Tim." "نه، اون تیم هستش."
اونی که اونجاست پیتره؟

3. Are _____ bananas in the bowl? آیا آن موزها در کاسه هستند؟

4. Is _____ a kitten over there? اون بچه گربه است اونجا؟

5. Sorry, is _____ your pencil case? "Oh, yes. Thank you."
ببخشید این جامدادی شماست؟ "اوه، بله. متشکرم."

6. Good morning! Is _____ Mark Williams speaking? صبح بخیر! مارک ویلیامز هستید؟

7. Who are _____ tall men over there in front of the newsagent?
آن مردان قد بلند در مقابل روزنامه فروشی چه کسانی هستند؟

8. Excuse me! Is _____ seat free? "No, it isn't." "نه، نیست."
ببخشید! این صندلی خالیه؟

9. What are _____ over there? Are they owls? "Yes, they are."
آن‌ها آنجا چه هستند؟ آن‌ها جغد هستند؟ "بله، آن‌ها هستند."

10. I'm sorry I'm late. "_____ is all right. Come and sit."
ببخشید دیر کردم. "این اوکیه، بیا و بنشین."

تمرین شماره ۶: زمان فعل‌های داخل پرانتز را به گذشته برگردانید و متن را کامل کنید.

Yesterday (to be) 1: _____ a busy day. I (wake) 2: _____ up at 6 a.m., (have)
3: _____ breakfast quickly and then I (go) 4: _____ to work. I (finish)
5: _____ at noon and then (eat) 6: _____ some lunch. Afterwards I (drive) 7:
_____ to the shops, (buy) 8: _____ some paint and then (paint)
9: _____ my bedroom. My housemate (come) 10: _____ home from work so I
(help) 11: _____ him paint his room, then we (repair) 12: _____ his chair as it
(wobble) 13: _____ a lot. I (wish) 14: _____ I hadn't, as I hurt my hand! After
that I (clean) 15: _____ my house. I (vacuum) 16: _____ all the downstairs and
then (tidy) 17: _____ up the living room and the kitchen. I was pretty tired by then so I ate
some dinner, (yawn) 18: _____, and (go) 19: _____ to bed!

ترجمه متن بالا

دیروز روز شلوغی بود. ساعت ۶ صبح بیدار شدم، سریع صبحانه خوردم و سپس به سر کار رفتم. ظهر را تمام کردم و بعد ناهار خوردم. سپس به مغازه‌ها رفتم، رنگ خریدم و سپس اتاق خوابم را رنگ آمیزی کردم. هم خانه‌ای من از سر کار به خانه آمد، بنابراین من به او کمک کردم تا اتاقش را رنگ کند، سپس صندلی او را تعمیر کردیم زیرا بسیار تکان می‌خورد. ای کاش نمی‌کردم، چون دستم درد می‌کرد! بعد از آن خانه‌ام را تمیز کردم. تمام طبقه پایین را جارو برقی کشیدم و سپس اتاق نشیمن و آشپزخانه را مرتب کردم. آن موقع خیلی خسته بودم، بنابراین شام خوردم، خمیازه کشیدم و به رختخواب رفتم!

تمرین شماره ۷: گذشته فعل‌های زیر را در جای مناسب قرار دهید.

pay	ring	think	drink	see	eat	go	take	leave	say
-----	------	-------	-------	-----	-----	----	------	-------	-----

1. I _____ that he was fired. من فکر کردم که او اخراج شده.
2. My mum _____ me last night but I wasn't at home to answer. مادرم دیشب با من تماس گرفت اما من در خانه نبودم تا جواب بدهم.
3. I _____ to the zoo with my son last weekend. آخر هفته گذشته با پسر من به باغ وحش رفتم.
4. I _____ four cakes for lunch. I feel sick! من ناهار چهارتا کیک خوردم. حال من خوب نیست!
5. He _____ him to see the doctor because he had been ill for so long. او را به ملاقات دکتر برد زیرا او مدت طولانی بیمار بود.
6. I _____ that new movie last night. It was great! دیشب آن فیلم جدید را دیدم. عالی بود!
7. He _____ his son alone all day! او تمام روز پسرش را تنها گذاشت!
8. I _____ two bottle of grape juice last night. I don't feel too well today. من دیشب دو بطری آب انگور نوشیدم. من امروز خیلی خوب نیستم.
9. They _____ it tasted horrible. آنها گفتند طعم خیلی بدی دارد.
10. It was too expensive and we _____ too much for it. بسیار گران بود و ما هزینه زیادی برایش پرداختیم.

تمرین شماره ۸: جدول زیر را کامل کنید.

	Present	Past
1.	hear	
2.		left
3.	ring	
4.		drank
5.	go	
6.		got
7.	take	

	Present	Past
14.	be	
15.		put
16.	think	
17.		drove
18.	break	
19.		overslept
20.	sit	

8.		came
9.	see	
10.		shut
11.	lend	
12.		stole
13.	swim	

21.		woke
22.	run	
23.		wrote
24.	dig	
25.		brought
26.	fly	

پاسخ تمرین شماره ۱:

1.	too	من نمی‌توانم این چمدان را حمل کنم. خیلی سنگینه.
2.	enough	این کیف به اندازه کافی بزرگ نیست. من نمی‌توانم تمام دارایی خود را در آن بگذارم.
3.	enough	آیا وعده غذایی شما به اندازه کافی گرم است؟ اگر نه، آن را در مایکروویو قرار می‌دهم.
4.	too	مامان خیلی نگران بود که بخواد بخوابه، (انقدر نگران بود که نمیتونست بخوابه)، بنابراین تمام شب را بیدار ماند.
5.	too	من این نوشیدنی گازدار را دوست ندارم. خیلی شیرین است.
6.	enough	بعداً با شما تماس می‌گیرم. فعلاً وقت کافی ندارم.
7.	too	او برای نوشیدن الکل بسیار جوان است. هنوز ۱۵ سالش نشده است.
8.	enough	ما نتوانستیم بلیط هر دو بازی را بخریم زیرا پول کافی نداشتیم.
9.	too	من نمی‌توانم او را در جایی بینم زیرا هوا بیش از حد داشت مه آلود می‌شد.
10.	enough	شما نمی‌توانید در تیم اصلی ما بازی کنید. شما به اندازه کافی خوب نیستید.
11.	too	شما هنوز هم اشتباهات زیادی مرتکب می‌شوید. باید بیشتر تمرین کنید.
12.	enough	اگر خواب کافی نداشته باشید، سلامت کلی شما دچار مشکل می‌شود.
13.	enough	من نمی‌توانم به شما بگویم که در حال حاضر وضعیت چگونه است زیرا اطلاعات کافی در اختیار ندارم.
14.	enough	من نمی‌توانم بسکتبالیست خوبی باشم. قدش به اندازه کافی بلند نیست.
15.	too	این [موضوع] برای واقعیت داشتن، بیش از حد خوب است.
16.	enough	لباس کافی برای چنین سفر طولانی ندارم. باید کمی بیشتر [لباس] بگیرم.
17.	too, enough	نتوانستم آزمون را به پایان برسانم زیرا تعداد سوالات زیاد بود و زمان کافی باقی نمانده بود.
18.	too	خواهرم نمی‌توانست تمرکز کند زیرا کارگران بیش از حد سر و صدا می‌کردند.
19.	enough, too	من وقت کافی برای بازدید از موزه‌ها نداشتم و آنجا نیز بسیار شلوغ بود.
20.	enough, too	دریا آنقدر گرم نیست که بتوانید شنا کنید. آب خیلی سرد است.

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. nice	7. badly	13. selfishly
2. well	8. quietly	14. nervously
3. beautiful	9. silently	15. bravely
4. angrily	10. quickly	16. happily
5. happy	11. easy	17. polite
6. loud	12. kind	18. strange

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | | |
|--------------|------------------|---------------|
| 1. loudly | 6. slowly | 11. yesterday |
| 2. yesterday | 7. suddenly | 12. loudly |
| 3. tomorrow | 8. angrily | 13. soon |
| 4. here | 9. carefully | 14. patiently |
| 5. lazily | 10. accidentally | 15. finally |

پاسخ تمرین شماره ۴:

- | | | | | | | | | | |
|---------|-------|---------|-------|---------|--------|--------|---------|---------|---------|
| 1. the | 2. - | 3. the | 4. - | 5. the | 6. the | 7. the | 8. - | 9. a | 10. the |
| 11. the | 12. - | 13. the | 14. a | 15. the | 16. a | 17. an | 18. The | 19. the | 20. a |

پاسخ تمرین شماره ۵:

- | | | | | |
|---------------|----------|----------|----------|----------|
| 1. this, this | 2. that | 3. those | 4. that | 5. this |
| 6. that | 7. those | 8. this | 9. those | 10. that |

پاسخ تمرین شماره ۶:

- | | | | | | |
|-------------|------------|-------------|--------------|-------------|--------------|
| 1: was | 2: woke | 3: had | 4: went | 5: finished | 6: ate |
| 7: drove | 8: bought | 9: painted | 10: came | 11: helped | 12: repaired |
| 13: wobbled | 14: wished | 15: cleaned | 16: vacuumed | 17: tidied | 18: yawned |
| 19: went | | | | | |

پاسخ تمرین شماره ۷:

- | | | | | |
|------------|---------|----------|---------|----------|
| 1: thought | 2: rang | 3: went | 4: ate | 5: took |
| 6: saw | 7: left | 8: drank | 9: said | 10: paid |

پاسخ تمرین شماره ۸:

	Present		Past
1.	hear	شنیدن	heard
2.	leave	ترک کردن	left
3.	ring	زنگ زدن	rang
4.	drink	نوشیدن	drank
5.	go	رفتن	went
6.	get	گرفتن	got
7.	take	بردن	took
8.	come	آمدن	came
9.	see	دیدن	saw
10.	shut	خاموش کردن	shut
11.	lend	قرض دادن	lent
12.	steal	کش رفتن	stole
13.	swim	شنا کردن	swam

	Present		Past
14.	be	بودن	was/were
15.	put	قرار دادن	put
16.	think	فکر کردن	thought
17.	drive	راندن	drove
18.	break	شکستن	broke
19.	oversleep	زیاد خوابیدن	overslept
20.	sit	نشستن	sat
21.	wake	بیدار شدن	woke
22.	run	اجرا کردن	ran
23.	write	نوشتن	wrote
24.	dig	حفر کردن	dug
25.	bring	آوردن	brought
26.	fly	پرواز کردن	flew

تمرین شماره ۱: قیدها را در جای مناسب قرار دهید.

1. She goes to bed early (always)
او همیشه زود می خوابد.

2. We watch TV (never)
ما هرگز تلویزیون نمی بینیم.

3. Julie and Tom go to the cinema (often)
جولی و تام اغلب به سینما می روند.

4. Alex meets John (once a week)
الکس هفته ای یکبار با جان ملاقات می کند.

5. I eat fast food (sometimes)
من گاهی فست فود می خورم.

6. They cook at home (hardly ever)
آنها به ندرت در خانه آشپزی می کنند.

7. He studies English (every night)
او هر شب انگلیسی می آموزد.

8. You drink coffee (normally)
شما معمولاً قهوه می نوشید.

9. I go to the park (rarely)
من به ندرت به پارک می روم.

10. They go to a restaurant (from time to time)
هر از گاهی به رستوران می روند.

تمرین شماره ۲: از **the + adj** برای کامل کردن جملات استفاده کنید.

elderly	injured	rich	unemployed	sick	young
---------	---------	------	------------	------	-------

1. _____ have the future in their hands.
جوانان آینده را در دست خود دارند.
2. Helen is a nurse. She's spent her life caring for _____.
هلن پرستار است. او زندگی خود را صرف مراقبت از بیماران کرده است.

3. Life is all right. I have a job, but things are hard for _____.
زندگی خوب است. من شغل دارم، اما همه چیز برای بیکاران سخت است.
4. Ambulances arrived at the scene of the accident and took _____ to hospital.
آمبولانس‌ها به محل حادثه رسیدند و مصدومان را به بیمارستان منتقل کردند.
5. More and more people are living longer. How are we going to care for _____?
بیشتر و بیشتر مردم عمر طولانی می‌کنند. چگونه قراره از سالمندان مراقبت کنیم؟
6. It's nice to have lots of money, but _____ have their problems too.
داشتن پول زیاد خوب است، اما افراد ثروتمند نیز مشکلات خود را دارند.

تمرین شماره ۳: جمله دوم را با متضاد صفت جمله اول، با فرم **be+adj** کامل کنید. از صفات زیر استفاده کنید.

beautiful	expensive	fast	noisy	short	tall
old	happy	clean	poor	easy	

1. I'm not sad. I _____.
من غمگین نیستم. من خوشحالم.
2. Mr. Thomas isn't rich. He _____.
آقای توماس ثروتمند نیست. او فقیر است.
3. My hair isn't long. It _____.
موی من بلند نیست. کوتاه است.
4. My clothes aren't dirty. They _____.
لباس‌های من کثیف نیستند. تمیز هستند.
5. Flowers aren't ugly. They _____.
گل‌ها زشت نیستند. آن‌ها زیبا هستند.
6. Cars aren't cheap. They _____.
خودروها ارزان نیستند. آن‌ها گران هستند.
7. Airplanes aren't slow. They _____.
هواپیماها کند نیستند. آن‌ها سریع هستند.
8. Grammar isn't difficult. It _____.
دستور زبان، سخت نیست. آسان است.
9. My sister isn't short. She _____.
خواهرم قد کوتاهی ندارد. او قد بلند است.
10. My grandparents aren't young. They _____.
پدربزرگ و مادربزرگ من جوان نیستند. آن‌ها پیر هستند.
11. The classroom isn't quiet. It _____.
کلاس ساکت آرام نیست. پر سر و صدا و شلوغ هست.

تمرین شماره ۴: جواب صحیح را انتخاب کنید.

1. Tom's car is (as big as/ the biggest) his friend's.
ماشین تام به بزرگی ماشین دوستش است.
2. Who is (shorter than/ the shortest) person in your family?
کوتاه‌ترین فرد در خانواده شما کیست؟

3. Who is (more independent than/ the most independent) person you know?

مستقل‌ترین فردی که می‌شناسید کیست؟

4. These sofas are (more comfortable than/ the most comfortable) ours.

این مبل‌ها راحت‌تر از مال ما هستند.

5. My brother is (taller than/ the tallest) in the class.

برادرم قد بلندترین فرد در کلاس است.

6. Is Jason's dog (older than/ the oldest) yours?

آیا سگ جیسون از سگ شما بزرگ‌تر است؟

7. Who is (the best/ better than) singer in the world?

بهترین خواننده جهان کیست؟

تمرین شماره ۵: جملات زیر را با صفت عالی تکمیل کنید.

1. This building is very old. It's the oldest building in the town.

این بنا بسیار قدیمی است. قدیمی‌ترین ساختمان شهر است.

2. It was a very happy day. It was _____ of my life.

روز بسیار شادی بود. شادترین روز زندگی من بود.

3. It's a very good film. It's _____ I've seen.

فیلم بسیار خوبی است. بهترین فیلمی است که دیده‌ام.

4. It was a very bad mistake. It was _____ in my life.

اشتباه بسیار بدی بود. بدترین اشتباه زندگی من بود.

5. It was a very cold day. It was _____ of the year.

روز بسیار سردی بود. سردترین روز سال بود.

6. She's a popular singer. She's _____ in the country.

او یک خواننده محبوب است. او محبوب‌ترین خواننده کشور است.

7. He's a very boring person. He's _____ I know.

او فرد بسیار کسل‌کننده‌ای است. او کسل‌کننده‌ترین فردی است که می‌شناسم.

8. This house is very big. It is _____ I've lived in.

این خانه بسیار بزرگ است. بزرگترین خانه‌ای است که من در آن زندگی کرده‌ام.

9. My cousin is very tall. He is _____ I have.

پسر عموی من بسیار قد بلند است. او قد بلندترین پسر عموی من است.

10. Laura is a very pretty girl. She is _____ I know.

لورا دختر بسیار زیبایی است. او زیباترین دختری است که می‌شناسم.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. She always goes to bed early.

2. We never watch TV.

3. Julie and Tom often go to the cinema.

4. Alex meets John once a week.

5. I sometimes eat fast food.

6. They hardly ever cook at home.

7. He studies English every night.

8. You normally drink coffee.

9. I rarely go to the park.

10. They go to a restaurant from time to time.

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | |
|----------------|----------------|-------------------|
| 1. The young | 2. the sick | 3. the unemployed |
| 4. the injured | 5. the elderly | 6. the rich |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | | | |
|----------------|-----------------------|------------------|------------------|
| 1. I'm happy. | 4. They're clean. | 7. They're fast. | 10. They're old. |
| 2. He's poor. | 5. They're beautiful. | 8. It's easy. | 11. It's noisy . |
| 3. It's short. | 6. They're expensive. | 9. She's tall. | |

پاسخ تمرین شماره ۴:

- | | | | |
|----------------|-----------------|-------------------------|--------------------------|
| 1. as big as | 2. the shortest | 3. the most independent | 4. more comfortable than |
| 5. the tallest | 6. older than | 7. the best | |

پاسخ تمرین شماره ۵:

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| 1. the oldest building | 6. the most popular singer |
| 2. the happiest day | 7. the most boring person |
| 3. the best film | 8. the biggest house |
| 4. the worst mistake | 9. the tallest cousin |
| 5. the coldest day | 10. the prettiest girl |

تمرین شماره ۱: جاهای خالی زیر را پر کنید:

Infinitive	Simple Past	Past Participle	Meaning
keep	kept		نگهداری کردن
choose		chosen	انتخاب کردن
forget		forgotten	فراموش کردن
cost	cost		هزینه / قیمت داشتن
	cut	cut	بریدن
hit		hit	زدن (ضربه)
	hurt		صدمه و آسیب زدن
do	did		انجام دادن
give	gave		دادن
	ate		خوردن (غذا)
fall	fell		افتادن
		heard	شنیدن
		drunk	نوشیدن
go			رفتن
		bought	خریدن
forgive	forgave		بخشیدن
get		got	گرفتن، شدن
find	found		پیدا کردن، یافتن
hide	hid		پنهان کردن
come			آمدن
feel		felt	احساس کردن
grow		grown	رشد کردن، پرورش دادن
	fought		جنگیدن، دعوا کردن

پاسخ تمرین شماره ۱:

Infinitive	Simple Past	Past Participle	Meaning
keep	kept	kept	نگهداری کردن
choose	chose	chosen	انتخاب کردن
forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
cost	cost	cost	هزینه / قیمت داشتن
cut	cut	cut	بریدن
hit	hit	hit	زدن (ضربه)
hurt	hurt	hurt	صدمه و آسیب زدن
do	did	done	انجام دادن

give	gave	given	دادن
eat	ate	eaten	خوردن (غذا)
fall	fell	fallen	افتادن
hear	heard	heard	شنیدن
drink	drank	drunk	نوشیدن
go	went	gone	رفتن
buy	bought	bought	خریدن
forgive	forgave	forgiven	بخشیدن
get	got	got	گرفتن، شدن
find	found	found	پیدا کردن، یافتن
hide	hid	hidden	پنهان کردن
come	came	come	آمدن
feel	felt	felt	احساس کردن
grow	grew	grown	رشد کردن، پرورش دادن
fight	fought	fought	جنگیدن، دعوا کردن

تمرین شماره ۱: مانند مثال، فرم صحیح فعل را برای کامل شدن جمله، مشخص کنید.

Dr. Naderi has (~~known~~, known) me all my life.

ex. دکتر نادری، مرا در تمام طول زندگی‌ام می‌شناسد.

1.	Sheila has (brang, brought) her daughter to work a couple of times.	شیلا چند بار دخترش را به محل کار آورده است.
2.	The restaurant has always (payed, paid) its employees on Fridays.	[این] رستوران همیشه جمعه‌ها به کارمندان خود حقوق داده است.
3.	Lawrence has (drank, drunk) all of his Pepsi.	لارنس تمام پپسی‌اش را نوشیده است.
4.	He has (lain, laid) the exams on his desk.	او مطمئن است که امتحانات را روی میز خود گذاشته است.
5.	Lisa has (went, gone) home.	لیزا به خانه رفته است.

تمرین شماره ۲: جملات را در زمان حال کامل، با افعال زیر کامل کنید.

work, to be, study, have, use, know, practice, save, play, drive

1.	How long have you _____ your smart phone?	چند وقت است که از تلفن هوشمند خود استفاده کرده‌اید؟
2.	How long has your mom _____ that car?	مادرت چند وقت است با آن ماشین رانندگی کرده است؟
3.	How long has he _____ President of America?	او چند سال است که رئیس جمهور آمریکا است؟
4.	How long have they _____ English at this school?	آن‌ها چه مدت در این مدرسه، انگلیسی خوانده‌اند؟
5.	How long have you _____ Candy Crush Saga phone game?	چند وقت است که بازی تلفنی Candy Crush Saga را انجام داده‌اید؟
6.	How long has your little sister _____ her money for a new bike?	چند وقت است که خواهر کوچک شما پول خود را برای دوچرخه جدید پس انداز کرده است؟
7.	How long have you _____ me?	چند وقت است که مرا میشناسید؟
8.	How long have you _____ your pet dog?	چند وقت است سگ خانگی خود را دارید؟
9.	How long has he _____ Taekwondo (martial art)?	چه مدت است که او تکواندو (هنرهای رزمی) تمرین می‌کند؟
10.	How long have we _____ together at this job?	چقدر در این شغل با هم کار کرده‌ایم؟

تمرین شماره ۳: جاهای خالی را پر کنید.

	simple form	simple past	past participle	meaning
1.	work	worked	worked	کار کردن
2.	do	_____	_____	انجام دادن

3. eat	_____	_____	خوردن
4. call	_____	_____	صدا زدن
5. begin	_____	_____	شروع کردن
6. give	_____	_____	دادن
7. answer	_____	_____	پاسخ دادن
8. see	_____	_____	دیدن
9. have	_____	_____	داشتن
10. go	_____	_____	رفتن
11. study	_____	_____	مطالعه کردن
12. teach	_____	_____	آموزش دادن
13. make	_____	_____	ساختن
14. talk	_____	_____	صحبت کردن

تمرین شماره ۴: فرم منفی افعال زیر را در زمان حال کامل، در جاهای خالی قرار دهید.

fix, begin, arrive, be, see, stop, speak, buy, read, visit

- Mathew is waiting on the corner for his girlfriend, but she _____ yet.
ماتیو در گوشه ای منتظر دوست دخترش است، اما او هنوز نرسیده است.
- My brother lives in a different country. I _____ him for two years.
برادرم در کشور دیگری زندگی می‌کند. من دو سال است به او سر نزده‌ام.
- Ellie and Bill got a divorce five years ago. They _____ to each other since then.
الی و بیل پنج سال پیش طلاق گرفتند. آن‌ها از آن زمان تاکنون هیچ یکدیگر صحبت نکرده‌اند.
- It is only 8:45. The class _____ yet.
ساعت تازه ۸:۴۵ است. هنوز کلاس شروع نشده است.
- It started to snow last night and it still _____.
بارش برف از دیشب شروع شد و هنوز متوقف نشده است.
- She has finally decided which car she wants, but she _____ it yet.
او سرانجام تصمیم گرفت که کدام خودرو را می‌خواهد، اما هنوز آن را خریداری نکرده است.
- I heard that the movie at the Roxy Theater is great, but I _____ it yet.
من شنیدم که فیلم در تئاتر روکسی عالی است، اما هنوز آن را ندیده‌ام.
- I bought a newspaper today, but I still _____ it.
من امروز روزنامه خریدم، اما هنوز آن را نخوانده‌ام.
- He took his car to the service station yesterday, but they _____ it yet.
او دیروز ماشین خود را به ایستگاه خدمات رساند، اما آن‌ها هنوز آن را تعمیر نکرده‌اند.
- Ali and Mina moved out of New York ten years ago and they _____ back to the city since then.
علی و مینا، ده سال پیش از نیویورک نقل مکان کردند و از آن زمان به آنجا برنگشته‌اند.

تمرین شماره ۵: برای هر گزینه، با استفاده از فعل کمکی (have) فرم سوالی بنویسید. (زمان حال کامل)

1. where you have been _____?
2. what been have doing you _____?
3. have you why come class this to _____?
4. when to got have arrive I _____?
5. money have you any got _____?
6. the time got have you please _____?
7. have my you friend seen _____?
8. looked have every you in cupboard _____?
9. closed curtains the have you _____?
10. she why hasn't the washing done up _____?

تمرین شماره ۶: در جاهای خالی، since یا for قرار دهید.

1. I have lived in Tehran _____ 2006. من از سال ۲۰۰۶ در تهران زندگی کرده‌ام.
2. He has been in my class _____ 2 years. او ۲ سال در کلاس من بود.
3. They have owned that restaurant _____ I was 10 years old. آن‌ها از وقتی من ۱۰ سالم بود، صاحب آن رستوران بودند.
4. We have played soccer on _____ June. ما از ماه ژوئن فوتبال بازی کرده‌ایم.
5. My brother has been stronger than me _____ 3 years. برادرم ۳ سال قوی‌تر از من بود.
6. She has been here _____ 8 a.m. this morning. او از ساعت ۸ صبح، اینجا است.
7. American soldiers have been in Korea _____ 1950. سربازان آمریکایی از سال ۱۹۵۰ در کره بوده‌اند.
8. Christmas has been celebrated _____ 700 years. کرسمس ۷۰۰ سال است که جشن گرفته می‌شود.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. brought
2. paid
3. drunk
4. laid
5. gone

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|---|--|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. used 2. driven 3. been | <ol style="list-style-type: none"> 6. saved 7. known 8. had |
|---|--|

- | | |
|------------|--------------|
| 4. studied | 9. practiced |
| 5. played | 10. worked |

پاسخ تمرین شماره ۳:

	simple form	simple past	past participle
1.	work	worked	worked
2.	do	did	done
3.	eat	ate	eaten
4.	call	called	called
5.	begin	began	begun
6.	give	give	given
7.	answer	answered	answered
8.	see	saw	seen
9.	have	had	had
10.	go	went	gone
11.	study	studied	studied
12.	teach	taught	taught
13.	make	made	made
14.	talk	talked	talked

پاسخ تمرین شماره ۴:

- | | |
|--------------------|------------------|
| 1. hasn't arrived | 6. hasn't bought |
| 2. haven't visited | 7. haven't seen |
| 3. haven't spoken | 8. haven't read |
| 4. hasn't begun | 9. haven't fixed |
| 5. hasn't stopped | 10. haven't been |

پاسخ تمرین شماره ۵:

- | | |
|---|----------------------------------|
| 1. Where have you been? | کجا بودی؟ |
| 2. What have you been doing? | تا الان چه کاری می کردی؟ |
| 3. Why have you come to this class? | چرا به این کلاس آمده ای؟ |
| 4. When have I got to arrive? | کی باید برسم؟ |
| 5. Have you got any money? | آیا شما پول دارید؟ |
| 6. Have you got the time please? | وقت دارید لطفا؟ |
| 7. Have you seen my friend? | آیا دوست من را دیده ای؟ |
| 8. Have you looked in every cupboard? | آیا به داخل هر کمد نگاه کرده ای؟ |
| 9. Have you closed the curtains? | پرده ها را بسته ای؟ |
| 10. Why hasn't she done the washing up? | چرا او شستشو را انجام نداده است؟ |

پاسخ تمرین شماره ۶:

- | | |
|----------|----------|
| 1. since | 5. for |
| 2. for | 6. since |
| 3. since | 7. since |
| 4. since | 8. for |

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با **can** یا **can't** پر کنید.

1. She is a small baby. She _____ eat meat, but she _____ drink milk.
او یک نوزاد کوچک است. او نمی‌تواند گوشت بخورد، اما می‌تواند شیر بنوشد.
2. That dress is not expensive. I _____ buy it. _____ آن را بخرم.
آن لباس گران نیست. من ----- آن را بخرم.
3. A cat _____ climb up a tree, but a dog _____.
گره ----- از درخت بالا برود، اما سگ -----.
4. I'm very tired today. I _____ clean my room. _____ اتاقم را تمیز کنم.
امروز خیلی خسته‌ام. من ----- اتاقم را تمیز کنم.
5. John is very short. He _____ play basketball very well.
قد جان خیلی کوتاه است. او ----- خیلی خوب بسکتبال بازی کند.
6. We are very hungry, so we _____ eat a lot of sandwiches.
ما بسیار گرسنه هستیم، بنابراین ----- تعدادی زیادی ساندویچ بخوریم.
7. He is very fat. He _____ run very fast. _____ خیلی سریع بدود.
او بسیار چاق است. او ----- خیلی سریع بدود.
8. We _____ sleep in the bedroom but we _____ sleep in the bathroom.
ما ----- در اتاق خواب بخوابیم اما ----- در حمام بخوابیم.

تمرین شماره ۲: جاهای خالی را با **must** یا **mustn't** پر کنید.

1. It's cold. You _____ leave without your jacket.
سرد. شما ----- بدون کت خود، بروید.
2. You _____ eat fruit and vegetables to stay healthy.
برای سالم ماندن ----- میوه و سبزیجات بخورید.
3. I _____ go to the post office. I have a letter to send.
----- به اداره پست بروم. نامه‌ای برای ارسال دارم.
4. You _____ speak rudely to your parents.
شما ----- با والدین خود بی‌ادبانه صحبت کنید.
5. You _____ park here – it's illegal.
----- اینجا پارک کنید - غیرقانونی است.
6. We _____ hurry or we'll miss the bus.
ما ----- عجله کنیم وگرنه اتوبوس را از دست می‌دهیم.

تمرین شماره ۳: جاهای خالی را با **can** یا **can't** و **must** یا **mustn't** پر کنید.

1. She is ill, so she _____ see the doctor.
او بیمار است، پس ----- به پزشک مراجعه کند.
2. It's raining heavily. You _____ take your umbrella.
باران شدیدی می‌بارد. شما ----- چتر خود را بردارید.
3. We _____ the flowers in the park. (not / pick)
ما ----- گل‌های پارک را بچینیم.
4. Mike is nine months old. He _____ nuts. (not / eat)
مایک نه ماهه است. او نمی‌تواند آجیل بخورد.
5. I am very tall, so I _____ play basketball.
من خیلی قدبلند هستم. پس ----- بسکتبال بازی کنم.

6. I'm sorry but we _____ to your party tomorrow. (not / come)
متاسفم اما فردا ----- به مهمانی شما بیاییم.
7. You are speaking very quietly. I _____ you. (not / understand)
شما خیلی آرام صحبت می کنید، من ----- متوجه منظورتان بشوم.
8. _____ I use your phone?
از تلفن شما استفاده کنم؟ -----
9. We _____ go to the bank today. We haven't got any money.
امروز ----- به بانک برویم. هیچ پولی نداریم.
10. My hands are dirty. I _____ wash them.
دست‌هایم کثیف است. ----- آن‌ها را بشویم.
11. It's late. I _____ go now.
دیره. همین الان ----- بروم.
12. You _____ stop at a red traffic light.
پشت چراغ قرمز راهنمایی توقف کنید. -----
13. You _____ in the city. (not / speed)
شما نباید در شهر سرعت بگیرید. -----
14. Tourists _____ take their passports when they go abroad.
گردشگران هنگام رفتن به خارج از کشور ----- گذرنامه خود را بگیرند.
15. Footballers _____ the ball with their hands. (not / touch)
فوتبالیست‌ها نباید با دست توپ را لمس کنند. -----
16. _____ you play the guitar?
گیتار بزنی؟ -----
17. I _____ with you now. Because I'm studying my lessons. (not / come)
الان ----- باهات پیام چون دارم درس‌مو می‌خونم.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. can't, can	2. can	3. can, can't	4. can't
5. can't	6. can	7. can't	8. can, can't

پاسخ تمرین شماره ۲:

mustn't	4. mustn't
must	5. mustn't
must	6. must

پاسخ تمرین شماره ۳:

1. must	10. must
2. must	11. must
3. mustn't	12. must
4. can't	13. mustn't
5. can	14. must
6. can't	15. mustn't
7. can't	16. can
8. can	17. can't
9. must	

تمرین شماره ۱: با فرم **simple past** یا **past perfect** مناسب افعال، جملات را کامل کنید.

1. I _____ (worry) a lot about her before I _____ (hear) that she was safe.
من قبل از اینکه بفهمم او در سلامت است بسیار نگرانم بودم.
2. I didn't like the flat. It _____ (be) much smaller than I _____ (think) at first.
من از آپارتمان خوشم نیامد، بسیار کوچکتر از آن چیزی بود که در ابتدا فکر می کردم.
3. He told us he _____ (shoot) a big tiger.
او به ما گفت که به یک ببر بزرگ شلیک کرده.
4. They _____ (drink) tea after they _____ (finish) dinner.
آن‌ها بعد از اتمام شام چای نوشیدند.
5. She _____ just _____ (fold) the pink apron and placed it in a table drawer when the door _____ (open) and Joe _____ (enter).
او فقط پیش بند صورتی را تا کرده بود و در کشوی میز گذاشته بود که در باز شد و جو وارد شد.
6. The police wanted to know why he _____ (bring) a gun to school.
پلیس می خواست بداند چرا او اسلحه به مدرسه آورده بود.
7. After he _____ (work) at the hospital for two years he _____ (decide) to give up the job.
پس از دو سال کار در بیمارستان، تصمیم گرفت کار را رها کند.
8. When I _____ (arrive) at the party John _____ already _____ (go) home.
وقتی به مهمانی رسیدم، جان از قبل به خانه رفته بود.
9. He told me he _____ (catch) a young lion.
او به من گفت که یک شیر جوان را گرفته.
10. They _____ (leave) the room before the meeting _____ (finish).
آنها قبل از پایان جلسه اتاق را ترک کرده بودند.
11. I _____ (buy) a new camera before I _____ (go) to London.
من قبل از رفتن به لندن یک دوربین جدید خریده بودم.
12. I _____ just _____ (turn off) the lights when the telephone _____ (ring).
تازه چراغ ها را خاموش کرده بودم که تلفن زنگ خورد.
13. They _____ (go) home after they _____ (finish) their work.
آن‌ها بعد از اتمام کار به خانه رفتند.
14. She _____ (just / go) out when I called her.
او تازه بیرون رفته بود که به او زنگ زدم.
15. My brother _____ (eat) all the pie before we got back.
برادرم قبل از برگشتن همه پای را خورده بود.
16. He wondered why I _____ (not / visit) him before.
او تعجب کرد که چرا من قبلاً به او سر نزده بودم.
17. She said that she _____ (already / see) the Pyramids.
او گفت که قبلاً اهرام را دیده بود.
18. The fire _____ (spread) to the next building before the firemen _____ (arrive).
آتش قبل از رسیدن آتش نشانان به ساختمان بعدی سرایت کرده بود.
19. They drank small cups of coffee, after they _____ (finish) dinner.
آن‌ها بعد از اتمام شام فنجان‌های کوچک قهوه نوشیدند.

تمرین شماره ۲: با استفاده از **going to** و فعل داده شده، جملات را کامل کنید.

1. _____ a new bike? (you / buy) آیا قصد خرید دوچرخه جدید را دارید؟
2. Tom _____ a doctor. (not / be) تام قرار نیست دکتر بشود.

- | | |
|--|--|
| 3. I _____ some new shoes. (buy) | من قصد دارم چند کفش جدید بخرم. |
| 4. _____ the train? (Helen / catch) | آیا هلن قصد سوار شدن به قطار را دارد؟ |
| 5. Who _____ the shopping for me? (carry) | چه کسی قرار است خرید را برای من حمل کند؟ |
| 6. Jim and Dinah _____ married. (not / get) | جیم و دینا قصد ازدواج ندارند. |
| 7. Sam _____ a holiday. (take) | سام قرار نیست به تعطیلات برود. |
| 8. What time _____ me? (you / phone) | ساعت چند میخوای بهم زنگ بزنی؟ |
| 9. Where _____ tonight? (we / eat) | امشب کجا غذا میخوریم؟ |
| 10. I _____ a birthday present! (not / give) | من هدیه تولد نمی دهم! |

تمرین شماره ۳: جملات را به فرم **will be-ing** تغییر دهید.

- | | |
|---|---|
| 1. I'm playing tennis now. (this afternoon)
_____. | من الان تنیس بازی می کنم. |
| 2. He is sleeping now. (at eleven o'clock)
_____. | او در حال حاضر خواب است. |
| 3. We're working very hard. (at this time next month)
_____. | ما خیلی سخت کار می کنیم. |
| 4. They are traveling. (all night)
_____. | آنها در حال سفر هستند. |
| 5. We're listening to pop music. (at this time tomorrow)
_____. | ما در حال گوش دادن به موسیقی پاپ هستیم. |
| 6. He's still mending his car. (at dinner time)
_____. | او هنوز دارد ماشین خود را تعمیر می کند. |
| 7. I am driving a BMW. (in two years' time)
_____. | من دارم بی ام و می رانم. |
| 8. I'm studying English. (from 8 to 10)
_____. | من دارم انگلیسی می خوانم. |
| 9. I'm having an interview now. (at 2 o'clock this afternoon)
_____. | الان مصاحبه دارم. |

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | |
|---------------------------------|---------------------------|-------------------------|
| 1. had worried, heard | 8. arrived, had, gone | 15. had eaten |
| 2. was, had thought | 9. had caught | 16. had not visited |
| 3. had shot | 10. had left, finished | 17. had already seen |
| 4. drank, had finished | 11. had bought, went | 18. had spread, arrived |
| 5. had, folded, opened, entered | 12. had, turned off, rang | 19. had finished |
| 6. had brought | 13. went, had finish | |
| 7. had worked, decided | 14. had just gone | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|---|--|
| 1. Are you going to buy a new bike? | 6. Jim and Dinah aren't going to get married. |
| 2. Tom isn't going to be a doctor. | 7. Sam isn't going to take a holiday. |
| 3. I am going to buy some new shoes. | 8. What time are you going to phone me? |
| 4. Is Helen going to catch the train? | 9. Where are we going to eat tonight? |
| 5. Who is going to carry the shopping for me? | 10. I am not going to give a birthday present! |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | |
|---|--|
| 1. I'll be playing tennis this afternoon. | امروز بعد از ظهر، در حال بازی کردن تنیس خواهم بود. |
| 2. He will be sleeping at eleven o'clock. | او ساعت یازده خواب خواهد بود. |
| 3. We will be working very hard at this time next month. | ما ماه آینده در این زمان بسیار سخت در حال کار کردن خواهیم بود. |
| 4. They will be traveling all night. | آنها تمام طول شب، در حال سفر خواهند بود. |
| 5. We'll be listening to pop music at this time tomorrow. | فردا همین موقع، در حال گوش دادن به موسیقی پاپ خواهیم بود. |
| 6. He will be still mending his car at dinner time. | او هنگام شام، همچنان مشغول تعمیر ماشین خود خواهد بود. |
| 7. I'll be driving a BMW in two years' time. | دو سال دیگر با بی ام و در حال رانندگی خواهم بود. |
| 8. I'll be studying English from 8 to 10. | من از ۸ تا ۱۰ در حال خواندن انگلیسی خواهم بود. |
| 9. I'll be having an interview at 2 o'clock this afternoon. | من امروز ساعت ۲ بعد از ظهر مصاحبه می‌کنم. |

تمرین شماره ۱: گزینه صحیح را انتخاب کنید. در بعضی، دو گزینه صحیح است. (سوال اول حل شده است).

'What time will you be home tonight?' 'I'm not sure. I A or B late.'

1. "امشب ساعت چند در خانه خواهید بود؟" "مطمئن نیستم. ممکن است دیر کنم."
A) may be B) might be C) can be (both A and B are correct)

2. I can't find the theatre tickets. They _____ out of my pocket.
A) must have fallen B) should have fallen C) had to fall

3. Somebody ran in front of the car as I was driving. Luckily, I _____ just in time.
وقتی رانندگی می کردم، یه نفر دوید جلوی ماشین. خوشبختانه، من به موقع توانستم متوقف شوم.
A) could stop B) could have stopped C) managed to stop

4. We have plenty of time. We _____ yet.
ما خیلی وقت داریم. هنوز لازم نیست برویم.
A) mustn't go B) don't have to go C) don't need to go

5. I didn't go out yesterday. I _____ with my friends, but I didn't feel like it.
من دیروز بیرون نرفتم. می توانستم با دوستانم بروم، اما حسش نبود.
A) could go B) could have gone C) must have gone

6. I looked everywhere for Helen, but I _____ her.
من همه جا به دنبال هلن گشتم، اما نتوانستم او را پیدا کنم.
A) couldn't find B) couldn't have found C) wasn't able to find

7. 'What do you think of my theory?' 'You _____ right, but I'm not sure.'
"نظر شما درباره نظریه من چیست؟" "ممکن است حق با شما باشد، اما مطمئن نیستم."
A) could be B) must be C) might be

8. Our flight was delayed. We _____ for two hours.
پرواز ما با تاخیر انجام شد. باید دو ساعت منتظر می ماندیم.
A) must wait B) must have waited C) had to wait

9. I'm not sure whether I'll be free on Saturday. I _____.
من مطمئن نیستم که شنبه آزاد باشم یا نه. شاید مجبور باشم کار کنم.
A) must have to work B) may have to work C) might have to work

10. At first they didn't believe me when I told them what had happened, but in the end I _____ them that I was telling the truth.
ابتدا وقتی به آن ها گفتم که چه اتفاقی افتاده است، باور نکردند، اما در نهایت توانستم آنها را متقاعد کنم که راست می گویم.
A) was able to convince B) managed to convince C) could convince

11. I promised I'd call Amy this evening. I _____.
قول دادم امروز عصر با امی تماس بگیرم. نباید فراموش کنم.
A) mustn't forget B) needn't forget C) don't have to forget

12. Why did you leave without me? You _____ for me.
چرا بدون من رفتی؟ باید منتظر من می ماندی.
A) must have waited B) had to wait C) should have waited

13. Do you think I should buy a car? What _____ in my position?
به نظر شما باید ماشین بخرم؟ شما اگر در موقعیت من بودید، چه میکردید؟
A) will you do B) would you do C) should you do

14. That jacket looks good on you. _____ it more often.
این کاپشن برای شما خوب به نظر می رسد. باید بیشتر آن را بپوشید.
A) You'd better wear B) You should wear C) You ought to wear

تمرین شماره ۲: جملات را با کلمات داخل پرانتز کامل کنید.

1. Don't phone them now. They might be having lunch. (might / have)
الان بهشون زنگ نزن. آنها ممکن است الان در حال خوردن ناهار باشند.
2. I ate too much and now I feel sick. I _____ so much. (shouldn't / eat)
من زیاد غذا خوردم و الان حالم خوب نیست. نباید اینقدر غذا می خوردم.
3. I wonder why Tom didn't call me. He _____. (must / forget)
تعجب می کنم که چرا تام با من تماس نگرفت. حتما فراموش کرده است.
4. Why did you go home so early? You _____ home so early. (needn't / go)
چرا زود رفتی خونه؟ لازم نبود اینقدر زود بری خونه.
5. You've signed the contract. It _____ now. (can't / change)
شما قرارداد را امضا کرده اید. الان قابل تغییر نیست.
6. I'm not sure where the children are. They _____ TV. (may / watch)
مطمئن نیستم بچه ها کجا هستند. آنها ممکن است در حال تماشای تلویزیون باشند.
7. I saw Laura standing outside the cinema. She _____ for somebody. (must / wait)
لورا را دیدم که بیرون سینما ایستاده بود. حتما منتظر کسی بود.
8. He was in prison at the time that the crime was committed. He _____ it. (couldn't / do)
وی در زمان ارتکاب جنایت در زندان بود. او نمی توانست آن [جنایت] را مرتکب شده باشد.
9. Why are you so late? You _____ here an hour ago. (should / be)
چرا اینقدر دیر کردی؟ باید یک ساعت پیش اینجا می بودی.
10. Why didn't you contact me? You _____ me. (could / phone)
چرا با من تماس نگرفتی؟ میتونستی بهم زنگ بزنی.
11. We had a great day at the beach yesterday. You _____ with us. (ought / come)
دیروز روز خوبی در ساحل داشتیم. تو باید با ما می آمدی.

تمرین شماره ۳: جملات را با استفاده از فرم **can/could/might/must/should/would + the verb** کامل کنید.
در برخی جملات باید از **must have ... / should have ... etc** و در برخی از فرم منفی **can't/couldn't etc** استفاده کنید.
(سوال ۱ و ۲، برای نمونه، حل شده اند.)

1. A: I'm hungry.
B: But you've just had lunch. You can't be hungry already. (be)
A: من گرسنه هستم.
B: اما شما تازه ناهار خورده اید. شما نمی توانید گرسنه باشید.
2. A: I haven't seen our neighbors for ages.
B: They must have gone away. (go)
A: من سال هاست همسایه هایمان را ندیده ام.
B: آنها باید از اینجا رفته باشند.
3. A: What's the weather like? Is it raining?
B: Not at the moment, but it _____ later. (rain)
A: هوا چطور است؟ آیا باران می بارد؟
در حال حاضر نه، اما ممکن است بعداً باران ببارد.

4. A: Where's Julia?
B: I'm not sure. She _____ out. (go)
A: جولیا کجاست؟
B: مطمئن نیستم. او ممکن است بیرون رفته باشد.
5. A: I didn't see you at Michael's party last week.
B: No, I had to work that night, so I _____. (go)
A: من شما را در مهمانی مایکل هفته گذشته ندیدم.
B: نه، آن شب مجبور بودم کار کنم، بنابراین نتوانستم بروم.
6. A: I think I saw Ben in town this morning.
B: No, you _____ him this morning. He's away on holiday. (see)
A: فکر می‌کنم امروز صبح بن را در شهر دیدم.
B: نه، شما نمیتوانید صبح امروز او را دیده باشید. او به تعطیلات رفته است.
7. A: What time will we get to Sue's house?
B: Well, it takes about one and a half hours, so if we leave at 3 o'clock, we _____ there by 4.30. (get)
A: ساعت چند به خانه سو می‌رسیم؟
B: خوب، حدود یک ساعت و نیم طول می‌کشد، بنابراین اگر ساعت ۳ حرکت کنیم، باید ساعت ۴,۳۰ به آنجا برسیم.
8. A: When was the last time you saw Max?
B: Years ago. I _____ him if I saw him now. (recognize)
A: آخرین باری که مکس را دیدید کی بود؟
B: سال‌ها پیش. اگر الان او را می‌دیدم احتمالاً نمیشناختمش.
9. A: Did you hear the explosion?
B: What explosion?
A: There was a loud explosion about an hour ago. You _____ it. (hear)
A: صدای انفجار را شنیدید؟
B: چه انفجاری؟
A: حدود یک ساعت پیش انفجار شدیدی رخ داد. حتماً باید آن را شنیده باشید.
10. A: We weren't sure which way to go. In the end we turned right.
B: You went the wrong way. You _____ left. (turn)
A: ما مطمئن نبودیم که کدام راه را برویم. در پایان ما به سمت راست رفتیم.
B: راه را اشتباه رفتید. باید به چپ می‌پیچیدید.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | |
|-----------|------------|------------|
| 1. A or B | 6. A or C | 11. A |
| 2. A | 7. A or C | 12. C |
| 3. C | 8. C | 13. B |
| 4. B or C | 9. B or C | 14. B or C |
| 5. B | 10. A or B | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|-------------------------|---------------------------|
| 1. might be having | 7. must have been waiting |
| 2. shouldn't have eaten | 8. couldn't have done |
| 3. must have forgotten | 9. should have been |
| 4. needn't have gone | 10. could have phoned |
| 5. can't be changed | 11. ought to have come |
| 6. may be watching | |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | |
|--------------------------------------|---|
| 1. can't be | 6. couldn't have seen / can't have seen |
| 2. must have gone | 7. should get |
| 3. could rain / might rain | 8. wouldn't recognize / might not recognize |
| 4. might have gone / could have gone | 9. must have heard |
| 5. couldn't go | 10. should have turned |

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با حرف اضافه زمان (at, in, on) پر کنید.

1. ----- Saturday	13 ----- winter	25 ----- April
2. ----- July	14 ----- the evening	26 ----- April 2 nd
3. ----- 1984	15 ----- autumn	27 ----- February 8 th
4. ----- March 25 th	16 ----- half past two	28 ----- 1964
5. ----- Friday	17 ----- Monday morning	29 ----- spring
6. ----- summer	18 ----- June 26 th	30 ----- night
7. ----- the morning	19 ----- 10 o'clock	31 ----- a quarter past six
8. ----- 9 o'clock	20 ----- Thursday afternoon	32 ----- Saturday night
9. ----- Christmas	21 ----- noon	33 ----- Friday evening
10 ----- September 28 th	22 ----- December	34 ----- Monday
11 ----- 1991	23 ----- midnight	
12 ----- August 29 th	24 ----- 1982	

تمرین شماره ۲: جاهای خالی را با حرف اضافه زمان (at, in, on) پر کنید.

1. We always go on holiday summer.	ما همیشه در تابستان به تعطیلات می‌رویم.
2. My mother usually goes shopping Friday morning.	مادرم معمولاً صبح جمعه به خرید می‌رود.
3. I always do my homework the evening.	من همیشه تکالیف خود را عصر انجام می‌دهم.
4. The circus usually comes to our town spring.	سیرک معمولاً در بهار به شهر ما می‌آید.
5. Sophia's birthday is May 16 th .	روز تولد سوفیا در ۱۶ مه است.
6. I usually get up seven o'clock.	من معمولاً ساعت هفت بلند می‌شوم.
7. My favorite television program begins 6:30 the evening.	برنامه تلویزیونی مورد علاقه من ساعت ۶:۳۰ عصر شروع می‌شود.
8. Sometimes it snows winter.	گاهی در زمستان برف می‌بارد.
9. My friend's birthday is June.	تولد دوست من در ماه ژوئن است.
10. Some birds and animals come out night.	برخی از پرندگان و حیوانات شب بیرون می‌آیند.

11. My lesson starts five o'clock.	درس من ساعت پنج شروع می‌شود.
12. My father usually buys a newspaper the morning.	پدرم معمولاً صبح روزنامه می‌خرد.
13. We wear warm clothes winter.	ما در زمستان لباس گرم می‌پوشیم.
14. We get presents Christmas.	ما در کریسمس هدیه می‌گیریم.
15. I usually visit my grandparents Sunday afternoon.	من معمولاً بعدازظهر یکشنبه به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌روم.
16. John's birthday is August 16 th .	تولد جان در ۱۶ آگوست است.
17. The film finishes 9:30.	فیلم ساعت ۹:۳۰ به پایان می‌رسد.
18. The supermarket is closed Sunday.	سوپرمارکت روز یکشنبه تعطیل است.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. on	10. on	19. at	28. in
2. in	11. in	20. on	29. in
3. in	12. on	21. at	30. at
4. on	13. in	22. in	31. at
5. on	14. in	23. at	32. on
6. in	15. in	24. in	33. on
7. in	16. at	25. in	34. on
8. at	17. on	26. on	
9. at	18. on	27. on	

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. in	7. at, in	13. in
2. on	8. in	14. at
3. in	9. in	15. on
4. in	10. at	16. on
5. on	11. at	17. at
6. at	12. in	18. on

تمرین شماره ۱: مانند مثال، با کلمات داده شده جمله مجهول بسازید.

- | | |
|---|---------------------------|
| 1. (TV / invent / Baird) | TV was invented by Baird. |
| 2. (Pyramids / build / Egyptians) | |
| 3. (milk / produce / cows) | |
| 4. (coffee / grow / in Brazil) | |
| 5. (chopsticks / use / in China) | |
| 6. (plants / water / every day) | |
| 7. (the thief / arrest / policeman / yesterday) | |
| 8. (the injured man / take to a hospital / now) | |
| 9. (the car / repair / tomorrow) | |
| 10. (the letter / send / last week) | |

تمرین شماره ۲: مانند مثال، جملات را از فرم معلوم به مجهول تبدیل کنید.

- | | |
|--|---------------------------------|
| 1. You must leave the bathroom tidy. | The bathroom must be left tidy. |
| 2. You should water this plant daily. | |
| 3. Our neighbor ought to paint the garage. | |
| 4. I have to return these books to the library. | |
| 5. You must extinguish your cigarettes. | |
| 6. You must clean this shirt. | |
| 7. Someone will pay you in ten days. | |
| 8. The gardener has planted some trees. | |
| 9. Doctor Brown will give you some advice. | |
| 10. A famous designer will redecorate the hotel. | |
| 11. Steven Spielberg directed "E.T." | |
| 12. Someone has broken the crystal vase. | |
| 13. His parents have brought him up to be polite. | |
| 14. Fleming discovered penicillin. | |
| 15. They will advertise the product on television. | |

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. TV was invented by Baird. تلویزیون توسط بایرد اختراع شد.
2. Pyramids were built by Egyptians. اهرام توسط مصریان ساخته شده.
3. Milk is produced by cows. شیر توسط گاوها تولید می‌شود.
4. Coffee is grown in Brazil. قهوه در برزیل کشت می‌شود.
5. Chopsticks are used in China. چوب غذاخوری در چین استفاده می‌شود.
6. Plants are watered every day. آبیاری گیاهان هر روز انجام می‌شود.
7. The thief was arrested by a policeman yesterday. سارق دیروز توسط پلیس دستگیر شد.
8. The injured man is now being taken to a hospital. مرد مجروح اکنون دارد به بیمارستان منتقل می‌شود.
9. The car will be repaired tomorrow. ماشین فردا تعمیر خواهد شد.
10. The letter was sent last week. [آن] نامه، هفته گذشته ارسال شد.

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. The bathroom must be left tidy. حمام باید مرتب باشد.
2. This plant should be watered daily. این گیاه باید روزانه آبیاری شود.
3. The garage ought to be painted. گاراژ باید رنگ آمیزی شود.
4. These books have to be returned to the library. این کتاب‌ها باید به کتابخانه برگردانده شوند.
5. Your cigarettes must be extinguished. سیگارهای شما باید خاموش شوند.
6. This shirt must be cleaned. این پیراهن باید تمیز شود.
7. You will be paid in ten days. ده روز دیگر به شما پرداخت می‌شود.
8. Some trees have been planted. تعدادی درخت، کاشته شده‌اند.
9. Some advice will be given to you. توصیه‌هایی به شما خواهد شد.
10. The hotel will be redecorated. هتل بازسازی می‌شود.
11. "E.T." was directed. "E.T." کارگردانی شد.
12. The crystal vase has been broken. گلدان کریستالی شکسته است.
13. He has been brought up to be polite. او با ادب تربیت شده است.
14. Penicillin was discovered. پنی سیلین کشف شد.
15. The product will be advertised on television. این محصول در تلویزیون تبلیغ خواهد شد.

تمرین شماره ۱: حرف اضافه مناسب در جاهای خالی قرار دهید.

1. The wine is the bottle. شراب در بطری است.
2. Pass me the dictionary, it's the bookshelf. فرهنگ لغت را بده به من: در قفسه کتاب است.
3. Jennifer is work. جنیفر سر کار است.
4. Berlin is Germany. شهر برلین در کشور آلمان است.
5. You have something your face. یه چیزی روی صورتته.
6. Turn left the traffic lights. جلوی چراغ راهنمایی، به چپ بپیچ.
7. She was listening to classical music the radio. او در رادیو به موسیقی کلاسیک گوش می داد.
8. He has a house the river. او خانه‌ای در کنار رودخانه دارد.
9. The answer is the bottom of the page. پاسخ در انتهای صفحه است.
10. Julie will be the plane now. جولی اکنون در هواپیما خواهد بود.
11. There are a lot of magnets the fridge. آهنرباهای زیادی روی یخچال وجود دارد.
12. She lives London. او در لندن زندگی می‌کند.
13. John is a taxi. He's coming. جان در تاکسی است. او در حال آمدن است.
14. I'll meet you the airport. من شما را در فرودگاه ملاقات می‌کنم.
15. She stood the window and looked out. او پشت پنجره ایستاد و به بیرون نگاه کرد.
16. The cat is the house somewhere. گربه یه جایی در خانه است.
17. Why you calling so late? I'm already bed. چرا اینقدر دیر زنگ می‌زنی؟ من خوابیدم.
18. I waited for Lucy the station. من در ایستگاه منتظر لوسی بودم.
19. There was a picture of flowers her T-shirt. روی تی شرت او عکسی از گل‌ها بود.
20. She has a house Japan. او خانه‌ای در ژاپن دارد.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | | |
|-------|--------|--------|--------|
| 1. in | 6. at | 11. on | 16. in |
| 2. on | 7. on | 12. in | 17. in |
| 3. at | 8. on | 13. in | 18. at |
| 4. in | 9. at | 14. at | 19. on |
| 5. on | 10. on | 15. at | 20. in |

تمرین شماره ۱: قسمت صحیح را مشخص کنید.

1. If (**I move / I'll move**) to Boston, (**I live / I'll live**) on Main Street.
2. If (**you call / you'll call**) your mother, she'll be very happy.
3. If the mechanic fixes our car on time, (**we drive / we'll drive**) to Center Ville.
4. If (**it rains / it'll rain**) today, we won't go to the park.
5. If I'm not in a hurry tonight, (**I write / I'll write**) to her.
6. If she (**isn't / won't be**) sick, she'll go to school.
7. If (**they're / they'll be**) tired tomorrow, they (**don't go / won't go**) to work.
8. If John doesn't buy a new car, (**he buys / he'll buy**) a motorcycle.

تمرین شماره ۲: با زمان مناسب افعال، جملات را کامل کنید. و نوع جمله شرطی را مشخص کنید.

1. The teacher will be very angry if you (not do) your homework.
2. If he (tell) me, I could help him.
3. If you don't water the flowers, they (die).
4. If the dinner isn't ready, I (go) out.
5. I (come) if I had time.
6. If you don't hurry, you (miss) the bus.
7. If I (be) you, I wouldn't buy that car.
8. He will play tennis if the weather (be) good.
9. I would be very happy if she (be) my sister.
10. She could win the race if she (try).
11. If he (go) to bed early, he will get up early.
12. If he touches this wire, he (get) a shock.
13. You will get wet if it (rain).
14. If I knew, I (come) earlier.
15. I wouldn't say it if I (be) you.
16. What will you do if you (get) a bad mark?
17. If she (wear) a necklace, her dress will look better.
18. If you go near the dog, it (bite) you.
19. London (be) ideal for a holiday if it weren't so crowded.
20. He will be ill if he (eat) so much.
21. If she (read) the book carefully, she will understand it.
22. We would die if the plane (crash).

تمرین شماره ۳: کلمات را مرتب کنید.

- | | |
|--|-------------------------------------|
| 1. If / she / she'll / misses / bus / the / the / walk | If she misses the bus, she'll walk. |
| 2. If / he / he'll / concert / goes / his / suit / the / to / wear | |
| 3. If / she / she'll / cook / isn't / dinner / tired | |
| 4. If / I'm / I'll / busy / not / you / visit | |
| 5. If / you / you'll / be / don't / school / finish / sorry | |
| 6. If / he / he'll / a / get / good / hard / job / works | |

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | |
|----------------------|--|
| 1. I move, I'll live | اگر به بوستون نقل مکان کنم، در خیابان اصلی زندگی خواهیم کرد. |
| 2. you call | اگر با مادر خود تماس بگیرید، او بسیار خوشحال خواهد شد. |
| 3. we'll drive | اگر مکانیک ماشین ما را به موقع تعمیر کند، به "سنتر ویل" می‌رویم. |
| 4. it rains | اگر امروز باران ببارد، ما به پارک نمی‌رویم. |
| 5. I'll write | اگر امشب عجله نکنم، برایش نامه خواهیم نوشت. |
| 6. isn't | اگر بیمار نباشد، به مدرسه می‌رود. |
| 7. they're, won't go | اگر فردا خسته باشند، سرکار نمی‌روند. |
| 8. he'll buy | اگر جان خودروی جدیدی نخرد، یک موتورسیکلت خواهد خرید. |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | |
|----------------|---------|---|
| 1. don't do | نوع اول | اگر تکلیف خود را انجام ندهید، معلم بسیار عصبانی می‌شود. |
| 2. told | نوع دوم | اگر او به من می‌گفت، می‌توانستم به او کمک کنم. |
| 3. will die | نوع اول | اگر گل‌ها را آبیاری نکنید، آن‌ها خواهند مرد. |
| 4. will go | نوع اول | اگر شام آماده نیست، من بیرون می‌روم. |
| 5. would come | نوع دوم | اگر وقت داشتم می‌آمدم. |
| 6. will miss | نوع اول | اگر عجله نکنید، اتوبوس را از دست خواهید داد. |
| 7. were | نوع دوم | من اگر جای شما بودم آن ماشین را نمی‌خریدم. |
| 8. is | نوع اول | اگر هوا خوب باشد، او تنیس بازی خواهد کرد. |
| 9. were | نوع دوم | اگر او خواهر من بود خیلی خوشحال می‌شدم. |
| 10. tried | نوع دوم | اگر تلاش می‌کرد، می‌توانست برنده مسابقه شود. |
| 11. goes | نوع اول | اگر زود بخواید، زود بیدار می‌شود. |
| 12. will get | نوع اول | اگر این سیم را لمس کند، دچار شوک می‌شود. |
| 13. rains | نوع اول | اگر باران ببارد خیس می‌شوید. |
| 14. would come | نوع دوم | اگر می‌دانستم زودتر می‌آمدم. |
| 15. were | نوع دوم | من اگر جای شما بودم نمی‌گفتم. |
| 16. get | نوع اول | اگر نمره بدی بگیرید چه می‌کنید؟ |
| 17. wears | نوع اول | اگر گردنبند بپوشد، لباس او بهتر به نظر می‌رسد. |
| 18. will bite | نوع اول | اگر به [آن] سگ نزدیک شوید، شما را گاز می‌گیرد. |
| 19. would be | نوع دوم | اگر لندن شلوغ نبود، برای تعطیلات ایده آل بود. |
| 20. eats | نوع اول | اگر زیاد بخورد بیمار می‌شود. |
| 21. reads | نوع اول | اگر او کتاب را با دقت بخواند، آن را درک می‌کند. |
| 22. crashed | نوع دوم | اگر هواپیما سقوط می‌کرد می‌مردیم. |

پاسخ تمرین شماره ۳:

1. If she misses the bus, she'll walk.
2. If he goes to the concert, he'll wear his suit
3. If she isn't tired, she'll cook dinner.
4. If I'm not busy, I'll visit you.
5. If you don't finish school, you'll be sorry.
6. If he works hard, he'll get a good job.

اگر اتوبوس را از دست بدهد، پیاده می‌رود.
اگر او به کنسرت برود، کت و شلوار خود را می‌پوشد.
اگر او خسته نباشد، شام می‌پزد.
اگر سرم شلوغ نباشه، به شما سر می‌زنم.
اگر مدرسه را تمام نکنید، پشیمان می‌شوید.
اگر سخت کار کند، شغل خوبی پیدا می‌کند.

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با **on, in, at, by** پر کنید.

1. Jane goes to work bus.
2. My birthday is March.
3. We are going to meet 4:00 p.m.
4. Students must go to school weekdays.
5. Do you do play tennis the weekend?
6. His birthday is November 5th .
7. We have art lesson Mondays.

تمرین شماره ۲: مانند مثال جاهای خالی را با **from, by, in, on** پر کنید.

- ex. There's something I want to listen to **on** the radio.
1. They've promised me more money, but I haven't got it writing.
 2. Are you here holiday or business?
 3. Would you mind moving? You're rather..... the way here.
 4. I rang the wrong number mistake.
 5. I booked our seats more than a month advance.
 6. Sarah's mobile phone was stolen while she was away a business trip.
 7. Could you be quiet for a minute, please? I'm the phone.
 8. We've had a few nice days, but general it's been a poor summer.
 9. I was lucky. I found the solution accident.
 10. It's a long journey. Let's stop somewhere the way and have a meal.
 11. I spent ages looking for a phone box the end I found one.

تمرین شماره ۳: مانند مثال جاهای خالی را با **in, on, at** پر کنید.

- ex. We spent the whole holiday **on** the beach.
1. I read about the pop festival a magazine.
 2. My parents' flat is the twenty-first floor.
 3. Melanie was holding a small bird her hands.
 4. I'll meet you..... the airport.
 5. The woman sitting next to me left the train Chesterfield.
 6. I was standing the counter in the baker's shop.
 7. London is the Thames.
 8. There weren't many books the shelves.
 9. The passengers had to stand a queue.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | |
|----|-------|--|
| 1. | by | چین با اتوبوس به سر کار می‌رود. |
| 2. | in | تولد من ماه مارس است. |
| 3. | at | قرار است ساعت ۴ بعد از ظهر ملاقات کنیم. |
| 4. | on | دانش آموزان باید روزهای هفته به مدرسه بروند. |
| 5. | on/at | آیا آخر هفته تنیس بازی می‌کنید؟ |
| 6. | on | روز تولد او ۵ نوامبر است. |
| 7. | on | دوشنبه ها درس هنر داریم. |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | | |
|-----|--------|---|
| 1. | in | آن‌ها به من وعده پول بیشتری داده‌اند، اما من آن را به صورت مکتوب دریافت نکرده‌ام. |
| 2. | on, on | آیا برای تعطیلات اینجا هستید یا برای کار؟ |
| 3. | in | میشه جا به جا بشید؟ شما اینجا تقریباً سر راه هستید. (مانع درست کردید) |
| 4. | by | اشتباهی، به شماره غلط زنگ زدم. |
| 5. | in | من صندوق‌هایمان را بیش از یک ماه قبل رزرو کردم. |
| 6. | on | تلفن همراه سارا در حالی که در یک سفر کاری دور بود، به سرقت رفت. |
| 7. | on | لطفاً یک دقیقه سکوت می‌کنید؟ دارم با تلفن حرف می‌زنم. |
| 8. | in | ما چند روز خوب داشتیم، اما در کل، تابستان ضعیفی بود. |
| 9. | by | خوش شانس بودم. به طور اتفاقی راه حل را پیدا کردم. |
| 10. | on | این یک سفر طولانی است. بیاید جایی در راه توقف کنیم و غذا بخوریم. |
| 11. | in | من سال‌ها در جستجوی جعبه تلفن بودم و سرانجام آن را پیدا کردم. |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | | |
|----|----|--|
| 1. | in | در مورد جشنواره پاپ، در یک مجله خواندم. |
| 2. | on | آپارتمان پدر و مادرم در طبقه بیست و یکم است. |
| 3. | in | ملانی پرنده کوچکی را در دستانش گرفته بود. |
| 4. | at | در فرودگاه با شما ملاقات می‌کنم. |
| 5. | at | زنی که کنار من نشسته بود، قطار را در چسترفیلد ترک کرد. |
| 6. | at | جلوی پیشخوان نانوایی ایستاده بودم. |
| 7. | on | لندن کنار رودخانه تیمز است. |
| 8. | on | کتاب زیادی در قفسه‌ها نبود. |
| 9. | in | مسافران مجبور بودند در صف بایستند. |

تمرین شماره ۱: جملات را با کلمات پرسشی زیر کامل کنید.

What, Where, When, Who

1. _____ 's the time?	ساعت چنده؟
2. _____ did I just say?	من الان چی گفتم؟
3. _____ do you think you are?	فکر می کنید کی هستید؟
4. _____ is my coat?	کت من کجاست؟
5. _____ do you want to leave? This evening?	چه زمانی می خواهید ترک کنید؟ امروز عصر؟
6. _____ was the Battle of Hastings?	نبرد هاستینگ کجا بود؟
7. _____ are you looking for?	به دنبال چه چیزی هستید؟
8. _____ 's your name?	نام شما چیست؟
9. _____ is the front door open?	درب ورودی کی باز است؟
10. _____ is the star of 'Spiderman'?	ستاره "مرد عنکبوتی" کیست؟
11. _____ do you live?	کجا زندگی می کنید؟
12. _____ did you go to last night?	دیشب کجا رفتی؟
13. _____ did you leave school?" "In 1994."	"کی مدرسه را ترک کردید؟" "در سال ۱۹۹۴."
14. _____ do you work?	چه کار می کنید؟
15. _____ 's going on?	چه خبر است؟
16. _____ is your birthday?	تولدت کی هست؟
17. _____ did the builders get here?	سازندگان چه زمانی به اینجا رسیدند؟
18. _____ did you put my magazine?	مجله من را کجا گذاشتید؟
19. _____ is the oldest person in this room?	مسن ترین فرد این اتاق کیست؟
20. _____ are you going to tidy up your room?	کی می خواهید اتاق خود را مرتب کنید؟
21. _____ is your sister's occupation?	شغل خواهرت چیست؟
22. _____ 's your favorite food?	غذای مورد علاقه شما چیست؟
23. _____ has your friend been?	دوستت کی بوده است؟

تمرین شماره ۲: با استفاده از صفت تفضیلی، مانند مثال، جمله بسازید.

1. English / math (important)	English is more important than math.
2. A cow / a cat (slow)	_____.
3. My friend / I (handsome)	_____.
4. Chocolate / ice cream (good)	_____.
5. A tiger / a rabbit (dangerous)	_____.
6. The North Pole / Africa (cold)	_____.
7. Swimming / skating (easy)	_____.
8. The Eiffel Tower / my house (big)	_____.
9. A stone / a feather (heavy)	_____.
10. Planes / cars (fast)	_____.

تمرین شماره ۳: جاهای خالی را با **must / mustn't / have to / (not) have to** پر کنید.

1. I can stay in bed tomorrow morning because I _____ work.
من می‌توانم فردا صبح بخوابم زیرا مجبور نیستم کار کنم.
2. Whatever you do, you _____ touch that switch. It's very dangerous.
هر کاری می‌کنید، نباید آن سوئیچ را لمس کنید. بسیار خطرناک است.
3. You _____ forget what I told you. It's very important.
شما نباید آنچه را که به شما گفتم فراموش کنید. بسیار مهم است.
4. We _____ leave yet. We've got plenty of time.
هنوز مجبور نیستیم برویم. زمان زیادی داریم.
5. Ann was feeling ill last night. She _____ leave the party early.
آن دیشب حالش بد بود. او مجبور شد مهمانی را زود ترک کند.
6. I _____ go to the bank yesterday to get some money.
دیروز مجبور شدم به بانک بروم تا مقداری پول بگیرم.
7. The windows are very dirty. I _____ clean them.
پنجره‌ها بسیار کثیف هستند. باید آن‌ها را تمیز کنم.
8. The windows aren't dirty. You _____ clean them.
پنجره‌ها کثیف نیستند لازم نیست آن‌ها را تمیز کنید.
9. We arrived home very late last night. We _____ wait half an hour for a taxi.
دیشب خیلی دیر به خانه رسیدیم. باید نیم ساعت منتظر تاکسی می‌ماندیم.
10. These cakes are very nice. You _____ have one.
این کیک‌ها خیلی خوشمزه هستند. شما باید یکی داشته باشید.
11. We _____ take an umbrella. It's not going to rain.
مجبور نیستیم چتر برداریم. باران نمی‌آید.
12. This is a secret. You _____ tell anybody.
این یک راز است. نباید به کسی بگویید.
13. You _____ buy a newspaper. You can have mine.
لازم نیست روزنامه بخرید. می‌توانید مال من را داشته باشید.
14. This train doesn't go to London. You _____ change at Bristol.
این قطار به لندن نمی‌رود شما باید در بریستول تغییر کنید.
15. In many countries men _____ do military service.
در بسیاری از کشورها مردان باید خدمت سربازی انجام دهند.
16. Sarah is a nurse. Sometimes she _____ work at weekends.
سارا پرستار است. گاهی اوقات او باید آخر هفته کار کند.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | | | | |
|----------|----------|-----------|----------|-----------|----------|
| 1. When | 5. When | 9. When | 13. When | 17. When | 21. What |
| 2. What | 6. Where | 10. Who | 14. What | 18. Where | 22. What |
| 3. Who | 7. What | 11. Where | 15. What | 19. Who | 23. Who |
| 4. Where | 8. What | 12. Where | 16. When | 20. When | |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|---|---------------------------------------|
| 1. English is more important than math. | انگلیسی مهم‌تر از ریاضی است. |
| 2. A cow is slower than a cat. | گاو از گربه کندتر است. |
| 3. My friend is more handsome than me. | دوستم از من خوش‌تیپ‌تر است. |
| 4. Chocolate is better than ice cream. | شکلات از بستنی بهتر است. |
| 5. A tiger is more dangerous than a rabbit. | ببر خطرناک‌تر از خرگوش است. |
| 6. The North Pole is colder than Africa. | قطب شمال سردتر از آفریقا است. |
| 7. Swimming is easier than skating. | شنا راحت‌تر از اسکیت است. |
| 8. The Eiffel Tower is bigger than my house | برج ایفل بزرگ‌تر از خانه من است |
| 9. A stone is heavier than a feather. | سنگ سنگین‌تر از پر است. |
| 10. Planes are faster than cars. | هواپیماها سریعتر از اتومبیل‌ها هستند. |

پاسخ تمرین شماره ۳:

- | | |
|------------------|-------------------|
| 1. don't have to | 9. had to |
| 2. mustn't | 10. have to |
| 3. mustn't | 11. don't have to |
| 4. don't have to | 12. mustn't |
| 5. had to | 13. don't have to |
| 6. had to | 14. must |
| 7. must | 15. must |
| 8. don't have to | 16. must |

تمرین شماره ۱: با سوالات تاییدی قسمت دوم جملات را کامل کنید

1. Tom won't be late, ...? تام دیر نخواهد کرد، مگه نه؟
2. They were very angry, ...? آن‌ها خیلی عصبانی بودند، مگه نه؟
3. Ann's on holiday, ...? آنا در تعطیلات است، مگه نه؟
4. You weren't listening, ...? گوش نمی‌دادی، مگه نه؟
5. Sue doesn't like onions, ...? سو پیاز دوست ندارد، مگه نه؟
6. Jack applied for the job, ...? جک برای کار درخواست کرد، مگه نه؟
7. You've got a camera, ...? شما دوربین دارید، مگه نه؟
8. You can type, ...? شما می‌توانید تایپ کنید، مگه نه؟
9. He won't mind if I go early, ...? اگر من زود بروم، او ناراحت نمیشه، مگه نه؟
10. Tom could help you, ...? تام می‌تواند به شما کمک کند، مگه نه؟
11. There are a lot of people here, ...? اینجا افراد زیادی هستند، مگه نه؟
12. Let's have dinner, ...? بیا شام بخوریم، باشه؟
13. This isn't very interesting, ...? این خیلی جالب نیست، مگه نه؟
14. I'm too fat, ...? من خیلی چاق هستم، مگه نه؟
15. You wouldn't tell anyone, ...? شما به کسی نخواهید گفت، مگه نه؟
16. Listen, ...? گوش کن، میشه؟
17. I shouldn't have got angry, ...? نباید عصبانی می‌شدم، مگه نه؟
18. Don't drop it, ...? ولش نکن، میشه؟
19. They had to go home, ...? آن‌ها مجبور بودند به خانه بروند، مگه نه؟
20. He'd never seen you before, ...? او قبلاً شما را ندیده بود، مگه نه؟

تمرین شماره ۲: مانند مثال، جملات را به فرم سوالی تبدیل کنید.

- | | | |
|--------------------------------------|--------------------------|------------------------------|
| ex I am an engineer. | ...Am I an engineer... ? | من یک مهندس هستم. |
| 1. You are ill. | ? | شما بیمار هستید. |
| 2. Linda is a pretty girl. | ? | لیندا دختر زیبایی است. |
| 3. Belinda is a singer. | ? | بلیندا خواننده است. |
| 4. Nick is an actor. | ? | نیک یک بازیگر است. |
| 5. We are good friends. | ? | ما دوستان خوبی هستیم. |
| 6. He is an officer. | ? | او یک افسر است. |
| 7. It is an eraser. | ? | یک پاک کن است. |
| 8. You and Eddie are partners. | ? | شما و ادی شریک هستید. |
| 9. Rosie is angry. | ? | رزلی عصبانی است. |
| 10. Jack and I aren't good swimmers. | ? | من و جک شناگران خوبی نیستیم. |

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | | | |
|------------------|------------------|-------------------|------------------|
| 1. will he? | 6. did't he? | 11. aren't there? | 16. will you? |
| 2. weren't they? | 7. haven't you? | 12. shall we? | 17. should I? |
| 3. isn't she? | 8. can't you? | 13. is this? | 18. will you? |
| 4. were you? | 9. will he? | 14. aren't I? | 19. didn't they? |
| 5. does he? | 10. couldn't he? | 15. would you? | 20. had he? |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| ex. Am I an engineer? | آیا من مهندس هستم؟ |
| 1. Are you ill? | شما بیمارید؟ |
| 2. Is Linda a pretty girl? | آیا لیندا دختر زیبایی است؟ |
| 3. Is Belinda a singer? | آیا بلیندا خواننده است؟ |
| 4. Is Nick an actor? | آیا نیک بازیگر است؟ |
| 5. Are we good friends? | آیا ما دوستان خوبی هستیم؟ |
| 6. Is he an officer? | او افسر است؟ |
| 7. Is it an eraser? | پاک کن است؟ |
| 8. Are you and Eddie partners? | آیا شما و ادی شریک هستید؟ |
| 9. Is Rosie angry? | آیا رزی عصبانی است؟ |
| 10. Aren't Jack and I good swimmers? | آیا من و جک شناگران خوبی نیستیم؟ |

تمرین شماره ۱: جمله دوم را کامل کنید تا همان معنی جمله اول شود.

- | | | |
|-----|--|--|
| 1. | What caused the explosion? | چه چیزی باعث انفجار شد؟ |
| | What was the cause... <u>of the explosion</u> | علت انفجار چه بود؟ |
| 2. | We're trying to solve the problem. | ما در حال تلاش برای حل مشکل هستیم. |
| | We're trying to find a solution..... | ما در تلاشیم تا راه حلی برای مشکل پیدا کنیم. |
| 3. | Sue gets on well with her brother. | سو با برادرش خوب است. |
| | Sue has a good relationship..... | سو رابطه خوبی با برادرش دارد. |
| 4. | The cost of living has gone up a lot. | هزینه زندگی بسیار بالا رفته است. |
| | There has been a big increase..... | افزایش زیادی در هزینه‌های زندگی وجود داشته است. |
| 5. | I don't know how to answer your question. | نمی‌دانم چگونه به سوال شما پاسخ دهم. |
| | I can't think of an answer..... | پاسخی برای سوال شما به ذهنم نمی‌آید. |
| 6. | I don't think that a new road is necessary. | فکر نمی‌کنم که یک جاده جدید ضروری باشد. |
| | I don't think there is any need..... | فکر نمی‌کنم نیازی به جاده جدید باشد. |
| | I think that living in a big city has many advantages. | من فکر می‌کنم زندگی در یک شهر بزرگ مزایای زیادی دارد. |
| 7. | I think that there are many advantages..... | فکر می‌کنم مزایای زیادی برای زندگی در یک شهر بزرگ وجود دارد. |
| 8. | Food prices fell last month. | قیمت مواد غذایی در ماه گذشته کاهش یافت. |
| | Last month there was a fall..... | ماه گذشته قیمت مواد غذایی کاهش یافت. |
| 9. | Nobody wants shoes like these any more. | هیچکس، دیگر چنین کفشی را نمی‌خواهد. |
| | There is no demand..... | دیگر تقاضایی برای چنین کفشی وجود ندارد. |
| 10. | In what way is your job different from mine? | از چه نظر شغل شما با شغل من متفاوت است؟ |
| | What is the difference..... | تفاوت شغل شما با شغل من چیست؟ |

تمرین شماره ۲: جملات را با استفاده از اسامی زیر و یک حرف اضافه کامل کنید.

cause, connection, contact, damage, invitation, key, map, photos, reason, reply

- On the classroom wall there were some pictures and a ...map of... the world.
- Thank you for the your birthday party.
- Anna has little her family these days. She rarely sees them.
- I can't open this door. Do you have a the other door?
- The the fire at the hotel is still unknown.
- Did you get a the email you sent?
- The two companies are separate. There is no them.
- Jane showed me some the city as it looked 100 years ago.
- Emily has decided to give up her job. I don't know her doing this.
- It wasn't a bad accident. The the car wasn't serious.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | |
|--------------------------|----------------------------------|
| 1. of the explosion | 6. for a new road |
| 2. to the problem | 7. in/to living in a big city |
| 3. with her brother | 8. in food prices |
| 4. in the cost of living | 9. for shoes like these any more |
| 5. to your question | 10. between your job and mine |

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|--------------------------------------|---|
| 1. map of | روی دیوار کلاس چند عکس و نقشه جهان بود. |
| 2. invitation to | از دعوت برای جشن تولدت متشکرم. |
| 3. contact with | آنها این روزها ارتباط چندانی با خانواده اش ندارد. او به ندرت آنها را می بیند. |
| 4. key to (key for is also possible) | من نمی توانم این در را باز کنم آیا برای درب دیگر کلید دارید؟ |
| 5. cause of | علت آتش سوزی در این هتل هنوز مشخص نیست. |
| 6. reply to | آیا از ایمیلی که ارسال کردید پاسخی دریافت کردید؟ |
| 7. connection between | این دو شرکت از هم جدا هستند. هیچ ارتباطی بین آنها وجود ندارد. |
| 8. photos of | چین چند عکس از شهر به شکل ۱۰۰ سال پیش به من نشان داد. |
| 9. reason for | ایمیلی تصمیم گرفته کارش را رها کند. من دلیل او را برای این کار نمی دانم. |
| 10. damage to | تصادف بدی نبود. آسیب به ماشین جدی نبود. |

تمرین شماره ۱: جملات را با استفاده از صفات زیر و یک حرف اضافه کامل کنید.

amazed, angry, bored, careless, excited, impressed, kind, nervous

1. Are you nervous about... the exam?
2. Thank you for all you've done. You've been very me.
3. What have I done wrong? Why are you me?
4. You must be very your trip next week. It sounds really great.
5. I wasn't the service in the restaurant. We had to wait ages.
6. Ben isn't very happy at college. He says he's the course he's doing.
7. I'd never seen so many people before. I was the crowds.
8. It was you to leave the car unlocked while you were shopping.

تمرین شماره ۲: جمله دوم را کامل کنید تا همان معنی جمله اول شود.

- | | | |
|----|---|--|
| 1. | There were lots of tourists in the streets. | گردشگران زیادی در خیابان‌ها حضور داشتند. |
| | The streets were crowded <u>with tourists</u> | خیابان‌ها مملو از گردشگران بودند. |
| 2. | There was a lot of furniture in the room. | وسایل زیادی در اتاق بود. |
| | The room was full | اتاق پر از وسیله بود. |
| 3. | don't like sport very much. | ورزش را زیاد دوست ندارم. |
| | I'm not very keen | من زیاد علاقه‌ای به ورزش ندارم. |
| 4. | We don't have enough time. | وقت کافی نداریم. |
| | We're short | وقت کم داریم. |
| 5. | Helen does her job very well. | هلن کارش را خیلی خوب انجام می‌دهد. |
| | Helen is very good..... . | هلن در کارش خیلی خوب است. |
| 6. | Steven's wife is a doctor. | همسر استیون پزشک است. |
| | Steven is married | استیون با یک پزشک ازدواج کرده است. |
| 7. | I don't trust Robert. | من به رابرت اعتماد ندارم. |
| | I'm suspicious | من به رابرت مشکوکم. |
| 8. | My problem is not the same as yours. | مشکل من مثل شما نیست. |
| | My problem is different..... . | مشکل من با شما فرق دارد. |

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. nervous about آیا در مورد امتحان نگران هستید؟
2. kind to بابت تمام کارهایی که انجام دادید متشکرم. تو به من خیلی لطف کردی.
3. angry with چه اشتباهی کرده‌ام؟ چرا از من عصبانی هستی؟
4. excited about شما باید در مورد سفر هفته آینده خود بسیار هیجان زده باشید. عالی به نظر می‌آید.
5. impressed by/ impressed with من تحت تاثیر خدمات در رستوران قرار نگرفتم. مجبور شدیم کلی صبر کنیم (تا سفارشمونو بیارن).
6. bored with (bored by is also possible) بن در دانشگاه خیلی خوشحال نیست. او می‌گوید از دوره‌ای که می‌گذراند حوصله‌اش سر رفته است.
7. amazed at / amazed by قبلاً این همه آدم را ندیده بودم. از جمعیت متحیر شدم.
8. careless of این بی احتیاطی تو بود که در حین خرید، ماشین را باز گذاشتی.

پاسخ تمرین شماره ۲:

- | | |
|------------------|-----------------------------------|
| 1. with tourists | 5. at her job |
| 2. of furniture | 6. to a doctor |
| 3. on sport | 7. of him / of Robert |
| 4. of time | 8. from yours / from your problem |

تمرین شماره ۱: مانند مثال، نقل قول‌های مستقیم زیر را به غیرمستقیم تغییر دهید.

He said, "I will be here at noon."

1. He said that he would be there at noon.

Mary said, "The train will probably arrive on time."

2.

He said, "I have to finish this report by five o'clock."

3.

The doctor said, "Mr. Smith will improve quickly."

4.

William said to me, "I am leaving in the morning."

5.

The teacher said, "Everyone has to write a composition."

6.

John said, "I saw that movie on Wednesday."

7.

Helen said, "I have read that book."

8.

Mary said to John, "I cannot go to the movies with you."

9.

John said, "I have finished studying my lesson."

10.

Mary remarked, "John speaks English well."

11.

William said to me, "I will not see Mr. Jones until Tuesday."

12.

Mr. Smith said, "I will refuse their offer."

13.

John said, "I certainly hope it won't rain tomorrow."

14.

Henry said, "I can meet them later."

15.

The boy said, "I am only eight years old."

16.

She said to me, "The lights have gone out."

17.

The man said, "The telephone is out of order."

18.

He said, "I will never speak to her again."

19.

I said to the clerk clearly, "I have already paid that bill."

20.

تمرین شماره ۲: مانند مثال، **say** یا **tell** قرار دهید.

1. All the experts say the earth is getting warmer.
2. Did you tell Mark and Sarah how to find our house?
3. The Sales Manager is going to..... everyone about the meeting.
4. Vicky, why don't you just..... what the matter is?
5. They..... they're going to build a new Disney World here.

6. What did Natasha..... about her holiday plans?
7. Could you..... me the way to the train station, please?
8. The company should..... its employees what's going on.
9. You shouldn't..... lies, you know, Matthew.
10. Did you anything to Melanie about the barbecue?

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. He said that he would be there at noon. او گفت ظهر اینجا خواهد بود.
2. Mary said that the train would probably arrive on time. مری گفت، احتمالاً قطار سر وقت خواهد رسید.
3. He said that he had to finish the report by five o'clock. او گفت که باید این گزارش را تا ساعت پنج تمام کند.
4. The doctor said that Mr. Smith would improve quickly. دکتر گفت، آقای اسمیت به سرعت بهبود می‌یابد.
5. William said to me that he was leaving in the morning. ویلیام به من گفت که صبح دارد می‌رود.
6. The teacher said that everyone had to write a composition. معلم گفت که همه باید یک انشاء بنویسند.
7. John said that he had seen the movie on Wednesday. جان گفت که آن فیلم را روز چهارشنبه دیده بود.
8. Helen said that she had read the book. هلن گفت که آن کتاب را خوانده است.
9. Mary said to John that she couldn't go to the movies with him. مری به جان گفت که نمی‌تواند با او به سینما برود.
10. John said that he had finished studying his lesson. جان گفت که درسش را تمام کرده است.
11. Mary remarked that John speaks English well. مری خاطرنشان کرد که جان به خوبی انگلیسی صحبت می‌کند.
12. William said to me that he would not see Mr. Jones until Tuesday. ویلیام به من گفت که تا سه‌شنبه آقای جونز را نخواهد دید.
13. Mr. Smith said that he would refuse their offer. آقای اسمیت گفت پیشنهاد آن‌ها را رد خواهد کرد.
14. John said that he certainly hoped it wouldn't rain the next day. جان گفت که کاملاً امیدوار است روز بعد باران نبارد.
15. Henry said that he could meet them later. هنری گفت که می‌تواند بعداً آن‌ها را ملاقات کند.
16. The boy said that he was only eight years old. [آن] پسر گفت که او فقط هشت سال دارد.
17. She said to me that the lights had gone out. او به من گفت که برق رفته.
18. The man said that the telephone was out of order. مرد گفت تلفن از کار افتاده است.
19. He said that he would never speak to her again. او گفت که دیگر هرگز با او صحبت نخواهد کرد.
20. I said to the clerk clearly that I had already paid the bill. من به منشی واضح گفتم که من قبلاً [آن] قبض را پرداخت کرده‌ام.

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. say همه کارشناسان می‌گویند زمین در حال گرم شدن است.
2. tell به مارک و سارا گفتی چگونه خانه ما را پیدا کنند؟
3. tell مدیر فروش قرار است در مورد جلسه به همه بگوید.
4. say ویکی چرا نمیگی قضیه چیه؟
5. say آن‌ها می‌گویند که می‌خواهند یک دنیای جدید دیزنی در اینجا بسازند.
6. say ناتاشا در مورد برنامه‌های تعطیلاتش چه گفت؟
7. tell همیشه لطفاً راه ایستگاه قطار را به من بگویید؟
8. tell شرکت باید به کارمندانش بگوید که چه خبر است.
9. tell تو نباید دروغ بگی، میدونی متیو.
10. say در مورد کباب به ملانی چیزی نگفتی؟

تمرین شماره ۱: مانند مثال، جملات امری بسازید.

- | | | |
|-----|-----------------------------------|---------|
| ex. | He is going out. | Go out. |
| 1. | She eats breakfast. | |
| 2. | They drink water. | |
| 3. | We play soccer here. | |
| 4. | The class listens to the teacher. | |
| 5. | He watches the game. | |
| 6. | My mother washes the dishes. | |
| 7. | My father rides a bike. | |
| 8. | My sister answers the teacher. | |

تمرین شماره ۲: مانند مثال، جملات امری منفی بسازید.

- | | | |
|-----|--|---------------|
| ex. | He is not going out. | Don't go out. |
| 1. | He doesn't make a mess. | |
| 2. | She doesn't eat sugar. | |
| 3. | They don't connect the two dots. | |
| 4. | He doesn't write his initial in the box. | |
| 5. | She doesn't read the instructions. | |
| 6. | My brother doesn't open the door. | |
| 7. | My sister doesn't interrupt the teacher. | |
| 8. | They never talk in class. | |

پاسخ تمرین شماره ۱:

ex. Go out.	برو بیرون	او دارد بیرون میرود.
1. Eat breakfast.	صبحانه بخور.	او صبحانه می خورد.
2. Drink water.	آب بنوشید.	آنها آب می نوشند.
3. Play soccer (here).	فوتبال بازی کنید (اینجا).	ما اینجا فوتبال بازی می کنیم.
4. Listen to the teacher.	به معلم گوش کن.	کلاس به معلم گوش می دهد.
5. Watch the game.	بازی را تماشا کنید.	او بازی را تماشا می کند.
6. Wash the dishes.	ظرف ها را بشور.	مادرم ظرف ها را می شوید.
7. Ride a bike.	دوچرخه سواری کن.	پدرم دوچرخه سواری می کند.
8. Answer the teacher.	جواب استاد را بده.	خواهرم جواب معلم را می دهد.

پاسخ تمرین شماره ۲:

ex. Don't go out.	بیرون نرو.	او بیرون نمیرود.
1. Don't make a mess.	خرابکاری نکن.	او خرابکاری نمی کند.
2. Don't eat sugar.	قند نخورید.	او قند نمی خورد.
3. Don't connect the dots.	نقطه ها را به هم وصل نکنید.	آنها این دو نقطه را به هم وصل نمی کنند.
4. Don't write your initial in the box.	حرف اول خود را در کادر ننویسید.	او حرف اول خود را در کادر نمی نویسد.
5. Don't read the instructions.	دستورالعمل ها را نخوانید.	او دستورالعمل ها را نمی خواند.
6. Don't open the door.	در را باز نکن.	برادرم در را باز نمی کند.
7. Don't interrupt the teacher.	حرف معلم را قطع نکنید.	خواهرم حرف معلم را قطع نمی کند.
8. Never talk in class.	هیچوقت در کلاس صحبت نکنید.	آنها هیچوقت در کلاس صحبت نمی کنند.

تمرین شماره ۱: در جاهای خالی فرم صحیح **look for** یا **look after** قرار دهید.

1. I my keys, but I couldn't find them anywhere.
2. Kate is a job. I hope she finds one soon.
3. Who you when you were ill?
4. The car park was full, so we had to somewhere else to park.
5. A child minder is somebody who other people's children.
6. I'm Lisa. I need to ask her something. Have you seen her?

تمرین شماره ۲: در جاهای خالی حرف اضافه مناسب قرار دهید.

1. Did you hear the fire at the hotel yesterday?
2. I love living here. I wouldn't dream going anywhere else.
3. A: I had a strange dream last night.
B: Did you? What did you dream
4. I love this music. It reminds me a warm day in spring.
5. A: We've got no money. What are we going to do?
B: Don't worry. I'll think something.
6. Our neighbors complained us the noise we made.
7. Paul was complaining pains in his chest, so he went to the doctor.
8. He loves his job. He thinks it all the time, he dreams it, he talks
..... it and I'm fed up with hearing it.

تمرین شماره ۳: حرف اضافه صحیح قرار دهید. اگر هیچ حرف اضافه‌ای لازم نیست، خط تیره بگذارید.

1. I'll never forgive them what they did.
2. Vaccinations may protect you a number of diseases.
3. You know you can always rely me if you need any help.
4. Sophie will have to borrow money to pay her college fees.
5. She's often unwell. She suffers very bad headaches.
6. I don't know whether I'll go out tonight. It depends how I feel.
7. Anna doesn't have a job. She depends her parents for money.
8. My usual breakfast consists fruit, cereal and coffee.
9. I complimented her her English. It was really good.

تمرین شماره ۴: حرف اضافه صحیح قرار دهید. اگر جمله کامل است، خط تیره بگذارید.

1. The school provides all its students books.
2. A strange thing happened me a few days ago.
3. Mark decided to give up sport to concentrate his studies.
4. Money should be used well. I don't believe wasting it.
5. My present job isn't wonderful, but I prefer it what I did before.
6. I hope you succeed getting what you want.
7. Ben was injured playing football when he collided another player.
8. There was an awful noise as the car crashed a tree.
9. Patrick is a photographer. He specializes sports photography.
10. Joe doesn't spend much money..... clothes.
11. I was amazed when I heard the news. I couldn't believe it.
12. Somebody broke my car and stole my bag.
13. I was quite cold, but Tom insisted having the window open.
14. The teacher decided to split the class four groups.
15. I filled the tank, but unfortunately I filled it the wrong kind of fuel.
16. Some things are difficult to translate one language another.

تمرین شماره ۵: در جاهای خالی to یا at قرار دهید.

1. They apologised me for what happened.
2. I glanced my watch to see what time it was.
3. Please don't shout me! Try to calm down.
4. I saw Lisa and shouted her, but she didn't hear me.
5. Don't listen what he says. He doesn't know what he's talking about.
6. What's so funny? What are you laughing?
7. Is it all right if I have a look your magazine?
8. I'm lonely. I need somebody to talk
9. She was so angry she threw a book the wall.
10. The woman sitting opposite me on the train kept staring me.
11. Do you have a moment? I need to speak you.

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | |
|-----------------|---|
| 1. looked for | من دنبال کلیدهایم گشتم، اما جایی پیدا نکردم. |
| 2. looking for | کیت دنبال کار می‌گردد. امیدوارم زود یکی پیدا کنه. |
| 3. looked after | چه کسی در زمان بیماری از شما مراقبت می‌کرد؟ |

4. look for پارکینگ ماشین پر بود، پس باید دنبال جای دیگری برای پارک می‌گشتیم.
5. looks after پرستار کودک کسی است که از فرزندان دیگران مراقبت می‌کند.
6. looking for من دنبال لیزا هستم. باید به چیزی ازش بپرسم. آیا او را دیده‌اید؟

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. about آیا در مورد آتش‌سوزی در هتل دیروز چیزی شنیدید؟
2. of من عاشق زندگی در اینجا هستم. من رویای رفتن به جای دیگری را ندارم.
3. about A: دیشب خواب عجیبی دیدم.
B: چه خوابی دیدی؟
4. of من عاشق این موسیقی هستم. منو یاد به روز گرم بهار میندازه.
5. of A: ما پول نداریم. ما قرار است چه کار کنیم؟
B: نگران نباشید. به فکری میکنم.
6. to (us)
about همسایه‌هایمان از سر و صدایی که به راه انداختیم از ما شکایت کردند.
7. of پل از درد در قفسه سینه خود شکایت داشت (احساس درد میکرد)، بنابراین به پزشک مراجعه کرد.
8. about,
about,
about,
about او عاشق کارش است. او مدام به آن فکر می‌کند، در مورد آن خواب می‌بیند، در مورد آن صحبت می‌کند و من از شنیدن در مورد آن خسته شده‌ام.

پاسخ تمرین شماره ۳:

1. for من هرگز آن‌ها را به خاطر کاری که کردند نمی‌بخشم.
2. from واکسیناسیون ممکن است از شما در برابر تعدادی از بیماری‌ها محافظت کند.
3. on می‌دانی که اگر به کمکی نیاز داشتی همیشه می‌توانی به من تکیه کنی.
4. - سوفی باید برای پرداخت هزینه‌های دانشگاهش پول قرض کند.
5. from او اغلب حالش خوب نیست. او از سردردهای بسیار بدی رنج می‌برد.
6. depends how (no preposition)
or depends on how نمیدونم امشب میرم بیرون یا نه بستگی به احساسم داره.
7. on آنا شغلی ندارد او برای پول به پدر و مادرش وابسته است.
8. of صبحانه معمولی من شامل میوه، غلات و قهوه است.
9. on از انگلیسیش تعریف کردم. واقعا خوب بود.

پاسخ تمرین شماره ۴:

1. with این مدرسه کتاب‌ها را برای همه دانش‌آموزان فراهم می‌کند.
2. to چند روز پیش به اتفاق عجیب برام افتاد.

3. on مارک تصمیم گرفت ورزش را کنار بگذارد تا روی تحصیلاتش تمرکز کند.
4. in از پول باید به خوبی استفاده شود. من به هدر دادن آن اعتقادی ندارم.
5. to شغل فعلی من فوق العاده نیست، اما آن را به کاری که قبلاً انجام می‌دادم ترجیح می‌دهم.
6. in امیدوارم در رسیدن به آنچه می‌خواهید موفق باشید.
7. with بن در بازی فوتبال بر اثر برخورد با بازیکن دیگر مصدوم شد.
8. into وقتی ماشین با درخت برخورد کرد صدای وحشتناکی به گوش رسید.
9. in پاتریک یک عکاس است. او در عکاسی ورزشی تخصص دارد.
10. on جو پول زیادی برای لباس خرج نمی‌کند.
11. - وقتی خبر را شنیدم تعجب کردم. باورم نمیشد.
12. into شخصی وارد ماشینم شد و کیفم را دزدید.
13. on من خیلی سرد بودم، اما تام اصرار داشت که پنجره را باز کند.
14. into معلم تصمیم گرفت کلاس را به چهار گروه تقسیم کند.
15. with باک رو پر کردم ولی متأسفانه با سوخت اشتباهی پر کردم.
16. from (one language) into (another) ترجمه برخی چیزها از یک زبان به زبان دیگر دشوار است.

پاسخ تمرین شماره ۵:

1. to بابت اتفاقی که افتاده از من عذرخواهی کردند.
2. at نگاهی به ساعتم انداختم تا ببینم ساعت چند است.
3. at لطفاً سر من فریاد نزنید! سعی کن آرام باشی.
4. to لیزا را دیدم و بلند صدایش زدم، اما او صدایم را نشنید.
5. to به آنچه می‌گوید گوش نده. او نمی‌داند در مورد چه چیزی صحبت می‌کند.
6. at چه چیزی اینقدر خنده دار است؟ به چی می‌خندی؟
7. at اگر نگاهی به مجله شما بیندازم اشکالی ندارد؟
8. to من تنها هستم من به کسی نیاز دارم که با او صحبت کنم.
9. at آنقدر عصبانی بود که کتابی را به دیوار پرتاب کرد.
10. at زنی که روبروی من در قطار نشسته بود، مدام به من خیره بود.
11. to یک لحظه وقت داری؟ باید باهات صحبت کنم.

تمرین شماره ۱: نقل قول جملات زیر را بنویسید.

Mother: "Does anyone want some more potatoes?"

1. Mother asked if anyone wanted some more potatoes.

Father: "Pass me the wine, Beth."

2.

Beth: "The chicken is very nice."

3.

Grandfather: "I'm going to start my diet tomorrow."

4.

Grandmother: "Don't eat with your mouth open, Sam!"

5.

Tim: "This is the best dinner I've had!"

6.

Jean: "Is there any more salad, Mum?"

7.

Sam: "I'm very hungry because I only had a sandwich for lunch today."

8.

Helen: "What are we having for dessert, Mum?"

9.

Bob: "I don't want anything else to eat."

10.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. Mother asked if anyone wanted some more potatoes.
مادر پرسید آیا کسی سیب زمینی بیشتری می‌خواهد؟

2. Father asked Beth to pass him the wine.
پدر از بث خواست که شراب را به او بدهد.

3. Beth said that the chicken was very nice
بث گفت که مرغ خیلی خوب بود.

4. Grandfather said that he was going to start his diet the next day.
پدربزرگ گفت از فردای آن روز قرار است رژیمش را شروع کند.

5. Grandmother told Sam not to eat with his mouth open.
مادربزرگ به سام گفت با دهان باز غذا نخورد.

6. Tim said, that was the best dinner he'd had!
تیم گفت آن بهترین شامی بود که خورده بود!

7. Jean asked his Mum if there was any more salad.
ژان از مادرش سالاد بیشتری درخواست کرد.

8. Sam said that I was very hungry because he'd only had a sandwich for lunch that day.
سام گفت خیلی گرسنه بود چون آن روز فقط یک ساندویچ برای ناهار خورده بود.

9. Helen asked her Mum, what they were having for dessert.
هلن از مادرش پرسید، برای دسر چه دارند.

10. Bob said that he didn't want anything else to eat.
باب گفت که دیگر چیزی برای خوردن نمی‌خواهد.

تمرین شماره ۱: حرف ربط صحیح را انتخاب کنید.

1. I did my best to pass my English exam **yet / so** I failed.
2. I will get my car serviced **and / for** there is something wrong with the brakes.
3. The suspect went to the airport **and / yet** tried to use a license that had his brother's identification on it **or / but** he got caught.
4. Nobody expected Sam to get the job **nor / so** did I.
5. We can go to a Chinese restaurant **or / and** a Mexican, I don't really mind.
6. It was raining heavily **and / so** we decided to stay at home.
7. Everybody was eager to participate the charity walk **or / but** the manager.
8. I got a seat in the front row **for / yet** I was really interested in the lecture topic.
9. My brother **and / nor** I will retire soon and go sailing around the world.
10. He can speak English **so / and** Spanish fluently, **but / or** his French is not so good.

تمرین شماره ۲: جاهای خالی را با استفاده از حروف ربط دوتایی پر کنید.

neither - nor
whether - or
not only - but also

either - or
both - and

as - as
not - but

1. He has to decide **whether** to go to college **or** get a job.
2. _____ my teacher _____ my principal has met my mom.
3. We found _____ shells _____ pebbles at the beach.
4. She has _____ talent _____ a solid work ethic.
5. I have to _____ clean my room _____ do the dishes.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. yet من تمام تلاشم را کردم تا امتحان زبان انگلیسی‌ام را پاس کنم اما موفق نشدم.
2. for من ماشینم را به سرویس خواهم برد، چون مشکلی در ترمز وجود دارد.
3. and, but مظنون به فرودگاه رفت و سعی کرد از مدرکی استفاده کند که هویت برادرش روی آن بود اما دستگیر شد.
4. nor هیچ کس انتظار نداشت سام این شغل را بدست آورد و من هم [انتظار نداشتم].
5. or ما می‌توانیم به یک رستوران چینی یا مکزیکی برویم، واقعاً برام اهمیتی نداره [که کدام رو برویم].
6. so باران شدیدی می‌بارید بنابراین تصمیم گرفتیم در خانه بمانیم.
7. but همه مشتاق شرکت در پیاده‌روی خیریه بودند جز مدیر.
8. for من در ردیف اول صندلی گرفتم زیرا واقعاً به موضوع سخنرانی علاقه داشتم.
9. and من و برادرم به زودی بازنشسته خواهیم شد و به دور دنیا سفر خواهیم کرد.
10. and, but او می‌تواند انگلیسی و اسپانیایی را روان صحبت کند، اما فرانسوی او چندان خوب نیست.

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. whether - or او باید تصمیم بگیرد که به دانشگاه برود یا شغلی پیدا کند.
2. neither - nor نه معلم و نه مدیرم، مادرم را ملاقات نکرده‌اند.
3. both - and هم صدف و هم سنگریزه در ساحل پیدا کردیم.
4. not only - but also او نه تنها استعداد، بلکه اخلاق کاری محکمی نیز دارد.
5. either - or یا باید اتاقم را تمیز کنم یا ظرف‌ها را بشورم.

تمرین شماره ۱: جملات را با استفاده از حروف ربط داده شده، ترکیب کنید.

1. Finish eating your breakfast. Brush your teeth. **After**
_____.
2. I have to stay for tutoring. I failed the quiz in math. **Because**
_____.
3. We won't have practice today. It is raining. **Since**
_____.
4. I woke up. I saw that it was snowing! **When**
_____.
5. You eat your vegetables. You cannot have dessert. **Until**
_____.
6. I was taking a quiz in science. The power went out. **While**
_____.
7. You practice. You will not get any better at basketball. **Unless**
_____.
8. The sun rises in the morning. A rooster crows very early. **Before**
_____.
9. You need to study your vocabulary words. You can do well on the quiz. **So That**
_____.
10. You have cookies left over. Can I have one? **If**
_____.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. After you finish eating your breakfast, brush your teeth. بعد از اتمام صبحانه، مسواک بزنید.
2. I have to stay for tutoring because I failed the quiz in math. من باید برای تدریس خصوصی بمانم زیرا در آزمون ریاضی رد شدم.
3. We won't have practice today since it is raining. امروز تمرین نخواهیم داشت چون باران می بارد.
4. When I woke up, I saw that it was snowing! وقتی بیدار شدم دیدم برف می بارد!
5. Until you eat your vegetables, you cannot have dessert. تا سبزیجات خود را نخورید، نمی توانید دسر بخورید.
6. While I was taking a quiz in science, the power went out. وقتی داشتم در یک آزمون علمی شرکت می کردم، برق قطع شد.
7. Unless you practice, you will not get any better at basketball. تا زمانی که تمرین نکنید، در بسکتبال بهتر نخواهید شد.
8. Before the sun rises in the morning, a rooster crows very early. صبح قبل از اینکه خورشید طلوع کند، خروس خیلی زود بانگ می زند.
9. You need to study your vocabulary words, so that you can do well on the quiz. شما باید لغات واژگان خود را مطالعه کنید تا بتوانید در آزمون به خوبی عمل کنید.
10. If you have cookies left over, can I have one? اگر کلوچه ها باقی مانده است، می توانم یکی داشته باشم؟

تمرین شماره ۱: جملات را با استفاده از کلمات داده شده، به یک جمله تبدیل کنید.

1. couldn't sleep. I was very tired. (despite)
_____.
2. We played quite well. We lost the game. (in spite of)
In spite _____.
3. I'd hurt my foot. I managed to walk home. (although)
_____.
4. I enjoyed the film. The story was silly. (in spite of)
_____.
5. We live in the same building. We hardly ever see each other. (despite)
_____.
6. They came to the party. They hadn't been invited. (even though)
_____.

تمرین شماره ۲: جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید.

rather than, unless, before, once, while, even if, because, until, if, even though

1. I would not see that movie _____ you gave me \$100.
2. _____ it is raining so hard, the game was cancelled.
3. _____ Sam was driving to school yesterday. He saw an accident.
4. I will love you _____ the end of time.
5. _____ he is manager's son. He might still be fired because his work is so bad.
6. _____ you need help. just call me.
7. _____ Hank gets settled in, we will visit him.
8. I would like to drive _____ take the bus.
9. I cannot go to that expensive restaurant _____ you pay.
10. Leslie always drinks a cup of hot chocolate to relax her _____ she goes to sleep.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. I couldn't sleep despite being very tired. با اینکه خیلی خسته بودم نتوانستم بخوابم.

- In spite of playing quite well, we lost the game.
2. / In spite of the fact (that) we played quite well ... با وجود اینکه خوب بازی کردیم، بازی را باختیم.

- Although I'd hurt my foot, I managed to walk home.
3. / I managed to walk home although I'd ... با اینکه پایم صدمه دیده بود، توانستم به خانه بروم.

- I enjoyed the film in spite of the silly story.
/ ... in spite of the story being silly.
4. / ... in spite of the fact (that) the story was silly.
/ In spite of the story being silly, I enjoyed the film. من از فیلم با وجود داستان احمقانه لذت بردم.

- Despite living in the same building, we hardly ever see each other.
/ Despite the fact (that) we live in ...
5. / We hardly ever see each other despite ... علیرغم زندگی در یک ساختمان، ما به ندرت یکدیگر را می بینیم.

- They came to the party even though they hadn't been invited.
6. / Even though they hadn't been invited, they came to the party. آن‌ها با وجود اینکه دعوت نشده بودند به مهمانی آمدند.

پاسخ تمرین شماره ۲:

1. even if حتی اگر ۱۰۰ دلار به من می‌دادی آن فیلم را نمی‌دیدم.
2. because چون باران شدیدی می‌بارد بازی کنسل شد.
3. while در حالی که سم دیروز در حال رانندگی به سمت مدرسه بود، تصادف کرد.
4. until تا آخرش دوست خواهم داشت.
5. even though با وجود اینکه او پسر مدیر است، ممکن است همچنان اخراج شود چون کارش خیلی بد است.
6. if اگر به کمک احتیاج داشتی، فقط به من زنگ بزن.
7. once به محض اینکه که هنک مستقر شد، ما او را ملاقات خواهیم کرد.
8. rather than من ترجیح می‌دهم به جای اتوبوس سوار شدن رانندگی کنم.
9. unless من نمی‌توانم به آن رستوران گران قیمت بروم مگر اینکه پولی بپردازید.
10. before لزلی همیشه قبل از خواب یک فنجان هات چاکلت می‌نوشد تا او را آرام کند.

تمرین شماره ۱: در جاهای خالی، با توجه به فعل داده شده، از "اسم مصدر" یا "مصدر" استفاده کنید:

1. He gave up (gamble).
2. He told me (try) (come) early.
3. I advised him (ask) the bus conductor (tell) him where (get) off.
4. We are looking forward to (read) your new book.
5. I don't enjoy (go) to the dentist.
6. A: Did you remember (give) him the money?
B: No, I didn't. I still have it in my pocket; but I'll (see) him tonight and I promise (not / forget) this time.
7. I saw the plane (crash) in to the hill and (burst) into flames.
8. He is said (be) the best surgeon in the country.
9. We don't want anybody (know) we are here.
10. A: Why didn't you pay the bill for him?
B: I offered (pay), but he refused.
11. He was accused of (steal) the valuable vase.
12. I don't feel like (work); what about (go) to a disco instead?
13. Imagine (live) with someone who never stops (talk).
14. A: Do the boys tidy their own rooms?
B: They are supposed (tidy), but they don't always.
15. I hope the children won't go near the water. I warned them (not / go) near it.
16. Try to avoid (make) him angry.
17. Would you mind (write) your name and address on the back of the cheque?
18. After (read) this article, will you give up (smoke)?
19. I suggest (hold) another meeting next week.
20. I have no intention of (go) to that film; I couldn't bear (see) my favorite actress in such a dreadful part.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. gambling قمار را کنار گذاشت.
2. to try-coming او به من گفت سعی کنم زود بیایم.
3. to ask-telling-to get به او توصیه کردم که از راننده اتوبوس بپرسد که کجا پیاده شود.
4. read ما مشتاقانه منتظر خواندن کتاب جدید شما هستیم.
5. going از رفتن به دندانپزشکی لذت نمی‌برم.
6. A: to give
B: seeing- not forgetting A: یادت بود پول را به او بدهی؟
B: نه، یادم نبود. من هنوز پول را در جیبم دارم. اما من امشب او را می‌بینم و قول می‌دهم این بار فراموش نکنم.
7. crashing- bursting هواپیما را دیدم که به تپه خورد و در آتش سوخت.
8. to be گفته میشه که او بهترین جراح کشور است.
9. to know ما نمی‌خواهیم کسی بداند که ما اینجا هستیم.
10. to pay A: چرا قبض او را پرداخت نکردید؟
B: من پیشنهاد دادم پرداخت کنم، اما او نپذیرفت.
11. stealing او متهم به سرقت [آن] گلدان ارزشمند بود.
12. working- going من حوصله کار کردن ندارم. به جاش نظرت راجع به رفتن به دیسکو چیه؟
13. to live- talking تصور کنید با کسی زندگی می‌کنید که هرگز از صحبت کردن دست نمی‌کشد.
14. tidying A: آیا پسرها اتاق‌های خود را مرتب می‌کنند؟
B: قرار است آن‌ها را مرتب کنند، اما همیشه این کار را نمی‌کنند.
15. not going امیدوارم بچه‌ها به آب نزدیک نشوند. به آن‌ها هشدار دادم که به آن نزدیک نشوند.
16. making سعی کنید از عصبانی کردن او خودداری کنید.
17. to write آیا تمایل دارید نام و آدرس خود را پشت چک بنویسید؟
18. to read- smoking پس از خواندن این مقاله، آیا سیگار را ترک می‌کنید؟
19. holding پیشنهاد می‌کنم هفته آینده جلسه دیگری برگزار کنید.
20. going- seeing من قصد رفتن به آن فیلم را ندارم. طاقت دیدن بازیگر مورد علاقه‌ام را در چنین قسمت وحشتناکی نداشتم.

تمرین شماره ۱: در جاهای خالی، با توجه به فعل داده شده، از "اسم مصدر" یا "مصدر" استفاده کنید:

1. Try (forget) it; it's not worth (worry) about.
2. I advise you (start) (look) for a flat at once.
3. He hates (answer) the phone, and very often just lets it (ring).
4. It is usually easier (learn) a subject by (read) books than by (listen) to lectures.
5. Don't forget (lock) the door before (go) to bed.
6. I arranged (meet) them here.
7. He tried (explain) but she refused (listen).
8. I regret (inform) you that your application has been refused.
9. Your windows need (clean); would you like me (do) them for you?
10. I can't help (sneeze); I caught a cold yesterday from (sit) in a draught.
11. I absolutely remember (pay) him. I gave him \$20.
12. You'll never regret (do) a kind action.
13. A: Did you remember (lock) the door?
B: No, I didn't. I'd better (go) and (do) it now.
14. I'm very sorry for (be) late; it was good of you (wait) for me.
15. You don't need (ask) his permission every time you want (leave) the room.
16. I except him (apologize) to me.
17. We got tired of (wait) for the weather (clear) and finally decided (set) out in the rain.
18. I can hear the bell (ring), but nobody seem to be coming (open) the door.
19. There are people who can't help (laugh) when they see someone (slip) on a banana skin.
20. They don't allow (smoke) here.
21. After she had decided (stay) in Turkey, she got used to (eat) Turkish foods.
22. They seem (have) plenty of money.
23. I'm sorry sir, I'm late, but I promise (not / be) late again.
24. I remember (go) to the cinema with my girl friend when I was a teenager.
25. He is ashamed of (steal) that money.
26. I think we'd better (exchange) names and addresses.
27. Would you mind (show) me how (work) the new machine?
28. She warned her child (not / touch) the wire.
29. Can you manage (finish) (pack) these parcels alone?
30. His doctor advised him (give up) (sit) up late at night?

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. to forget سعی کنید آن را فراموش کنید. ارزش نگرانی ندارد.
2. to start- looking من به شما توصیه می‌کنم که بلافاصله شروع به جستجوی یک آپارتمان کنید.
3. answering- to ring او از پاسخ دادن به تلفن متنفر است و اغلب فقط اجازه می‌دهد تا تلفن زنگ بخورد.
4. to learn- reading- listening معمولاً یادگیری یک موضوع با خواندن کتاب آسان‌تر از گوش دادن به سخنرانی است.
5. locking- going قفل کردن در را قبل از خوابیدن فراموش نکنید.
6. meeting قرار ملاقات با آن‌ها را اینجا گذاشتم.
7. to explain- listening او سعی کرد توضیح دهد اما او از گوش دادن خودداری کرد.
8. informing متأسفم که به شما اطلاع میدهم که درخواست شما رد شده است.
9. cleaning- to do پنجره‌های شما نیاز به تمیز کردن دارند. آیا دوست داری این کار را برایت انجام دهم؟
10. to sneeze- sitting من نمی‌توانم جلوی عطسه کردن را بگیرم. دیروز به خاطر نشستن توی خشکی سرما خوردم.
11. paying من کاملاً به یاد دارم که به او پول دادم. ۲۰ دلار به او دادم.
12. doing هرگز از انجام یک عمل محبت‌آمیز پشیمان نخواهید شد.
13. A: locking
B: going-doing A: یادته که در را قفل کردی؟
B: نه، نکردم. بهتره الان برم و انجامش بدم.
14. being- to wait خیلی متأسفم که دیر آمدم. خیلی خوبی که منتظر من بودی.
15. asking- to leave لازم نیست هر بار که می‌خواهید اتاق را ترک کنید از او اجازه بگیرید.
16. apologizing من انتظار دارم که او از من عذرخواهی کند.
17. waiting- clearing- to set از انتظار برای روشن شدن هوا خسته شدیم و بالاخره تصمیم گرفتیم زیر باران راه بیفتیم.
18. ringing- to open صدای زنگ را می‌شنوم، اما به نظر می‌رسد کسی نمی‌آید تا در را باز کند.
19. to laugh- slipping افرادی هستند که وقتی می‌بینند شخصی روی پوست موز لیز می‌خورد نمی‌توانند بخندند.
20. to smoke اینجا اجازه سیگار کشیدن نمی‌دهند.
21. to stay- eating بعد از اینکه تصمیم گرفت در ترکیه بماند، به خوردن غذاهای ترکی عادت کرد.
22. having به نظر می‌رسد که آن‌ها پول زیادی دارند.
23. to not be ببخشید آقا، دیر اومدم ولی قول میدم دیگه دیر نکنم.
24. going یادم می‌آید در نوجوانی با دوست دخترم به سینما رفتیم.
25. stealing از دزدیدن آن پول خجالت می‌کشد.
26. exchanging فکر می‌کنم بهتر است نام و نشانی را با هم رد و بدل کنیم.
27. to show- working اشکالی نداره که به من نشان دهید که دستگاه جدید چگونه کار می‌کند؟
28. not touching او به فرزندش هشدار داد که سیم را لمس نکند.
29. to finish- packing آیا می‌توانید به تنهایی بسته بندی این بسته‌ها را به پایان برسانید؟
30. to give up- sitting دکترش به او توصیه کرد که شب‌ها تا دیروقت بیدار بنشیند؟

Is Jo **as tall as** Chris?

آیا جو همقد کریس است؟

Is Jo taller than Chris?

آیا جو از کریس قدبلندتر است؟

کلمه tall یک صفت یک بخشی است. پس صفت تفضیلی آن می شود: taller (رد گزینه ۴)

وقتی میخواهیم بگوییم یک نفر از یک نفر دیگر قد بلندتر است، باید بگوییم taller than (رد گزینه های ۱ و ۲)

برای اینکه بگوییم دو نفر یا دو چیز در یک صفت برابر هستند، از ساختار as ----- as استفاده می کنیم.

۳. گزینه « ۳ » متوسط

Despite being the better team, we lost the match.

علی رغم تیم بهتر بودن، مسابقه را باختیم.

دقت کنید که بعد از despite از حرف اضافه استفاده نمیکنیم. این کلمه را با in spite of اشتباه نگیرید.

همانطور که در بخش ۲۷ گرامر صحبت کردیم، despite و in spite of حروف اضافه هستند و although یک حرف ربط وابسته است.

Although the kitchen is small, it is well designed.

با اینکه آشپزخانه کوچک است، به

خوبی طراحی شده است.

نکته: بعد از in spite of و despite، از یک گروه اسمی، ضمیر یا یک فعل ing دار استفاده می کنیم.

۴. گزینه « ۴ » متوسط

You aren't allowed to use your mobile so there's no point in leaving it on.

شما اجازه استفاده از تلفن همراه خود را ندارید بنابراین روشن گذاشتن آن هیچ فایده ای ندارد.

There's no point in doing sth.

۵. گزینه « ۲ » آسان

You should **do** your homework.

باید تکالیف را انجام دهی.

برای انجام تکالیف باید از do استفاده کنیم.

۶. گزینه « ۲ » متوسط

We would never have had the accident if you hadn't been driving so fast.

اگر آنقدر تند رانندگی نمیکردی، هرگز تصادف نمیکردیم.

دقت کنید که در جملات شرطی نمیشود در هر دو طرف، کلمه would را داشته باشیم (رد گزینه های ۱ و ۴)

و توجه کنید که فعل باید منفی باشد تا معنی بده. (اگر تند نمیروندی تصادف نمیکردیم) (رد گزینه ۳)

۷. گزینه « ۱ » آسان

Would you **mind closing** the window?

میشه پنجره رو ببندی؟

بعد از فعل mind، اسم مصدر (فعل ing دار) خواهیم داشت.

۸. گزینه « ۴ » متوسط

You **had better** see a doctor.

بهتره که بری دکتر. (تا معاینت کنه)

وقتی میخواهید بگویید بهتر است کاری را انجام دهید وگرنه مشکلی پیش خواهد آمد، از had better استفاده می کنید.

دقت کنید که از had better، برای زمان حال یا آینده استفاده می کنیم.

۹. گزینه « ۳ » آسان

"Why are you so hungry?" "Oh, I didn't have breakfast this morning."

"چرا انقدر گرسنه‌ای؟" "اوه، امروز صبح صبحانه نخوردم."

باید از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

۱۰. گزینه « ۳ » متوسط

I went to the shop to buy some chocolate.

به مغازه رفتم تا مقدار شکلات بخرم.

go to a place to do sth

۱۱. گزینه « ۲ » آسان

"Did you speak to Juliet?" "No, I've hardly seen her."

"با جولیت صحبت کردی؟" "نه، به ندرت او را دیده‌ام." (کم میبینمش).

با دانستن معنی گزینه‌ها، به راحتی به این سوال پاسخ خواهید داد.

۱۲. گزینه « ۲ » متوسط

I'd like some information, please.

کمی اطلاعات میخوام لطفاً.

کلمه information معمولاً غیرقابل شمارش است. دقت کنید که زمانی گزینه ۳ و ۴ می‌توانستند درست باشند که به صورت زیر باشند:

a piece of

۱۳. گزینه « ۳ » متوسط

How long have you been learning English?

چه مدت است که در حال یادگیری زبان انگلیسی هستی؟

یکی از نشانه‌های زمان حال کامل (ساده و استمراری)، How long می‌باشد.

۱۴. گزینه « ۲ » آسان

There aren't many people here.

آدمای زیادی اینجا نیستن.

توی جملات منفی از some استفاده نمیکنیم (رد گزینه ۴).

چون people قابل شمارش گزینه ۱ رد میشه. گزینه ۳ هم حرف اضافه of رو کم داره.

۱۵. گزینه « ۲ » متوسط

I expect a reply to my letter in the next few days.

در چند روز آینده، انتظار یک پاسخ به

نامه‌ام را دارم.

کافیه که به معنی توجه کنید.

تمرین شماره ۱: در جاهای خالی who یا which قرار دهید.

1. I met a woman can speak six languages.
2. What's the name of the man lives next door?
3. What's the name of the river goes through the town?
4. Everybody went to the party enjoyed it very much.
5. Do you know anybody want to buy a car?
6. Where is the picture was on the wall?
7. She always asks me questions are difficult to answer.
8. I have a friend is very good at repairing cars.
9. A coffee-maker is a machine makes coffee.
10. Why does he always wear clothes are too small for him?

پاسخ تمرین شماره ۱:

- | | |
|-----------|---|
| 1. who | من با زنی آشنا شدم که می‌تواند به شش زبان صحبت کند. |
| 2. who | نام مردی که در خانه بغلی زندگی می‌کند چیست؟ |
| 3. which | نام رودخانه‌ای که از شهر می‌گذرد چیست؟ |
| 4. who | همه کسانی که به مهمانی رفتند بسیار از لذت بردند. |
| 5. who | آیا کسی را می‌شناسید که بخواهد ماشین بخرد؟ |
| 6. which | عکسی که روی دیوار بود کجاست؟ |
| 7. which | او همیشه از من سؤالاتی می‌پرسد که پاسخ دادن به آن‌ها دشوار است. |
| 8. who | من یک دوست دارم که در تعمیر ماشین بسیار مهارت دارد. |
| 9. which | قهوه ساز دستگاهی است که قهوه درست می‌کند. |
| 10. which | چرا او همیشه لباس‌هایی می‌پوشد که برای او خیلی کوچک هستند؟ |

تمرین شماره ۱: جاهای خالی را با ضمایر موصولی مناسب (who, which, whom) پر کنید.

1. Did you see the man stole her bag?
2. The eggs you've bought are bad.
3. Please give me the keys are on the table.
4. Is that man we saw in the park yesterday?
5. What's the name of the lady babysits for you?
6. Tom is playing with the dog lives next door.
7. Have you eaten all the cakes I made yesterday?
8. How old is the man owns this shop?
9. Let's all look at the picture is on page 7.
10. Has Peter returned the money he borrowed from you?
11. What colour is the dress you're going to wear tonight?
12. The police have arrested the man murdered his wife.
13. The parcel is on the table is your birthday present.
14. Have you met the man Jackie is going to marry?
15. We will ask the man delivers our milk to leave an extra bottle.
16. Is she the person gave you this car?
17. We spent our holiday in a small town is near the sea.
18. The man married Kate is a millionaire.
19. Where are the shoes I bought this morning?
20. I still write to that lady I met twenty years ago.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. who مردی که کیف او را دزدید را دیدی؟
2. which تخم مرغ‌هایی که خریده‌اید بد است.
3. which لطفاً کلیدهای روی میز را به من بدهید.
4. whom/ who آیا او، مردی است که دیروز در پارک دیدیم؟
5. who نام آن خانمی که برای شما بچه‌داری می‌کند چیست؟
6. which تام در حال بازی با سگی است که در همسایگی زندگی می‌کند.
7. which همه یک‌هایی که دیروز درست کردم خوردی؟
8. who مردی که این مغازه را دارد، چند سال دارد؟
9. which بیایید همه به تصویری که در صفحه ۷ است نگاه کنیم.
10. which آیا پیتر پولی را که از شما قرض گرفت، پس داده است؟
11. which لباسی که قراره امشب بپوشی چه رنگیه؟
12. who پلیس مردی را که همسرش را به قتل رسانده بود دستگیر کرد.
13. which بسته‌ای که روی میز است هدیه تولد شماست.
14. whom/ who آیا با مردی که جکی قرار است با او ازدواج کند ملاقات کرده‌اید؟
15. who ما از مردی که شیر ما را تحویل می‌دهد می‌خواهیم یک بطری اضافی بگذارد.
16. who آیا او کسی است که این ماشین را به شما داده است؟
17. which ما تعطیلات خود را در شهر کوچکی گذرانیم که نزدیک دریا است.
18. who مردی که با کیت ازدواج کرد یک میلیونر است.
19. which کفش‌هایی که امروز صبح خریدم کجا هستند؟
20. whom هنوز هم برای آن خانمی که بیست سال پیش با او آشنا شدم نامه می‌نویسم.

تمرین شماره ۱: جملات را با استفاده از **who**، **that**، **which** ادغام کنید.

1. A girl is now in hospital. She was injured in the accident.
_____.
2. A man told me you were away. He answered the phone.
_____.
3. A waitress was very impolite and impatient. She served us.
_____.
4. A building was destroyed in the fire. It has now been rebuilt.
_____.
5. A bus goes to the airport. It runs every half hour.
_____.
6. I saw the man. He closed the door.
_____.
7. The girl is happy. She won the race.
_____.
8. The student is from China. He sits next to me.
_____.
9. We are studying sentences. They contain adjective clauses.
_____.
10. The taxi driver was friendly. He took me to the airport.
_____.
11. The woman was polite. She answered the phone.
_____.
12. The man has a good voice. He sang at the concert.
_____.
13. We enjoyed the actors. They played the leading roles.
_____.

14. The girl is hurt. She fell down the stairs.
_____.
15. The student is in my class. He is walking with Anna.
_____.
16. The police caught the thief. He stole the money.
_____.
17. Is the river very large? It flows through that town.
_____.
18. There is a new house in our neighborhood. It has a swimming pool.
_____.
19. The man is at the bus stop. He fixed our refrigerator.
_____.
20. Who are those students? They are talking to Mrs. Hinton.
_____.
21. This is the package. It came in the mail today.
_____.
22. I like the songs. They tell about life in the country.
_____.

پاسخ تمرین شماره ۱:

1. A girl who was injured in the accident is now in hospital.
دختری که در [آن] حادثه مجروح شده بود اکنون در بیمارستان [بستری] است.
2. A man who answered the phone told me you were away.
مردی که تلفن را جواب داد به من گفت که تو نبود.
3. A waitress who served us was very impolite and impatient.
پیشخدمتی که به ما خدمت می کرد بسیار بی ادب و بی صبر و حوصله بود.
4. A building which was destroyed in the fire has now been rebuilt
ساختمانی که در آتش سوزی ویران شده بود اکنون بازسازی شده است.
5. A bus which runs every half hour goes to the airport.
اتوبوسی که هر نیم ساعت یکبار حرکت می کند به فرودگاه می رود.

6. I saw the man who closed the door. مردی که در را بست را دیدم.
7. The girl who won the race is happy. دختری که مسابقه را برد خوشحال است.
8. The student who sits next to me is from China. دانشجویی که کنار من نشسته اهل چین است.
9. We are studying sentences that contain adjective clauses. ما در حال مطالعه جملاتی هستیم که حاوی شبه جمله‌های وصفی هستند.
10. The taxi driver that took me to the airport was friendly. راننده تاکسی که من را به فرودگاه برد، رفتار دوستانه‌ای داشت.
11. The woman who answered the phone was polite. زنی که به تلفن جواب داد مودب بود.
12. The man who sang at the concert has a good voice. مردی که در کنسرت خواند صدای خوبی دارد.
13. We enjoyed the actors who played the leading roles. از بازیگرانی که نقش‌های اصلی را بازی می‌کردند لذت بردیم.
14. The girl who fell down the stairs is hurt. دختری که از پله‌ها افتاد آسیب دیده است.
15. The student who is in my class is walking with Anna. دانش آموزی که در کلاس من است دارد با آنا راه می‌رود.
16. The police caught the thief that stole the money. پلیس دزدی را که پول را دزدیده بود دستگیر کرد.
17. Is the river that flows through that town very large? آیا رودخانه‌ای که از آن شهر می‌گذرد خیلی بزرگ است؟
18. There is a new house in our neighborhood which has a swimming pool. یک خانه جدید در محله ما هست که یک استخر شنا دارد.
19. The man who is at the bus stop fixed our refrigerator. مردی که در ایستگاه اتوبوس است، یخچال ما را تعمیر کرد.
20. Who are those students that are talking to Mrs. Hinton? آن دانش آموزانی که با خانم هینتون صحبت می‌کنند چه کسانی هستند؟
21. This is the package that came in the mail today. این بسته‌ای است که امروز با پست آمد.
22. I like the songs which tell about life in the country. من آهنگ‌هایی را دوست دارم که در مورد زندگی در روستا است.

کتاب کار گرامر

مؤلفین:

وحید رضوان پور، محدثہ محمدی، رعنا ایمان نژاد

